



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روزترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

- (۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- (۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- (۳) معرفی روش‌های مقاله و پایان‌نامه نویسی و ارائه پکیج‌های آموزشی مربوطه
- (۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- (۵) معرفی آموزشگاه‌ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- (۶) ارائه جزوات و منابع رایگان مرتبط با رشته‌های تحصیلی
- (۷) راهنمای آزمون‌های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۸) راهنمای آزمون‌های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۹) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری‌های پربازدید
- (۱۰) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه‌های دارای تخفیف دانشجویی
- (۱۱) معرفی همایش‌ها، کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های ویژه دانشجویی
- (۱۲) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت‌های معتبر مربوطه
- (۱۳) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سرگذری، معافیت تحصیلی و امریه
- (۱۴) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- (۱۵) معرفی انواع بیمه‌های دانشجویی دارای تخفیف
- (۱۶) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- (۱۷) صفحه ویژه ارائه شغل‌های پاره وقت، اخبار استخدامی
- (۱۸) معرفی خوابگاه‌های دانشجویی معتبر
- (۱۹) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن‌های تخصصی و...
- (۲۰) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- (۲۱) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- (۲۲) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت‌های مطرح (۲۳)



WWW.GhadamYar.Ir

WWW.PortaleDanesh.com

WWW.GhadamYar.Org

۰۹۱۲ ۳۰ ۹۰ ۱۰۸

باما همراه باشید...

۰۹۱۲ ۰۹ ۰۳ ۸۰۱

www.GhadamYar.com

نهم حضرت دوست

حق بگانم

عنوان : حقوق تجارت (۳)

استاد : اقای دکتر مهمان نوازان

تهیه کننده : سیروس قاسمی

استفاده از این مطلب تنها با اجازه تهیه کننده آن جایز است

بهار ۸۹

منبع اصلی : حقوق تجارت - تالیف: ربیعا اسکینی- انتشارات سمت

منابع فرعی : حقوق تجارت - تالیف: حسن ستوده- انتشارات دادگستر

بنام حضرت دوست خالق زیبائی اوست ویگانه دادگر روز فرجام هم اوست

عنوان درس : اسناد تجاری

شما در تجارت ۱ با تاجر آشنا شدید با فعالیتهای تجاری اشنا شدید با انواع و اقسام متدهایی که تاجر برای تجارت کردن اعمال می کنند آشنا شدید و با تفاوت امور مدنی آن آشنا شدید و فهمیدید که قانون خاصی در مورد تجار وجود دارد و بعد در تجارت ۲ وارد بحث شرکتها شدید و فهمیدید که همین تاجر می تواند در غالب شرکتهای مختلفی باشد اما حالا رسیدیم به قسمت عالی قضیه یعنی تجار، تاجری که در شرکتهای مختلف وجود دارد باید به نوعی معاملات خودش را انجام دهد.

دری ورد کردن ها، بیزینس کردنها باید در غالب یکی از اسناد تجاری وجود داشته باشد در معاملات تجار، خیلی کم پیش می اید که با پول نقد معامله ای را انجام دهند. اما استفاده کردن اسناد تجاری شرایط

خاص، ماهیت خاص و یک استراکچر وجودی و ساختار خیلی مطلوبی را دارد که باید به آن توجه شود و به همین شکل و به همین سادگی هم نیست و در این جاست که پائی یک حقوق دان به وسط می اید و گرنه خود مردم عادی هم مثل ما درباره پول صحبت نمی کنیم پول حساب دودو تا چهار تاست و چیزی که کاملاً روشن و ملموسی است.

اما وقتی صحبت اسناد تجاری به وجود می اید چون قوانین خاصی دارد، ماهیت خاصی دارد و شرایط زمان و مکان خاص خودش را می طلبند شیوه دادرسی خاص خودش را می طلبند.

وقتی مشکلی در این زمینه به وجود می اید وظیفه یک حقوقدان است که در مورد آن صحبت کند.

همانطور که از اسم تجارت کردن پیداست رنگ و بوئ مالی دارد و بسیار پول ساز و می تواند ابزار دست یک حقوق دان موفق باشد و یکی از پول ساز ترین راههای یک حقوق دان است که بطور حرفة ای می تواند از آن استفاده نماید. در ضمن در حقوق تجارت چیزی به عنوان الباقیات و عواطف و احساسات و وجودان و اینها وجود ندارد فقط و فقط شرایط قراردادی تراضی طرفین نحوه معامله کردن است همه اینها می شود چارت و یک ساختار وجودی یک قرار داد. تو رو خدا این جوری بکنیم و حالا کنار میایم کدخدا منشانه اصلاً اینها در دنیا تجارت راه ندارد دنیا تجارت بسیار دنیا بی رحمی است همان گونه که می تواند یک شخصی را به بالا ببرد به پیشرفت برساند همان گونه هم می تواند به افول و به زوال برساند) و یک حقوقدان بیشتر از این نمی تواند حتی در کتاب خداوند در قران هم این موضوع وجود دارد و کاملاً به آن اشاره شده

لاتکولا اموالکم بینکم بلباطل الا تكون تجارة تراض

فقط و فقط زمانی می توانید معاملاتی ثبت کنید و اموال دیگران را به تملک خود در آورید که در چارچوب یک قرارداد و دادوستدی باشد که به نحوی رضایت طرف مقابل وجود داشته باشد بجوز این چیز دیگری نیست این یک مقدمه ایست بر درس حقوق تجارت ۳ شما.

اما ببینیم سند تجاری چه چیزی است؟

سند تجاری یک سند قابل معامله ای است یعنی اینکه ارزش جابجا کردن دارد ارزش معامله دارد. که در درس مدنی ۳ زیاد خواهد شد.

وقتی صحبت از ارزش معامله ای است یعنی چیزی که ارزش مادی دارد ارزش اسکن دارد یعنی ارزش آن را دارد که یک چیزی را بدھید و بابت آن یک چیز دیگری را دریافت نمائی و کاملاً ارزش اقتصادی و مادی دارد.

پس یک سند قابل معامله و معرف وجود یک طلبی هم است بابت دوستی و رفاقت و با رضایت کامل آن را به دیگری تنفيذ میکنم و صلح و هبه و اينهائی که به آن واقف ايد نیست حتما معامله است. یک ماشینی را خریدید یک سهام شرکتی را خریدید حتما معرف وجود طلبی است بابت یک معامله است یا بابت بیزینس و تجارت کردن است و سرسید معین هم دارد که موعدان مشخص است هیچ زمانی بدون سرسید نیست مقصود اينکه حتما سر رسید معین دارد و معمولاً اين سرسید کوتاه مدتی است ۰۵ سال نیست هیچ موقع شما نمی ايد ۲۰۰ هزار تا صندلی بخرید در سطح کلان برای یک تجارت بعد موعد سر رسید آن را ۵۰ ساله اعلام کنید عرف تجارت اصلاً اینرا نمی پذيرد در واقع آن را عملاً یک جور معامله مجاني محسوب می کند و سرسید آن معین است در ضمن اسناد تجاری معمولاً بين بازرگانان است چون افراد عادي هم می توانند اين عمل را انجام دهند اما معمولاً بين بازرگانان است برای مثال ممکن است مادربرگ من با ۱۲۰ سال سن در بندر عباس هم یک دسته چک داشته باشد پس افراد عادي جامعه هم می توانند از اسناد تجاری استفاده کنند اما میگوییم معمولاً بازرگانان استفاده می کنند این می شود یک تعریف مجر و تراشیده از اسناد تجاری.

اما یک چیزی که مهم و کنکوری است که دوست دارم شما حتماً اویزه گوشتان کنید تا دکترا هم ممکن است این مشکل وجود داشته باشد برای سند و باعث گمراهی است چون سند تجاری خيلي مزيتهاي خاص دارد.

چه کسی می تواند به من بگوید که اسناد تجاری چگونه سندی است؟ اسناد تجاری به هیچ وجه من الوجود سند رسمي محسوب نمی شود علارغم تمام این امتيازاتي که دارد حتماً یک سند عادي است.

اسناد تجاری با همه ويزگي ها و خصايص به هیچ وجه رسمي محسوب نمی شود بلکه کاملاً عادي است.

بعضی ها فکر می کنند که چک یک سند رسمی است، برای سند رسمی است فکر می کنند سفته یا همان فته طلب یک سند رسمی است؟ به هیچ وجه، همه آنها جزء اسناد عادی هستند در ماده ۱۱۰ ق.آ.د.م می توانیم به آن اشاره کنیم.

اما از این تعریفی که کردیم عناصر تشکیل دهنده ای هم در مورد آن وجود دارد اولین شاخصه ای که باید در مورد این تعریف به آن اشاره کنیم این است که اسناد تجاری بطور عموم و مطلق عادی محسوب می شوند علارغم همه ای ویژگیها و خصایص مثبتی که دارند این اسناد کاملاً قابل معامله کردن هستند و در بین بازارگانان بخصوص هر چه قدر تکنولوژی پیشرفت می کند جایگزین پول می شوند این هم یکی از شاخصه های مربوط به عناصر این تعریف که ارائه دادیم.

معاملات تجار معمولاً مدت دار است اما این مدت کاملاً کوتاه است یعنی سررسید کوتاهی دارد و در ضمن از عناصر این تعریف می توان اینگونه برداشت کرد که اسناد تجاری معمولاً بین بازارگانان جابجا می شود و یک جایگزین مطمئنی است.

که تمامی اسناد تجاری شامل برای ذکر می کنیم غالباً فندانسیون اسناد تجاری و فرمولهای مطلق به آن در برای وجود دارد که تمام شاخصه های اسناد تجاری شاید بشود در برای پیدا کرد مگر اینکه این چیزهای خاصی که مثلاً در چک وجود دارد اکثریت را به این اشتباه می اندازد که اسناد تجاری رسمی محسوب می شوند ولی در حقیقت عادی هستند البته در ق.آ.د.م هم پیش بینی شده است در ق.ث هم پیش بینی شده است که آنها را بیشتر در تجارت ۴ وقتی در مورد یک تاجر ورشکسته صحبت می کنیم مطرح می کند که این اسناد عادی همان اسناد تجاری که عادی اند توجه کنید و نباید از آن غافل شد که اسناد تجاری علارغم عادی بودن از بسیاری از امتیازات سند رسمی بهره مند هستند که جلسه آینده این پلان را بیشتر باز می کنیم و می بینیم.

بنام او که افرید سپیده دم را تا منور کند به نور عدالت جهان سیه را

عنوان درس : تعریف اسناد تجاری و مزایای اسناد تجاری

اگر خاطر عزیزان باشد در جلسه قبل گفتم که در ق.ت هیچ تعریفی از سند تجاری نشده است و ما در هیچ جای قانون تجارت یا هیچ کجای هیچ قانونی تعریف جامع و مفیدی از سند تجاری نداریم اما خودمان یک تعریفی از سند تجاری ارائه دادیم و با محتوا مکتوب واز مفهوم ق.ت می توانیم آنرا استخراج کنیم.

گفتیم سند تجاری سندی است قابل معامله معرف طلبی است و معمولاً هم بین بازارگانان است و سرسید آن هم کوتاه مدت است یعنی می خواهیم این را بگوییم وقتی می گوییم سرسید کوتاه مدت است یعنی اینکه سند تجاری معمولاً بین بازارگانان بصورت نقد نمی باشد حتیماً سند تجاری در غالب موارد علی الحصول مدقدار است و این مدت هم خیلی طولانی نیست ۱ ماه ۶ ماه نه ۵۰ سال؟ کمتر در بین بازارگانان پیش می اید در روابط تجاری بصورت فلفور نقدی باشد معمولاً معاملات تاجر و بازارگانان بصورت مدقدار است کمتر پیش می اید که بصورت وجه نقد باشد و در هر صورت عناصر تشکیل دهنده اش را توضیح دادیم.

حال می خواهیم ببینیم که مزیتهای اسناد تجاری چیست؟

یکی از ویژگی های خاص و ویژه اسناد تجاری مسئولیت تضامنی امضا کنندگان است که این مسئولیت تضامنی یک چیز خلاف اصلی است اما در ق.ت وجود دارد و مورد پذیرش هم قرار گرفته است و اجرا هم می شود هم در ماده ۲۹۲ ق.ت هم در ماده ۴۰۳ ق.ت که هر دو را می خوانیم و در مورد آن بحث می کنیم اما این را بدانید که ماده ۴۰۳ ق.ت یک قاعده ایست خلاف اصل برخلاف نظر مشهور فقهاء امامیه است.

فقهاء امامیه به چه کسانی می گویند؟ کسانی که پیرو فقه شیعه ۱۲ امامیه هستند که به آن می گوییم فقه امامیه و در مقابل چه فقهاء قرار دارند؟ فقه عامه یا اهل تسنن

بسیاری از قوانین ما ادبته شده با فقه امامیه بسیاری از قوانین ما که از حقوق کشورهای مختلف گرفته شده ادبته شده با فقه امامیه است . اما جائی که مسئولیت تضامنی درروابط تجاری قرار گرفته به عنوان یک قاعده خلاف اصل برخلاف نظر فقهاء امامیه است اما در ق منعکس شده است شاید بعضی ها بگویند که چرا شورای نگهبان با آن مخالفت نکرده مثل خیلی از موارد دیگر خوب در هر صورت ما مواردی که مخالف فقه امامیه هستند و در هر صورت و به هر طریق ممکن مورد تصویب هم قرار گرفته نمونه دیگران قسمتی از ماده ۱۰ ق م است که در مدنی ۶ با آن اشنا خواهید شد که در انجا هم برخلاف نظر فقهاء امامیه است مثلا جائی که صحبت از شرط ابتدائی می شود این یک قاعده ای است خلاف اصل چرا در فقه امامیه ودر اسلام اصل بمسئولیت نسبی و مشترک است نه مسئولیت تضامنی این ها چه تفاوتی دارد ؟ مسئولیت تضامنی یعنی یک نفر باید جور همه را بکشد و متعهد له یا ذینفع یا دارنده کسی که دارنده سندی است اجازه دارد به هر کدام از افراد که میخواهد مراجعه کند و آن ۱ نفر باید جور همه را بکشد به عنوان مثال اگر من و همه شما ۴۰-۵۰ نفر ئ که در کلاس هستیم امضا کنندگان ذیل یک سند تجاری باشیم و به عنوان متعهد هستیم و دارنده این سند یک شخص است که از بیرون می اید به اسم مشهدی حسن این اقای مشهدی حسن حق دارد به هر کدام از ما که دوست داشت مراجعه کند و تمام آن تعهد را از همان ۱ نفر بخواهد آن یک نفر نمیتواند بگوید ۴۹ نفر دیگر هستند وقت این را نمی پذیرد مسئولیت تضامنی این را نمی پذیرد نمی گوید شما یک پنجاهم مسئولیت دارید می گوید شما ۱ نفر به اندازه ی همان پنجاه پنجاهم مسئولیت دارید بعدا خودت می توانی به همه ی آن ۴۹ نفر دیگر مراجعه کنید اما دارنده سند این امتیاز را دارد مثلا نگاه می کند می گوید این خانم یک دانشجو این اقا یه کارگر این اقا یک کارمنده این یک استاد دانشگاه و اینها همه در امدادشان اندک است اما در بینشان یک دفعه نگاه می کند می بیند یک اقای تاجیکی وجود دارد شخصی است متمول و پولدار و به راحتی می تواند وجه این سند را از او واصل کند به او مراجعه می کند به ایشان می گوید اقای تاجیک شما این سند را امضا کردید می گوید بله ارزش این سند چه قدر است حال می تواند چک باشد سفته باشد یا برات کاری نداریم ما اسم آن را می گذاریم سند تجاری ارزش آن چه قدر است

می گوید ۱ میلیارد تومان را لطف کنید تادیه کنید

می خواهم بروم می گوید ۴۹ نفر دیگر هستند قانون این حق را برای دارنده قائل شده که وقتی صحبت از مسئولیت تضامنی می کنیم هر کدام از امضا کنندگان به اندازه‌ی همه افراد مسئولیت دارند حال درست است که اقای محمدی پرداخت کرد می تواند خودش مراجعه کند به سایر افراد اما می خواهیم مسئولیت تضامنی برایتان روش نشود مسئولیت تضامنی یک مسئولیتی است استثنائی که حتما باید تاکید شده باشد که حال شرایط آن را می گوییم شخص به تنهایی کل مسئولیت را باید بر عهده داشته باشد بر عکس مسئولیت نسبی که شخص به اندازه مسئولیت خودش فقط که در غالب اسناد تجاری می رسیم که مثلا یک سند عادی مربوط به یک روابط مدنی باشد نه سند عادی یک سند عادی که ۵۰ نفر زیرآن را امضا کرددن آن یک نفر به اندازه یک پنجاه مسئولیت دارد به آن می گوییم مسئولیت نسبی یا مشترک که آن موافق نظر فقهاء امامیه است

ماده ۲۹۲ ق ت قبل از اینکه این ماده را بخوانیم با ذهنیتی که در مورد مسئولیت تضامنی پیدا کردیم برای تکمیل جلسه گذشته که صحبت از سند تجاری کردیم و دوست دارم یک بکراندی بزنیم به ماده ۱۲۸۴ ق م می گوید هر نوشته ای که در مقام دعوا و دفاع قابل استناد باشد من نمی خواهم بگوییم ق م ناقص است چون زیباترین قانون که همیشه سراغ آن را می گیرم ق م است و واقعا قابل احترام است و زیبا خیلی بحث است در مورد آن اما این عبارت را می شود کاملتر کرد در آن عبارت گفته هر نوشته ای من می خواهم بگوییم نیاز نیست الزاما حتما نوشته باشد حتی می تواند یک صحبت شفاهی باشد شما ببینید اقرار را به عنوان یک سند محسوب می کنید اما اینها همه شفاهی است یک تعهد می تواند به صورت شفاهی باشد اما به عنوان یک سند مورد استفاده قرار بگیرد و حتی پا را از این فراتر می گذاریم می گوییم الزاما نیاز نیست هر سند به صورت نوشته باشد می تواند بصورت شفاهی هم باشد اما از نظر بار اثباتی خوب نوشته بودنش راحت تر قابل اثبات است این تعریفی است از سند ارائه شده در ق م اما باز صحبت از سند تجاری نمی کند حال ماده ۱۲۸۷ ق م را بخوانید این ماده ۳ عنوان را مشخص کرده :

۱- اسنادی که از طریق اداره ثبت اسناد ۲- اسنادی که در دفاتر اسناد رسمی تنظیم شده ۳- اسنادی که در حوزه صلاحیت مقامات صلاحیتدار تنظیم شده اما هیچ سندی به رسمیت سندی که در دفاتر اسناد رسمی تنظیم می شود نخواهد بود و بیشترین اسناد رسمی که می شود به سراغشان رفت اسناد رسمی در دفاتر اسناد رسمی تنظیم می شود که می تواند بلقوه یکی از مشاغل اینده شما هم باشد و اینکه حال چه مزایایی دارد قسمتی را در اینده و در این جلسه در مورد آن صحبت خواهم کرد.

در اینجا هم می بینید صحبت از سند تجاری نیست فقط می گوید سند رسمی چیست این و انچه که در قت وجود دارد ماهیت سند را روشن می کند و آن تعریفی که درباره سند تجاری گفته‌یم ماهیت سند تجاری را به نظر مان بهترین و کاملترین تعریف و جامع و موجر می تواند برای شما باشد حال با همه این مقدمات سند تجاری که در آن مسئولیت تضامنی وجود دارد ماده ۲۹۲ ق ت و ماده ۲۴۹ ق برات دهنده چه کسی است؟

برات دهنده کسی است که برات را صادر می‌کند ما جلسه اینده وارد بحث برات خواهیم شد شروع و استارت سند تجاری برات با یک شخص است بنام برات دهنده به آن برات کش هم می گویند کسی که برات را قبول کرده است یعنی حاضر شده که وجه برات را پرداخت کند بنابراین یکی برات را صادر می کند و یکی برات را قبول می کند اسم کسی که برات را قبول می کند برانگیر است یا پرداخت کننده وجه برات به آن محال عليه هم می گویند.

در اینجا صحبت از مسئولیت تضامنی کرده همان چیزی که در حال حاضر در مورد آن صحبت کردیم یعنی دارنده‌ی برات حق دارد به هر کدام از کسانی که دوست داشت مراجعه کند و همه مسئولیت را از همان یک نفر بخواهد این مزیت سند تجاری است بر عکس در اسناد مدنی که هر کس به نسبت خود مسئولیت دارد البته این ماده قانونی ادامه دارد و ادامه آن را نمی خوانیم چون الان بحث مان نیست م ۴۰۳ ق ت را با همدیگر نگاه می‌کنیم وقتی صحبت از مسئولیت تضامنی می کند در چه غالبی قرار خواهد گرفت ۱- به موجب قوانین ۲- موافق قراردادهای خصوصی یعنی ما فقط در ۲ مورد ولایر به صورت حصیه کامل نه

انحصاری و نه غیر موارد مشابه یا قابل سرایت به این موارد وقتی می گوییم حصری چه چیزی است؟ وقتی می گوییم حصری یعنی فقط همین ولا غیر یعنی فقط در یک چارچوبی قرار می گیرد و قابل سرایت به موارد دیگر نیست وقتی صحبت از حصری می کنیم یعنی فقط همان ۲ مورد است چیز دیگری نیست ولی فقط صحبت از انحصاری می کنیم یعنی اینهای که اینجا است و چیزهایی شبیه این ماده ۴۰۳ ق ت فقط موارد حصری است یعنی فقط در همان ۲ مورد که ما می توانیم صحبت از مسئولیت تضامنی کنیم که گفته‌یم یک چیز خلاف اصل است یا به موجب قانون در ماده ۲۴۹ و ۴۰۳ ق ت که تکمیل کننده آن است.

یعنی یا باید به **موجب قانون باشد یا مطابق تراضی و توافق طرفین یعنی اصل از ادائی قراردادها ان چیزی که**

در غالب ماده ۱۰ قانون مدنی قرار می گیرد یعنی طرفین خودشان توافق کنند

قراردادی داریم امضا می کنیم که می خواهیم هر یک از افراد امضا کننده به صورت تضامنی مسئولیت داشته باشند بر خلاف روابط اجتماعی و بر خلاف نظام قانون هم نیست یعنی این مورد ۴۰۳ دقیقاً تطبیق شده از قانون تجارت فرانسه یعنی چیزی که انجا به آن گفته می شود :

Intention to create legal relation یعنی اینکه قراردادی که امضا شده دقیقاً مطابق و تراضی طرفین است برای یک رابطه تجاری و بیزینس این چیزی است که در ماده ۴۰۳ می گوید مطابق قانون یا توافق و تراضی طرفین باشد به جز این نمی توانیم مسئولیت تضامنی را قائل شویم .

حال می خواهیم از اینجا یک فرمولی را استخراج کنیم به عنوان یک حقوقدانی که می تواند فهم بالای حقوقی از منطق یک قانون داشته باشد و مفهوم بهتری را استخراج کند پس می خواهیم بگوییم هر چه قدر تعداد امضا کنندگان یک سند تجاری بیشتر باشد ان سند دارای ارزش و اعتبار بیشتری خواهد بود چرا که می گردیم و فردی داخل آنها و آن کسی که از همه متمول تر است و در دسترس تر و پولدارتر است را انتخاب می کنیم قانون هم به ما این اجازه را داده قانون ماده ۴۰۳ و ۲۴۹ ق ت هم این را می گوید پس برایمان روشن شد بر خلاف نظر مشهور فقهای امامیه است اما نظر اقلیتمن موافق این است این یکی از مزیتهای اسناد تجاری است دومین مزیت اسناد تجاری چیست؟ صدور تامین خواسته که در ا.د.م با آن اشنا

خواهید شد صدور تامین خواسته چیست که از آن صحبت می کنیم هم به سراغ ا.د.م می رویم و هم به سراغ ق.ت می رویم تا مین خواسته چیزی است که درمورد چک و برات و سفته وجود دارد ماده ۲۹۲ ق.ت می گوید به علت عدم پرداخت اعتراض شده باشد یا به علت عدم تادیه اعتراض شده است منظور اینکه کارسازی نشده پرداخت نشده به خاطر همین است که می گوید به علت عدم تادیه اعتراض شده باشد اگر وجه پرداخت می شد پای من و شما حقوقدان وسط کشیده نمی شد ما می خواهیم راه حلی برای آن پیدا کنیم در اینجا می بینیم که صحبت تامین را مطرح کرده یعنی اینکه اگر شخصی وجه مربوط به سند تجاری را پرداخت نکرد کسی که دارنده سند است کسی که طلبکار است کسی که اسم آن متعهد له حق دارد از اموال شخص مدعی عليه که همان مدیون است بتواند اموال خودش را برداشت کند بطور مثال اگر یک اپارتمانی دارد برود و آن را توقيف کند و اجازه نقل و انتقال آن را بگیرد از نظر قبلی ان ملک را بازداشت کند تا زمانی که تکلیف نهایی آن روشن شود اما این موضوع فقط در زمینه برات نیست در مورد سفته و چک هم صدق می کند ماده ۳۰۹ ق.ت ماده ی بسیار مهمی است که به اصل وحدت بین برات و سفته اشاره می کند در جلسه گذشته گفتیم که برات در هر ۳ سند تجاری است مگر حال شرایطی که اضافه یا کم شود لذا چون با هم مشترک هستند ماده ۳۱۴ ق.ت این ماده هم یک ماده ی بسیار مهمی است و این ماده هم اصل وحدت بین برات و چک است .

اما صدور تامین خواسته در ا.د.م چگونه می توان از آن سراغ گرفت ماده ۱۰۸ ا.د.م ابتداء ماده ۱۱۰ را بخوانید دقیق می کنید گفتیم چک، سفته، برات با همه می امتیازاتشان به هیچ وجه رسمی محسوب نمی شوند در ماده ۱۱۰ اگر نگاه کنید عنوان می کند در دعاوی که مستند انها چک، سفته و برات می باشد و همچنین در دعاوی مستند به اسناد رسمی نشان می دهد که چک و سفته و برات سند رسمی نیست و گزنه ق گفته که یک حکم است نمی اید اول بگوید چک، سفته، برات و همانطور دعاوی مربوط به سند رسمی اینرا در یک غالب می گنجاند دیگر جدا نکرده است چک سفته و برات را نگاه کنید در این ماده قانونی چک سفته و برات را زودتر از سند رسمی آورده این نشان دهنده ارزش و اهمیت اسناد تجاری است چون آن وقت دیگر

دعاوی که مستند انها چک سفته و برات است و همانطور مستند انها سند رسمی می باشد خوانده نمی تواند برای تامین خسارات احتمالی خود تقاضای تامین کند.

منظور چیست؟

یعنی مفهوم مخالف ماده ۱۱۰ است می گوید در دعوا که مستند انها سند رسمی نیست مستند انها چک سفته و برات نیست خوانده دعوا می تواند دادگاه تقاضای خسارت احتمالی بکند می دانید.

یعنی چی؟

یعنی به طور مثال جناب اقام محمدی برگه سند عادی که اسم آن اصلا چک، سفته، برات نیست از خانم جنیدی در دست دارد اینرا می برد در دادگاه و عنوان می کند من از ایشان ۱۰۰ میلیون طلبکارم مطابق این کاغذ یک کاغذ عادی است امضا هم دارد اما نه چک است و نه برات و نه سفته و نه سند رسمی اینجا خوانده دعوا می تواند از دادگاه تقاضای اینرا بکند که اقا این دعوا دعوای بیهوده ایست سندی هم که می بینید یک سند عادی است که هیچ تشکیلاتی ندارد یک برگ عادی است دادگاه هم قبول می کند اما اگر چک سفته و برات باشد باز هم خوانده دعوا می تواند بگوید من تقاضای خسارت احتمالی دارم به هیچ وجه این را ماده ۱۱۰ ق.ا.د.م می گوید.

حال ماده ۱۰۸ ق.ا.د.م چه می گوید؟

این ماده دقیقا به نفع خواهان است حال می گوید یعنی خوانده علاوه بر اینکه نمی تواند تقاضای خسارت احتمالی بکند خواهان می تواند تقاضای تامین خواسته بکند.

در چه مواردی؟

در مواردی که مربوط به چک سفته و برات است ماده ۱۰۸ ق.ا.د.م می گوید حتی قبل از طرح دعوا!! مورد ج می گوید در این موارد خواهان می تواند حتی تقاضای تامین خواسته بکند حال این سوال پیش می آید که

تامین خواسته چیست چک سفته و برای که پرداخت نشده در موعد سرسید و با گواهی عدم پرداخت و عدم تادیه مواجه شده است پس متوجه شدیم که در ماده ۱۱۰ ق. ا.م. خوانده نمی‌تواند تقاضای خسارت احتمالی بکند جائی که مستند ما چک سفته و برای است اما در مقابل خواهان می‌تواند تقاضای تامین خواسته کند همانطور که در ماده ۲۴۹ ق. ا.م. این موضوع را پیش بینی کردیم و در ماده ۲۹۲ ق. ا.م. دیدیم با همیگر در ح.ت. حال در ماده ۱۰۸ ق. ا.م. مصوب ۱۳۷۹ هم این موضوع را بررسی می‌کنیم یعنی خواهان آن قدر مستندش محکم است یعنی ق. گ آن قدر به استاد تجاری اهمیت می‌دهد و می‌گوید بخاطر اینکه یک زمانی احياناً سوءاستفاده ای صورت نگیرد در خلال دادرسی خوانده نزود اموالش را بفروشد شما اگر خواستید می‌توانید تقاضای تامین خواسته کنید . تامین خواسته چیست؟ شما یک سند تجاری دارید که پرداخت نشده ارزشش هم ۱ میلیارد تومان می‌خواهید طرح دعوا کنید از بابت وصول آن حتی می‌گوید قبل از طرح دعوا می‌تواند تقاضا کند که اقا من ۱۰۰ میلیون سند از خانم عباسی دارم و در ضمن می‌داند که خانم عباسی ۵ تا باغ ۵ تا زمین ۱۰ تا اپارتمان در همین حوزه استحفاظی و رامین دارد از دادگاه تقاضا می‌کند که بخاطر پای مال نشدن حقوق وی قرار تامین خواسته را نسبت به ارزش این ۱۰۰ میلیون ازین اموال را صادر کند کارشناس بر اورد می‌کند این اپارتمان ۲۰ میلیون ارزش دارد این ۳۰ میلیون ارزش دارد این یکی ۵۰ میلیون ارزش دارد این ۳ اپارتمان در مجموع ۱۰۰ میلیون ارزش داراین ۳ تا اپارتمان از نظر قضائی بازداشت می‌شود به این می‌گوییم تامین خواسته وما داریم به نوعی آدم را هم به شما درس می‌دهیم که خواهان خیالش راحت باشد بداند که این ۱۰۰ میلیون اینجا بایکوت شده از این به بعد خیالش راحت است که تازمانی که حکم صادر شود مدیون نمی‌تواند اینرا بفروشد یعنی از نظر قضائی بایکوت است این در همه جای ایران هم اعلام می‌شود اگر یکی مراجعت کرد به دفتر استاد یعنی اگر خانم عباسی به عنوان مالک مراجعت کرد به دفتر استاد رسمی آن سر دفتر وقتی استعلام می‌کند از اداره ثبت اعلام می‌کند بازداشت است بخاطر دعوائی که مطرح است علیه خانم عباسی توسط اقای محمدی از بابت ۱۰۰ میلیون سندی تجاری که پرداخت نشده کارسازی نشده به این گویند قرار تامین خواسته . که یکی از مزیتهاست سند تجاری است ببینید چقدر مزیت دارد خوانده که نمی‌تواند تقاضای احتمالی بکند اما خواهان می‌تواند

نقاضی تامین خواسته کند این هم یکی دیگر از مزیتهای مربوط به اسناد تجاری ماده ۱۴۵ ق ادم در مورد اتباع بیگانه هم این را قائل شده یعنی گفته که هر خارجی به خودش اجازه ندهد علیه ایرانیان طرح دعوا کند اما اسناد تجاری آن قدر ارزنده و ارزشمند است که نظم اجتماعی می‌طلبیده حتی اگر دارنده سند تجاری بیگانه است از او هم تامین گرفته نشود در این ماده متوجه شدیم که اگر اتباع بیگانه هم چک سفته و برات داشته باشند از دادن تامین معاف هستند این هم باز یکی از ویژگی‌های و مزیتهای اسناد تجاری است . سومین مزیتی که اسناد تجاری دارد اجرای موقت احکام است .

حکم را چه زمانی می‌شود اجرا کرد ؟ زمانی که قطعیت پیدا کرده باشد یعنی قبل از قطعیت حکم نمی‌شود هیچ حکمی را اجرا کرد یعنی باید مراحل آن طی شده باشد . یک حکمی همان در دادگاه بدوع قطعی شده باشد یک حکمی ممکن نیاز به دادگاه تجدید نظر داشته باشد یا نیاز به استیناف داشته باشد یا مراجع بالاتر نیاز به فرجام خواهی داشته باشد در دیوان عالی کشور در هر صورت چک هم تا زمانی که قطعی نشده باشد به هیچ وجه من الوجود قابلیت اجرا ندارد اما یکی از ویژگی‌های اسناد تجاری این است که حکم قبل از قطعی شدن هم اجرا می‌شود اما اجرای موقت می‌شود به صورتی که اگر به هر شکلی ادرصد اگر فسخ شود به حالت قبل بتوان برگرداند یعنی اینکه همه پلهارا پشت سرمان خراب نکنیم اما یک ویژگی و مزیت به آن بدیم که بشود حکم را اجرا کرد چگونه می‌شود حکمی که هنوز قطعی نشده اجرا کرد ؟ مثل همین قرار تامین خواسته که در ماده ۲۹۲ ق ت در ماده ۱۰۸ و ۱۱۰ ادم و ماده ۱۴۵ ق ادم یعنی بشود مال را توقيف کرد.

به چه صورت ؟

یعنی حکم صادر شده اما هنوز قطعی نشده اقای محمدی دعوائی مطرح کرده از بابت ۱۰۰ میلیون سند تجاری که از خانم عباسی دارد ۳ اپارتمان ایشان را از بابت ۱۰۰ میلیون توقيف کرده ایشان حق فروختن آن را ندارد از نظر حقوقی این ۳ اپارتمان در تصرف حقوقی اقای محمدی قرار می‌دهند نه اینکه فلاح اسباب و اثاثیه را بیاورد یعنی اینکه خانم عباسی حق فروختن و اجاره دادن انجا را ندارد حق اینرا ندارد که

حتی انتفاع ازرا به شخصی واگذار کند همان چیزی که در مدنی ۲ درباره ای آن صحبت کردیم اما این گونه هم نیست که اقای محمدی بتواند انجا را بفروشد گفتیم حکم به صدور موقت است چگونه می شود تا زمانی که قطعیت پیدا کند اما این مزیت وجود دارد که حکم به صورت موقت از بابت اینکه ملک بايكوت شده است مالک حق انتفاع آن را ندارد حتی حق انتفاع بردن از آن را ندارد تا زمانیکه حکم قطعی شود. این هم یکی دیگر از مزیتهای اسناد تجاری است اما چک یک مزیت ویژه ای دارد که در جلسه اخر درسمان در موردآن صحبت می کنیم. اما یک مزیتهای ویژه ای دارد که باید به آن اشاره کنیم چک علاوه بر اینکه این امتیازاتی را دارد که فقط مختص خود چک است که سفته و برات از آن استفاده ای نمی برند ان چیزی که در قانون سال ۵۵ چک اصلاحیه سال ۸۲ و ۷۲ از ان استفاده می شود فقط و فقط مخصوص خود چک است چک در حکم یک سند لازم الجرا است در مورد لازم الاجرا به چگونه سندی میگویند؟ سندی که نیاز به مراجعت به هیچ دادگاهی را ندارد نیاز به هیچ حکمی را ندارد به اینها می گویند سند لازم الاجرا خودآن قابلیت اجرا دارد.

یعنی چی؟

یعنی اینکه به ۲ دسته تقسیم می شود ما ۲ گونه مرجع برای اجرای حکم داریم یک جای آن را که باید حتما شناخته باشید اجرای احکام دادگاه که تحت نظارت قوه قضائیه و دادگستری این یک مرجع ای است که حکم را اجرا می کند اما یک مرجع دیگری داریم که شما خیلی با آن مانوس نیستید و ان اداره ثبت است که مثل دستگاه قضائی مثل دادگستری می ماند با این تفاوت ۱- قوه قضائیه دادگستری کل استانها - دادگاه شهرستان - دادگاه بخش - قوه قضائیه کل استان تهران - دادگستری شهرستان ورامین - دادگاه بخش پیشوا که می تواند برای خودش اجرای احکام داشته باشد ۲- اجرای ثبت است قوه قضائیه معاونت قوه قضائیه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران اداره ثبت ورامین که می تواند اجرای ثبت هم داشته باشد که دارای ۲ چارت مختلف سازمان قوه قضائیه یعنی علاوه بر اجرای احکام انها خیلی هم مهم هستند ما یک اجرای حکم داریم در اجرای احکام دادگاهها یک اجرای حکم داریم در اجرای

ثبت که شما نیاز نیست که حکمی داشته باشید مثل ویژگی که چک دارد من موردهای دیگر آنرا هم می گوییم ثبت بسیار بسیار دامنه اش گسترده است و بسیاری از حقوقدانان در موارد ثبته و در قوانین شتی مشکل دارند چیزی که بسیار کاربردی است . حقوقدانانی موفق اند که ثبت را خوب میدانند اینرا در کار بیشتر لمس خواهید کرد ثبت چیزی که بلا شک در حقوق خصوصی جزء لاینفکش است مگوید می شود کار حقوق خصوصی انجام داد هم به عنوان وکیل و چه به عنوان قاضی چه به عنوان سر دفتر ثبت را نفهمید و مجموع مقررات ثبته را تسلط نداشته باشید خیلی ها فکر می کردند همه کارهاباید به دادگاه مراجعه کرد نه همه ای کار نیاز نیست در دادگاه انجام شود خیلی کارها را می شود جلوگیری کرد و به دادگاه نرفت اگر هم نشود جلوگیری کرد می تواند به دادگاه هم مراجعه نکند و از مراجعه استفاده نماید مثل مورد ثبت شما نیازی ندارید که حتما برای وصول چک به دادگاه مراجعه کنید راه ثبته هم دارد که خیلی هم کوتاه است. اما خوب یک شرایط خاص را برایتان می گوییم که چرا همیشه مردم دوست دارند برای چک بروند دادگاه اما خیلی از حقوقدانانی که اشراف دارند که این از آن مواردی است که می شود دادگاه نرفت حال آن فوت کوزه گرئ را برایتان می گوییم برای چک نیاز نیست حکم بگیرید می توانید مراجعه کنید به اجرای ثبت اما فقط علیه صادر کننده می توانید اجرائیه صادر کنید علیه ظهر نویسهها و ضامن نمی توانید اجرائیه صادر کنید این یکی از آن مواردی است که باید خوب به آن توجه کرد شما در موردی که به دادگاه مراجعه می کنید می توانید علیه همه طرح دعوا کنید ولئ در اجرای ثبت فقط علیه صادر کننده چک می توانید اجرائیه صادر کنید نکته اش فوق العاده کنکوری است در مورد چک از طریق اجرای ثبت که می توانید به اجرای ثبت سیستم سازمان ثبت مراجعه کنید فقط علیه صادر کننده می توانید اجرائیه صادر کنیداین در قانون ثبت هم پیش بینی شده در مقررات ثبته نه در خود قانون ثبت و علیه ظهر نویسان و ضامن نمی توانید اینکار را انجام دهید . در ضمن در پروسه اجرای ثبت شما تعقیب کیفری ندارید دقت می فرمائید در ضمن در پروسه اجرای ثبت شما حتما باید مال معرفی کنید یعنی اجرائیه ای که صادر می شود و مال معرفی نشود اصلا ماهیتی ندارد به قول حقوقدانان می گوییم محل و محمل حقوقی ندارد یعنی باید مال معرفی کنید در همین مثالی که زدیم اقام محمدی ۱۰۰ میلیون از خانم عباسی طلبکار است می تواند مراجعه

کند به اجرای ثبت همین ۱۰۰ میلیون اپارتمانی که براورد کردیم را می تواند به ثبت معرفی کند و توقیف کند آن را و از طریق اجرای ثبت هم بخواهد که همین ها به تملکش در باید و این از مزیتهای اجرای ثبت است و پروسه ای فوق العاده و زمانش کوتاهتر است اگر بشود اجرا کرد اگر بتوانیم این همه موارد را با هم جمع کنیم از موفق ترین کارهایی است که می توان انجام داد اگر شما قرار است عما برای دادگاه و بیائید اینرا آروزه می شود انجام داد از طریق اجرای ثبت مثلا در این مثال ما جور در می اید اما اگر قرار شد ببینیم اموالی ندارد عملا مراجعه کردن به اداره ثبت ماهیتی ندارد بهتر است بایم در همان سیستم دادگاه اما وقتی که می توانیم مالی را معرفی کنیم بهترین راه برای اجرای یک حکم برای یک سند تجاری آن هم چک همین که از طریق اجرای ثبت اقدام کنیم امروز همه یاد گرفتن که ما دو پروسه اجرایی داریم : ۱ -

اجرای ثبت ۲ اجرای احکام دادگستری

فقط در توسعه اجرای ثبت ما نسبت به املاک و مستقلات و دارائی هایی چه منقول چه غیر منقول می توانیم اقدام بکنیم که مستند رسمی داشته باشد یعنی مثلا یک زمینی است که دارای یک سند عادی است به قولی قولنامه ای است و یک دست خطی دارد و مثلا کخدای آن ۲ هزار سال پیش امضا کرده آن از نظر ثبتی قابلیت بررسی ندارد ما در ثبت چیزهای را بررسی می کنیم که مستند رسمی دارد همین ماده ۱۲۸۷ ق م که در خصوص آن صحبت کردیم ما در ثبت همه چیزمان منظم است بخاطر همین است که زود نتیجه می دهد حال بخاطر اینکه با ثبت اشنا شدیم بیشتر هم اشنا بشویم به هیچ وجه بی ارتباط با درسман نیست و در خیلی از موارد ما می توانیم از پروسه های ثبتی استفاده کنیم و به دادگاه مراجعه نکنیم و بسیاری از حقوقدانان نمی دانند وهمه می خواهند بروند دادگاه و فکر می کنند چه خبر است شما اگر یک سند اجاره را به صورت رسمی تنظیم بکنید مستاجر آن در موعد مقرر تخلیه نکرد نیازی نیست که به دادگاه بروید می روید دفتر خانه تنظیم کننده سند یا دفتر خانه رسمی تنظیم کننده سند از سر دفترش می خواهید که برایش اجراییه صادر کند سر دفتر هم تطبیق می دهد. موارد را چک می کند مدت زمان و همه را چک می کند یک اخطاریه می فرستد برای مستاجر می گوید باید شما انجارا تخلیه کنید اگر تخلیه نکرد خود سر دفتر اجراییه را صادر می کندو می فرستد به اجرای ثبت منطقه و با نظارت ظابطین دادگستری در

کوتاهترین زمان ممکن انجا تخلیه می شود نه حکمی صادر می شود و نه دادگاهی است و نه قسط علی هذا در همه پروندهای قضائی اگر شما دقت نظر داشته باشید کارتان را بطور رسمی انجام بدھید در اینده هم اینرا بدانید وقتی که وکیل می شوید قاضی می شوید سر دفتر می شوید هر چند که می توانید کارهایتان را به طور رسمی انجام دهید در یکی از مقالاتم بود اگر نگاه کردید انها را بیشتر بخاطر همین موارد که بدانید در کارتان چه کار انجام بدھید خیلی کارهارا باید پیشگیری کرد من برای چی مثلاً انتقاد می کنم می گویم رسانه ها کوتاهی می کنند ای کاش مردم را اگاه کنند پیشگیری بهترین درمان است .

اما وجود حق تعقیب کیفری در چک :

چک تنها سند تجاری است که ماهیتا و جوهرها و ذاتا در آن تعقیب کیفری نهفته است ماده ۱۰ و ۷ و ۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ تعقیب کیفری را ۶ماه تا ۲سال در نظر گرفته خیلی ها تصورشان این است با اصلاحیه قانون سال ۸۳ تعقیب کیفری چک از بین رفته در جزای اختصاصی ۳ زیاد برایتان توضیح خواهد داد اما بدانید که تعقیب کیفری چک همچنان پابر جاست محدودیتهایی برای آن قائل شده اند اما همچنان ۳ و ۷ و ۱۰ قانون چک مصوب سال ۱۳۷۲ و اصلاحیه سال ۸۲ همچنان تعقیب کیفری را در مورد چک لحاظ کرده حال درست است که محدودیتهایی برای آن قائل شده مثل اینکه چک مدتدار نباشد به عنوان ضمانت نباشد که در جزای اختصاصی ۳ بیشتر در مورد آن می خوانید این هم وجود حق کیفری که فقط در چک است در سفته و برای ما ماهیتا تعقیب کیفری نداریم عبارتی که به آن میگویند جلب طرف را گرفتن فقط در مورد چک است مطلبی می خواهم بگویم ببینید اخر اخر همه طلبها اخر اخر همه وصولها اگر شخص نداشته باشد می رود زندان این را قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی می گوید شما اگر یک برگه کاغذ عادی در نهایت ۵سال ثابت شود که ایشان ۵۰ میلیون طلبکار است و شخص پرداخت نکرد در نهایت مطابق طرح اجرای محکومیتهای مالی شخص به زندان می رود اما در چک همین ابتدا چک را که ببرید برگشت بزنید یعنی پرداخت نشود می توانید جلب طرف را بگیرید یعنی قبل از صدور حکم قبل از اینکه ثابت شود و چیزی شبیه به این اما اخر اخر همه محکومیتهای مالی اگر شخص پرداخت نکند زندان است می تواند یک

کاغذ عادی باشد می تواند یک قرارداد مشارکت باشد می تواند چک باشد می تواند سفته باشد می تواند
برات باشد از کوچکترین آن مثال زدیم تا بزرگترین آن اینها همه مهم است دقت می فرمائید اما چک ماهیتا
و جوهرا همان اولش عدم پرداخت آن یعنی رفتن به زندان . اما بیاییم سراغ فواید استفاده از اسناد تجاری
ببینیم انها چه می گویند فواید استفاده از اسناد تجاری چیست؟ اسناد تجاری وسیله پرداخت بسیار خوبی
است اسناد تجاری چک سفته برات است چرا

می گویند وسیله پرداخت خیلی خوبی است چون ما نمی توانیم خیلی از پول استفاده کنیم . دلایل آن
چیست ؟ ۱- خیلی جا گیر و هزینه بردار است ان هم در سطح کلان تاجران که معامله ۱۰۰ هزار تومانی
۲۰۰ هزار تومانی نمی کنند گاهی اوقات صحبت از چندین هزار میلیارد ، تومان یا دلار است . ۲- نگهداری
آن بسیار سخت است ۳- نگهداری آن بسیار خطرناک است ۴- امنیت روانی شما را به خطر می اندازد
۵- نگهداریش خیلی هزینه برداراست و چند نفر را باید استخدام کرد تا از آن مراقبت کند ۶- ایا می شود
این همه پول نقد را به یکدفعه پیدا کرد یکدفعه ۱ میلیار بخواهید از رئیس بانک قلبش واکه سه اینها
همه دلایل عدم استفاده از پول است بخصوص در نزد تجار ۷- مشکل شمردن آن ۸- قلابی بودن آن ۹-
قابلیت پیگیری نکردن آن

حال مزایای اسناد تجاری را در نظر بگیرید که چقدر زیاد است اینها همه و همه دست به دست هم می دهد
که فواید اسناد تجاری را به این شکل قائل شویم و دلایل عدم استفاده زیاد از پول که ۸ یا ۹ مورد شد . وسیله
نقل و انتقال ووجه خوبی هم است؟ یعنی چه ؟ یعنی من یک پولی طلبکار هستم از جناب اقای محمدی در
حال حاضر یک معامله ای می کنم با خانم عباسی و به این خانم بدھکار می شوم

می گوییم خانم عباسی این مقدار طلبی که من از اقای محمدی دارم بابت این معامله ای که با شما می کنم
شما بروید از ایشان بگیرید این یعنی برات به زبان لری اکه بخواهیم اکادمیکش را بگوییم مطابق ان چیزی
که در ق.ت وجود دارد می شود عنوان کرد که با صدور یک سند برات مطابق ق.ت و در نظر گرفتن ماده

۲۲۳. ق.ت با صدور برات دهنده یا صادر کننده برات طلب خود را از برانگیر یعنی کسی که این بدھی را باید قبول کند.

این مثال را با هم مرور می کنیم که مشوش نشویم با صدور برات مهمان نوازان که صادر کننده برات است طلب خود را از برانگیر که اقای محمدی است به دارنده برات که خانم عباسی است منتقل می کند . یعنی در یک رابطه قراردادی ودر یک رابطه سند تجاری صادر کننده برات طلبی را که از برانگیر به دارنده برات منتقل می کند این می شود تعریف برات .

اسکمپت :

اما می رسیم به اسکمپت چیزی که در اصطلاح عام بین بازرگانان ودر بین مردم است و کاملا از سیستم حقوقی انگلستان گرفته شده ومنتظور همان چیزی است که توضیح اش را می دهیم در ایران وجود داشته ودارد در قبل از انقلاب به صورت رسمی وجود داشت وبانکها اینکار را انجام می دادند ودر بسیاری از سیستم حقوقی دنیا هم بانکها این کار را انجام می دهند و چقدر خوب است که حداقل اگر قرار باشد به طور رسمی باشد که جامعه هم از آن منتفع شود اما در بعد از انقلاب شورای پول و اعتبار با نظارت سازمان برنامه و بودجه تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت با شرایط خاص اقتصادی و نظامی که در ایران حاکم است و ممکن است که از آن سوءاستفاده شود و اجرا هم نشود و بعد از ۳۰ سال هم دیگر از آن خبری نیست ومن هم نشنیدم که بگویند در حال بررسی است و چیزی شبیه به این فلحال که دیگر چیزی به نام سازمان برنامه و بودجه نداریم شورای پول ئو اعتبار هم عملا ماهیت خودش را از دست داده چه برسد در مورد این مسائل فوق تخصصی صحبت کنیم اما ان چیزی که در سطح جامعه وجود دارد ان چیزی که همه می دانند اسکمپت ان چیزی که در اصطلاح عامیانه شاید به آن خرج کردن و خورد کردن هم بگویند .

شخصی سندی را که در دست دارد ظهر نویسی می کند و سند خود را به شخصی منتقل می کند که معمولا این شخص بانکها هستند هر چند که در ایران اجرا نمی شود در سیستم بانکها ارزش این سند ۱ میلیارد تومان است سررسید این سند ۱۷ / ۲ / ۱۳۸۹ است تاریخ وصول آن امروز است یعنی شما با ظهر

نویسی کردن ان را مثلا در فرانسه به یک بانک منتقل می کنید و امروز وجه این سند را که ارزشش ۱ میلیون یورو است از بانکی در پاریس دریافت می کنید دقت می کنید اما حال بقیه آن را بانک در تاریخ ۲/۱۷/۱۳۸۹ به متعهد اصلی مراجعه می کند که شما مسئول هستید و آن ۱ میلیون یورو را به نفع بانک دریافت می کنید اما باید ببینیم بانک امروز همان ۱ میلیون یورو را پرداخت کرده می گوییم نه بانک به شما مبلغ ۰۸۵۰ هزار یورو پرداخت کرده چرا که بانک از بابت این طرح پرداخت کردن مبلغی را کسر کرده است اما کار شما را سوق داده شاید شما با آن ۸۵۰ هزار یورو ظرف ۱۰ ماه برابر آن ۱۵۰ هزار یورو ایی که ظاهرا از دست داده اید بدست اوردهید در ضمن بانک هم پول کسب کرده چرخه اقتصادی هم چرخیده و چندین معامله هم انجام شده این یعنی به حرکت در اوردن اقتصاد نه بایکوت کردن اقتصاد چرا این در همه جای دنیا اجرا می شود نرخ سودآن بین ۱۶ تا ۱۲ درصد است در ضمن بانکها از حسابهای جاری مشتریانشان و حسابهای کوتاه مدتیانشان اینقدر نمی توانند استفاده کنند اما با وجود سیستم اسکمپت خیلی استفاده می توانند بگذارند چرا که گرددش در می اورند به شما این که یک تاجر هستید کمک می کنند.

حداقل اینکه با نظارت دولت است دیگر نیاز نیست که دنبال کسی بگردید که آن را برای شما خورد کند در غالب ساده تر خرج کردن هم در اصطلاح بانکی میگویند تنزیل است .

خرج کردن :

خرج کردن چیست؟ جناب اقامی قاسمی البته بلا تشبيه تاجری است که اعتبار خودش را بطور کامل در بازار از دست داده آن قدر چک برگشته سندهای غیر قابل وصول بد قولی و اعتبار شغلی خودش را از دست داده ولی می خواهد خودش را برگرداند می خواهد ریکاوری کند می رود سراغ اقامی حیدری که هر دو آنها هم تاجر فرش هستند می خواهد ۱۰۰ تخته فرش دستبافت تبریز که برای آن یک مشتری خوبی پیدا کرده صادر کند اما کسی حاضر نیست بالا معامله بگذارد یا به عبارتی کسی حاضر نیست سند تجاری اش را قبول کند اقامی حیدری می گوید من به شما اشراف کامل دارم و نیتوانم این کار را انجام دهم مگر اینکه بروید و یک فرد معتبری پیدا کنید که آن به شما سفته بدهد به شما سند تجاری بدهد می اید حاج اقا را پیدا می

کند می گوید اقای محمدی از دوستان من است سند تجاری ایشان را قبول می کنید می گوید بله حال کاری نداریم که اقای قاسمی چگونه رضایت اقای محمدی را جلب می کند در هر صورت سند اقای محمدی تهیه می شود در صورتی که نه اقای محمدی دخالتی دارد و نه چیزی اما معامله ای که بین اقای قاسمی و حیدری انجام می شود با سند تجاری محمدی است با انجام این معامله که به هر طریقی سند تجاری که مربوط به اقای محمدی است اقای قاسمی این معامله را انجام می دهد و اتفاقاً کسب سودی هم می کند و در بازار کسب مجدد اعتبار می کند این را به آن گویند خرج کردن یعنی شخصی از سند تجاری شخصی به خاطر نداشتن اعتبار استفاده می کند طرف معامله سند او را نمی پذیرد در نتیجه از سند تجاری شخص ثالث استفاده می کند که اصلاً در معامله دخالتی ندارد و ذی نفع نمی باشد .

جلسه ۴

بنام او که عادل است و عدالتگر یگانه نگین عدل خداوند است و بس

عنوان درس : مقررات *in* در زمینه اسناد تجاری

اگر خاطر عزیزان باشد در جلسه گذشته صحبت اسناد تجاری را در مسائل داخلی به یک کلامی رساندیم و اسناد تجاری امدیم توضیح دادیم گفتیم که در حق ت به چه شکلی است تعریف مشخصی نداریم گفتیم در ادب در حق م مسائلی مطرح است در مورد اسناد تجاری اما یک مقررات بین المللی **international** هم داریم که در موضوعات حقوق بین الملل مطرح است و ایران هم به آن پیوسته ما کنوانسیون ژنو داریم که بسیاری از مسائلی که در همین حقوق داخلی به عنوان حق ت می بینیم از او تبعیت شده همانطور که با تطبیق دادن با فقه امامیه در خود حق ت فرانسه که اساس این قانون است ما به مقررات ژنو هم پی می بردیم

یک توضیحی در مورد آن و بعد بر می‌گردیدم باز مجدداً به مقررات داخلی و ان چیزی که در مملکت ایران وجود دارد

۳ کنوانسیون در ژنو وجود دارد که مورد تثبیت است و ایران هم از آن تبعیت می‌کند اما نه بطور کامل قانون یکنواخت ژنو راجع به همه اسناد تجاری در مقررات یکنواخت ژنو ذکر شده که امضا اساسی ترین فاکتور یک سند تجاری است و در کنارش می‌تواند مهر هم وجود داشته باشد این چیزی که در کنوانسیون ژنو است نمی‌گوییم در مقررات داخلی ما به این شکل است که می‌تواند متفاوت باشد اما کنوانسیون دومی داریم درباره تعارض قوانین چیزی که بیشتر در حقوق بین الملل خصوصی بیشتر با آن آشنا خواهد شد بحث تعارض قوانین چیست؟ مقررات داخلی کشورها با هم تفاوت دارد متفاوت است اما چرا در کنوانسیون دوم از تعارض قوانینها صحبتی می‌کند بخاطر اینکه کشورها سعی کنند مقررات داخلی تجاری خودشان را به همدیگر نزدیک کنند و در یک چارچوب بین المللی بتوانند با همدیگر سروکار داشته باشند کنوانسیون سوم درباره تمبر صحبت می‌کند همه اسناد تجاری اوراق بهادر هستند یعنی ارزش و ماهیت مادی دارند می‌تواند ۱ ریال باشد می‌تواند **n** تومان باشد حال هر چقدر که است اما همانطور که در مورد اوراق اسناد رسمی همین شکل است تمامی اوراق اسناد رسمی که در دفاتر اسناد رسمی وجود دارد همه بهادر هستند اما این بهادر بودن به این شکل نیست که شما الزاماً فکر کنید حتماً باید ماهیتاً یک چیز فیزیکی به عنوان تمبر وجود داشته باشد شما می‌توانید آن را ببینید در یک چک که جزو اسناد تجاری است حتماً در گوشه ای از آن چیزی به عنوان تمبر وجود دارد در همه اوراق اسناد تجاری این موضوع لحاظ شده و وجود دارد پس ما در اسناد تجاری چیزی داریم به نام تمبر اما چرا در کنوانسیون سوم ژنو به آن توجه شده چیزی که در ماده ۱۲۹۴ ق.م یعنی اگر تمبر وجود نداشت در یک سند تجاری حال چه اتفاقی خواهد افتاد ایا آن سند تجاری را از اعتبار و ماهیت یک سند تجاری خارج می‌کند یا اینکه نه؟ ماده ۱۲۹۴ ق.م گفته سند را از رسمیت خارج نمی‌کند منظورش حتی در مورد اسناد رسمی است وقتی که صحبت از اسناد رسمی می‌کند می‌گوید اگر در سند رسمی ابطال تمبر نشده باشد آن سند را از رسمیت نمی‌اندازد به طبق اولی در مورد اسناد تجاری که از سند عادی محسوب می‌شود عدم لحاظ تمبر سند را از اعتبار خارج نمی‌کند

یعنی چی؟ یعنی اینکه اگر در یک سند تجاری تمبر لاحاظ نشده بود یعنی ابطال تمبر نشده بود آن سند اعتبارش را از دست نخواهد داد اما مشمول جرایم عدم پرداخت هزینه مالی دولتی خواهد شد که می‌تواند درون مایه انچنانی داشته باشد مشمول جرایم مربوط به عدم پرداخت هزینه‌های دولتی خواهد شد اگر حقوق دولت لاحاظ نشود در هر صورت مشمول جرایم خواهد شد و این جرایم را کسی می‌دهد که آن را صادر کرده لاحاظ نکرده باید بدهد و دیگر اینکه به عنوان اخرين نكته بين الملل می‌گويم خارج می‌شويم وبر می‌گردیم به حقوق داخلی درباره انسیترال است که در ۱۹۸۸ در امریکا در نیویورک کشورها دور هم جمع شدن به عنوان اینکه یک مقررات بین المللی در مورد رویه عملی یک پانتال اسناد تجاری به تصویب برسانند اما در نهایت به تصویب نرساندن در مورد یکسان سازی و واحد سازی اسناد تجاری در کشورهای مختلف بود اما در نهایت به نتیجه ای نرسید یعنی مقدماتش چیده شد اما انسیترال به تصویب نهائی کشورها نرسید اماده‌حال حاضر هم به عنوان یک ملاک و به عنوان یک نظر مشورتی از انسیترال استفاده می‌کنند اما ارزش و اعتبار قانونی را ندارد شاید در اینده این موضوع تکمیل شود شاید انسیترال مطرح شد مقررات انسیترال مطرح شد که کشورها بصورت **state** به **state** مرحله به مرحله یادگیرند که مقررات داخلی شان را به هم نزدیک کنند شاید علت عدم تصویب آن این بود که مقررات کشورها را نمی‌شود همه را یک روزه یکسان کرد مقدماتش را چید شاید ۱۰ سال دیگر ۲ سال دیگر نمی‌دانم انسیترال جنبه جهانی پیدا کند و در مقررات داخلی ما هم لاحاظ شود خوب بر می‌گردیم به برات به عنوان اولین سند تجاری مورد بررسی قرار دهیم اگر یادتان باشد ۲ ماده خواندیم گفتم اصل وحدت اشتراک بین برات و سفتہ و اصل وحدت برات و چک که نشان می‌دهد که ۲ ماده کلیدی است که ما باید به آن خیلی توجه کرده باشیم ماده ۲۲۳ ق ت در ابتداء گوید برات علاوه بر امضا یا مهر یعنی چی یعنی اینکه در برات به عنوان یک سند تجاری امضا یا مهر کفايت می‌کند یعنی می‌تواند هم امضا وجود داشته باشد هم مهر وجود داشته باشد این یا که امده یا متصله است یعنی هر کدام به تنهائی کفايت می‌کند و مکفی است برای شماره گذاری می‌گوییم برات علاوه بر ۱ - امضا ۲ - مهر و قید کلمه برات می‌شود

پس می گوید برات علاوه بر اینکه باید امضا داشته باشد علاوه بر اینکه ممکن است مهر داشته باشد فلحال ما با یکی از اصول مقررات ژنو مخالفت داریم چون اینجا می گوید امضا اساسی ترین است ولئ در برایتی که ماده ۲۲۳ ق ت وجود دارد می گوید مهر هم کفایت می کند که حال یک اشاره ای حتما می کنیم که برایتان کاملا روشن شود که امضا چیست مهر چیست و تکلیف چیست پس حتما باید کلمه برات بر روی آن قید شده باشد عین کلمه برات چیزی که در اینجا بررسی می کنیم باید حتما بر روی آن قید شده باشد باز هم می بینید حتی در مورد سند تجاری برات که خود قانون شروع به صحبت می کند تعریفی از سند برات نخواهیم داشت اگر یک تعریفی مختصر و مجر را بخواهیم در مورد برات ارائه بدھیم باید عنوان کنیم که برات سندی است که در آن صادر کننده که اسم دیگرش می تواند برات کش باشد و اسم دیگران برات دهنده به برانگیر که اسم دیگر برانگیر قبول کننده برات است و دستور می دهد که در سرسید معین وجه معینی را به دارنده برات

{متعهده - محال عليه} تسلیم نماید و بصورت مختصر

می گوییم که برات سندی است که در آن صادر کننده برات به برانگیر دستور می دهد که وجه معینی را در سرسید معین به دارننده برات تادیه و پرداخت گردد . درش ۳ عنصر وجود دارد صادر کننده - قبول کننده - دارنده

حال می خواهیم عناصر آن را یک به یک بررسی کنیم در وهله اول صحبت کردیم از امضا یا مهر برات که بسیار مهم است و نکته ای است در حد دکترا خیلی فرد را به اشتباه می اندازد برات هم می تواند امضا داشته باشد هم می تواند مهر داشته باشد یعنی هر یک به تنهایی کافی و مکفی است . خیلی دقت داشته باشید مهر یا امضا هیچ تفاوتی نمی کند اما ببینیم مهر یا امضا چیست اصلا مصدق خارجی مهر و امضا چه زمانی مورد بررسی ما قرار می گیرد شما اگر ماده ۲۲۳ ق ت را نگاه کنید فقط اشاره به این می کند که سند باید امضا یا مهر داشته باشد و چیزی بیشتر از این را عنوان نمی کند اما این امضا یا مهر که در برات از آن صحبت می کنیم در چه سندی باید انجام شود در سندی که بتوان اسم آن را برات گذاشت چرا که ما یک

فرمها و ویژهای داریم که توسط وزارت اقتصاد و دارائی به چاپ رسیده به عنوان فرم برای فرمها متعدد شکلی که حتماً اوراق بهادر هم هست و کسانیکه در اسناد تجاری می‌خواهند از این اوراق استفاده کنند می‌توانند استفاده کنند اما در قانون تأکیدی به این موضوع نشده که اگر کسی می‌خواهد برای صادر کند حتماً از این فرمها استفاده کند اینجاست که بحث همان مهر زدن یا نزدن مطرح می‌شود شما می‌توانید خودتان یک کاغذ را صادر کنید و اسم آن را بگذارید برای اما هیچ زمانی روزه شک دار گرفتن کار درستی نیست پس بهتر است از این فرمها و ویژه استفاده شود فرمها و ویژه ای که توسط وزارت اقتصاد و دارائی به چاپ رسیده و می‌توانند افراد در سطح معاملات تجاری خودشان از آن استفاده بکنند.

اما ببینیم امضا یا مهر چه چیزی است؟ ۱-۱ امضا اساساً در ایران از قرن ۱۳ هـ وارد سیستم تجاری ما شده یعنی ما قبل از قرن ۱۳ هـ امضا نداشتیم اما بعد از قرن ۱۳ است که امضا وارد سیستم تجاری می‌شود ۲-۱ قبل از آن مهر می‌زدند یعنی تمام اسناد تجاری در ایران مهر می‌شد و مورد معامله قرار می‌گرفت معمولاً مهر زدن هم به شکل چهار گوش در چهار طرف یک سند است.

۱-۳ اما امضاهای که روئی مهر حک شده به طور مثال ممکنه من و شما داشته باشیم خیلی از افرادی که در سمت‌های مختلف اداری و دولتی هستند به این شکل هستند شما خیلی موقع ها حتی ممکن است در مدارک و مستندات خودتان در دانشنامه تحصیلی تان یا چیزهایی شبیه به این ببینید شخصی امضا دارد اما امضا ای است که مهر است این امضا محسوب نمی‌شود امضائی که در روئی مهر است و در یک سندی است امضا محسوب نمی‌شود فقط مهر محسوب می‌شود پس حک کردن امضائی که روئی مهر است امضا محسوب نمی‌شود در ضمن یک چیز دیگری که باید در مورد امضا یا مهر به آن توجه کرد این است که شما در نظر بگیرید یکی از این اوراق دسته چک را در نظر بگیرید که مبلغ نوشته شده ولی آن امضا آخر را ندارد ایا به نظر شما این یک سند تجاری است؟ به هیچ وجه

چرا سند تجاری محسوب نخواهد شد؟ بخاراط اینکه قصد وجود ندارد قصد انجام تکمیل یک سند تجاری به واقع پیدا نشده پس این شد مورد ۴-۱ یعنی قصد این امضا و مهر شما است که این سند تجاری را کامل

می کند یعنی اراده باطنی شما به اراده ظاهری تبدیل می شود و قصد انجام معامله شما تکمیل می شود ان چیزی که واقع شده با ان چیزی که قصد شده حتما باید تطبیق داشته باشد و در مورد حقوق بین الملل که قبله گفتم ان چیزی است که دقیقا در سیستم کامنلا وجود دارد همان قصد انجام یک رابطه حقوقی است العقود تابعه للقصد این قصد طرفین است که عقد را به وجود می اورد و اینکه باید به آن توجه شود و در مورد اسناد تجاری هم به همین شکل اینجاست که مهر و امضای اهمیت خودش را پیدا می کند

اما ما در برات اولین چیزی که به ذهنمان امد گفتیم که در صدر ماده ۲۲۳ این وجود دارد که یک صادر کننده‌ای وجود دارد این صادر کننده می تواند شخص واحد باشد می تواند ۲ نفر باشد می تواند ۳ نفر باشد ماده ۲۴۹ ق ت را نگاه کنید چه چیزی می گوید خاطرтан است که مسئولیت تضامنی را در جلسه قبل بیان کردیم اما انجا بیان کردیم صادر کننده کسی که برات را قبول می کند و ظهر نویس ها و دقت کنید می بینید که صادر کننده را به شکل واحد اوردیم نه جمع و نه منشی حالا سوالمان این است خاطرтан است که گفتیم مسئولیت تضامنی یک مسئولیت استثنایا به اصل است که فقط مطابق ماده ۴۲۳ است که می توانیم به آن بگوییم مسئولیت تضامنی چیست؟ مطابق قانون باید باشد یا مطابق توافق طرفین باشد همان چیزی که عرض کردم لا تکلوا اموالکم بینهوا و... حتما باید در غالب یکی از اینها باشد غیر از این باشد ما نمی توانیم مسئولیت تضامنی را لحاظ کنیم یعنی چی؟ در خیلی جاهای پیش می اید که عنوان می کنند از وحدت ملاک آن استفاده می کنیم امادر مورد مسئولیت تضامنی ایا می شود این کار را کرد؟

مسئولیت تضامنی گفتیم یک چیزی است استثنائی به نظرم می اید گفتم بهتان که عسری حتی اعساری نیست همین است ولا غیر یعنی تفسیر موثق نمی شود در موردش کرد حتما باید تفسیر مضيق کرد در موردآن پس مسئولیت تضامنی یک چیزی است استثنائی حالا سوالمان را با این تفسیری که گفتیم و با ذهنیتی که از جلسه گذشته داریم چگونه جواب می دهیم سوال این بود که اگر صادر کننده برات بیش از یک نفر باشد در مقابل دارنده برات چه مسئولیتی دارند؟ مثلا بنده یک برائی را صادر میکنم صادر کننده این برات مشترکا من و اقای محمدی و خانم جنیدی با هم دیگر هستیم هر ۳ صادر کننده ایم قبول کننده

آن شما هستید دارنده اش جناب اقای قاسمی است و اقای قاسمی می‌اید ظهر نویسی می‌کند به همه بچه های کلاس که آن بخش جداول است ولئ صادر کننده‌های آن من و اقای محمدی و خانم جنیدی هستیم بله می‌شود در مورد چک هم می‌شود چک می‌تواند امضا کنندگانش ۳ نفر باشند چنانچه بخصوص در مورد شرکتهای تجاری خیلی پیش می‌اید که چک را هم باید مسئول امور مالی امضا کند هم رئیس هیئت مدیره امضا کند حال صادر کنندها ۳ نفر بوده اند ایا همچنان مسئولیت تضامنی است؟ در مورد سند براتی که امضاکنندگانش متهد هستند یک نظر وجود دارد که می‌گوییم مسئولیت تضامنی است اما اگر قائل به تفسیر مضيق باشیم و بگوئیم مسئولیت تضامنی خلاف اصل است و برخلاف نظر اکثر فقهاء امامیه است فقط در مورد صادر کننده براتی که واحد است مسئولیت تضامنی قائل هستیم اگر بیش از ۱ نفر بودن مسئولیت همچنان مسئولیت نسبی است و مشترک است و هر دو نظر وجود دارد یک نظر می‌گوید مسئولیت همچنان تضامنی است اما یک نظر که خودم بیشتر می‌پسندم چون مسئولیت تضامنی یک مسئولیت محدود و خلاف اصل است و استثنائی است به نظرهم می‌اید پذیرفتن مسئولیت مشترک و نسبی در موقع ای که صادر کننده برات بیش از یک نفر باشد قابل قبول تر است در هر حال هر دو نظر وجود دارد در ضمن توجه داشته باشید مطابق ماده ۲۴۹ ق ت صادر کنندگان متعدد را نباید با امضا کنندگان که مسئولیت تضامنی دارند اشتباه کرد چرا چون صادر کنندگان چیزی جدائی از ظهر نویسان می‌باشند. ظهر نویس ان کسی که پشت نویسی می‌کند ظهر یعنی پشت یک براتی را بنده صادر کردم برانگیران هم خانم جنیدی است شما هم دارنده برات آن هستید وقتی این موارد ذکر شد شما با همان سند معامله ای را با یک شخص دیگری می‌کنید و در اختیار خانم تاجیک قرار می‌دهید خانم تاجیک هم اینرا دارد یکبار دیگر می‌خواهد با کس دیگری معامله ای کند این به عنوان یک اوراق بهادر دردستش است اینرا به اقای حیدری انتقال می‌دهد همینطور

می‌شود صد دست ظهر نویسی شود و انتقال پیدا کند. ماده ۲۴۹ را با ماده ۴۰۳ تطبیق دادیم بطور مثال شرکت تعاونی مسکن کارکنان دولت که اعضای هیئت مدیره دارد و هیئت رئیسه هم مشخص است در اساسنامه اش پیش بینی کرده تمامی اوراق و اسناد و مدارک هم از رسمی و عادی تجاری و مدنی با امضا

مدیر عامل رئیس هیئت مدیره و مدیر امور مالی سندیت خواهد داشت و ما هر سندی که بخواهیم برای این شرکت مسکن کارکنان ورامین تنظیم کنیم هر چه که باشد باید این ۳ نفر امضا کنند وابن چیزی است که در اساسنامه این شرکت عنوان شده .

عنوان بعدی قید کلمه برات :

برروی سند تجاری حتما باید قید کلمه برات روی سند قید شده باشد که مشخص شود چک نیست مشخص شود که سند مشارکت مدنی نیست حتما باید قید کلمه برات روی آن باشد . این فرمهای که وزارت اقتصاد و دارائی چاپ می کند روی آن دارد .

عنوان بعدی ذکر تاریخ تحریر برات :

تحریر برات که مشخص است یعنی نوشتن مثل ان چیزی که شما اسمش را می گذارید لوازم التحریر یعنی لوازم نوشتاری نوشت افزار مثلا ما در بحث ثبت اسناد می گوییم حق التحریر آن چقدر است ؟ حقثبت آن چقدر است ؟

اما تاریخ تحریر برات چه فوایدی دارد ؟ بسیار فوایدی دارد که ضمانت اجراهای متفاوتی در حضور شما قرار می دهد اگر شما حساب کنید یک سندی تاریخ تحریر نداشته باشد اصلا موضوعیت پیدا نمی کند حتی اگر امضا شده باشد حتما باید تاریخ تحریر برات مشخص شده باشد چرا چون ضمانت اجراهای متفاوتی دارد بخصوص جانی که ما ذکر کردیم اگر خاطرتان باشد ذکر کردیم اسناد تجاری را غالبا تجار استفاده می کنند وبا افراد عادی کاری نداریم چرا در کنار آن اشاره می کنیم از مردم عادی چون مردم عادی هم می توانند اما اصل این است حال چه فوایدی دارد ؟ اولین فایده اش این است که در زمانی این سند تجاری که اسم آن برات است صادر می شود و تاریخش مشخص می شود اصلا صادر کننده آن اهلیت داشته باشد ما یک اهلیت داشتیم از نظر جسمی و فیزیکی اینکه جنون و صغیر و سفه نداشته باشد یک اهلیت هم داشتیم که اهلیت قانونی است بطور مثال شخص ورشکسته نباشد که این موضوع درس تجارت ۴ است در تجارت ۴

می خوانیم که تاجر از لحظه ای که اولین دین خودش را پرداخت نمی کند حق هیچ گونه معامله ای را ندارد حق امضا هیچ سند تجاری را ندارد از همان لحظه به آن می گوییم **STOP** اگر تاریخ تحریر برات را بدانیم متوجه می شویم که ایا این تاجر در این تاریخ ورشکسته بوده یا نه چون اگر بوده یک داستان دیگری است ان چیزی است که از حقوق فرانسه وارد کشور ما شده تاجر واعلام ورشکستگی که موضوع تجارت ۴ است .

دومین فایده که باید به آن توجه کرد اینکه این سند که دیگر دین است یک طلبکار و بدھکار دارد متوجه شدید که ایا این مشمول مرور زمان

می شود یا نمی شود در اسناد و مسائل کیفری ما همچنان مرور زمان را داریم حال بحث مرور زمان خیلی مفصل است یعنی یک موضوع کیفری یک سرقت یک کلاهبرداری را نمی توانیم ۵۰ سال اینده مطرح کنیم یعنی یک مرور زمان دارد شما می توانید در یک غالیه مثل ۳ سال ۵ سال ۷ سال اشاره شده در قانون بعد از آن مشمول مرور زمان است یعنی قابل پیگرد نیست در ت هم همینطور است و در حقوق تجارت هم شما هر دعوا حقوقی و هر دعوای تجارتی را نمی توانید هر زمانی که دلتان خواست مطرح کنید یک چک را که مشمول گواهی عدم پرداخت شده نمی توانید ۳ سال دیگر مطرح کند زمان دارد ۱ سال ۳ سال ۷ سال بخاطر همین تاریخ تحریر به ما نشان می دهد ایا این مشمول مرور زمان شده یا نشده اند چیزی که به نظر دوستان در شورای نگهبان غیر شرعی است بخاطر همین است که از ادم حذف کردن ما فلحال دردعوای مدنی دقت کردید ۳ تقسیم بندی کردیم ۱- شکایت کیفری ۲- دعوای تجارتی ۳- مسائل مدنی مادر حال حاضر دعوا مدنی مرور زمان نداریم یعنی شما می توانید امسال اگر یک برگ کاغذ علیه من دارید که اشاره کردم که بندی مهمان نوازان به حسن قلی خان حسین زاده ۵۰ میلیون بدھکارم مطابق این سند عادی ۷ سال دیگر هم می توانید اینرا در دادگاه مطرح کنید از نظر شورای نگهبان دعوا مدنی دیگر در مرور زمان وجود ندارد و خیلی جالب چطور دعوا تجارتی مشمول مرور زمان است در شکایت کیفری مرور زمان وجود دارد اما در مسائل مدنی مرور زمان وجود ندارد خوب این هم جور در نمی اید اما در مسائل تجاری ما مرور زمان

را داریم به خاطر همین تاریخ تحریر به ما نشان می دهد که ایا این سند تجاری که داریم مشمول مرور زمان می شود یا خیر . برخی معتقدند که این بحث مرور زمان از اروپا آمده اما ما در اسلام هم داریم در کلام امام اول شیعیان مرور زمان لحاظ شده است اما نمی دانم شورای نگهبان اشاره می کند در فقه وجود ندارد و غیر شرعی است . که گفتم خیلی مهم است بحث مرور زمانها چون تحقیقاتی بر روی آن انجام دادم اما اینرا بدانید که بزرگترین حقوقدان تاریخ بشریت کسی نیست جز علی علیه السلام با اعتقاد حقوقی عرض می کنم نه با اعتقاد مذهبی .

سومین فایده آن این است که در مورد برات در صورتی که سرسید برات به وعده از تاریخ صدور باشد این تاریخ زمان سرسید انرا مشخص می کند . چون برات یک تقسیم بندی هائی را دارد که در جلسه اینده درموردش صحبت خواهیم کرد .

بنام او که افرید سپیده دم را تا منور کند به نور عدالت جهان سیه را

عنوان درس : توجه به مواد ۲۲۵ ذکر تاریخ تحریر به حروف

اگر یادتان باشد جلسه گذشته یک سوالی ماند که من ترجیح دادم جواب آن را به این جلسه بگذارم البته مطابق صحبت‌هایمان که یک مطالعه قبلی هم داشتید و دارید چون غیر از این باشد به نظرم مطالب جدید برایتان سنگینی می‌کند . به ماده ۲۲۳ ق ت وقتی نگاه می‌کنیم دربندی که صحبت از نوشتن تاریخ تحریر می‌کند با تطبیقش با ماده ۲۲۵ می‌تواند یکسری مطالبه را حل کند .

ماده ۲۲۵ ق ت در بند اول می‌گوید تاریخ باید به حروف نوشته شود و در ادامه می‌گوید فقط در توجه مان آن مبلغ کمتر است یعنی در یک رابطه مادی وقتی ماکسیموم را بالا می‌گیریم و مینیموم را پائین مینیموم مد نظر ما خواهد بود در سرمهلغه .

می‌دانید چرا می‌گوید مبلغ با حروف معتبر است ؟ چون وقتی صحبت از حروف می‌کنیم اشتباه کردن در حروف کمتر خواهد بود تا عدد ۲ ممکنه تبدیل به ۳ شود ۱ ممکنه تبدیل به ۲ شود ۳ ممکنه تبدیل به ۲ شود دقت می‌فرمایید اما در زمانی که صحبت از این می‌کنیم که اگر به عدد نوشته شود و به حروف نوشته شود مبلغ کمتر نوشته شود و مبلغ بیشتر بطور مثال همین جناب اقام تاجیک یک سند تجاری را صادر می‌کند با تلفن صحبت می‌کرده و حواسش پرت بوده صدرش رو نوشته صد میلیون تومان ولی حواسش نبوده پائین دویست میلیون تومان نوشته اگر قرار شد این وصول شود مبلغ کمتر مورد توجه و مناطق اعتبار خواهد بود نه مبلغ بیشتر چنانکه در چک هم همینطور است در قانون چک هم همینطور امده اگر در چکی مبلغ بیشتر و کمتر وجود داشته باشد بانک برای وصل چک باید مبلغ کمتر را ملاک عمل قرار دهد اما در عمل و در رویه عملی بانکها هیچ وقت چکی را که در آن مغایرت وجود دارد را وصول نمی‌کند اما سوال اصلی این است اگر در مورد ماده ۲۲۵ با لحاظ شکل سوم یا چهارم ماده ۲۲۳ اگر ذکر تاریخ به حروف نشد چه

ضمانت اجرایی در آن وجود دارد؟ یعنی می خواهم اینرا عرض کنم که نوشتن حروف الزامی است؟ به هیچ وجه چون عبارت باید و نباید ندارد شما نگاه کنید چه در ماده ۲۲۵ چه در شکل سوم از ماده ۲۲۳ عبارت اجباری وجود ندارد یادتان است یک ماده قانونی را خواندیم گفتیم دادگاه مکلف است انجا بحث الزام بود تکلیفی بود قاعده امره است ولی اینجا قاعده تکلیفی است پس اگر عبارت به عدد هم نوشته شد هیچ اشکالی ندارد سند را از اعتبار خارج نمی کند هیچ اشکالی ندارد ولی بهتر است که با حروف نوشته شود از نظر توالی فاسد بهتر است به حروف نوشته شود اگر شما سند تجاری می نویسید بهتر است که حتماً به حروف هم بنویسید چون گفتیم ۱ را خیلی راحت می شود ۲ کرد دقت می کنید.

ماده ۲۲۳ اسم شخصی که باید برات را تادیه بکند چیست؟ برات گیر- معهد اما عبارت را نگاه کنید نوشتم برات دهنده ان را صادر کرده و به عهده برات گیر می اندازد و قبول براتگیر الزامی است این الزامی را قبل از گفتیم نباید تفسیر به این کرد که برات گیر باید قبول کند

می تواند قبول نکند هیچ برات گیری ملزم به این نیست که برائی را قبول کند اما گفتیم معمولاً با توجه به روابط تجاری برایتان می گوید بله درست است من به اقای محمدی صد میلیون بدھکار بودم حالاً به این شکل پرداخت می کنم اقای رضائی که تشریف اورد من امضا می کنم و در این تاریخ پرداخت می کنم ممکن است بگوید نه درست است که من صد میلیون بدھکارم خودمان بعداً می رویم حساب می کنیم اینجا که نوشتم قبول برات گیر الزامی است منظورمان این است که تا زمانیکه برات گیر برات را قبول نکند اصلاً آن برات ماهیت و جوهری وجودی پیدا نمی کند مثلاً مادر ماده ۳ مدنی ما صحبت از حق فسخ دریک قرارداد می کنیم که قرارداد بوجود امده باشد درغیر این صورت اصلاً صحبت از حق فسخ معنا نداشت درباره قراردادی که اصلاً تنظیم نشده و اصول آن رعایت نشده مثلاً در ش اشتباه واکراه وجود دارد معامله به حالت عدم نفوذ و قسط علی هذا اصلاً صحبت از فسخ معنای ندارد که ما صحبت از زمانی می کنیم که یک قراردادبه طور کامل بوجود امده باشد یعنی اصول های قراردادی آن کامل شده باشد آن تعهدات قراردادی اش کاملاً وجود دارد حال می خواهیم به هر دلیلی قرارداد را فسخ کنیم.

اینجا هم که می گوید قبول برات گیر الزامی است منظورمان این است که اصلا برات گیر اگر قبول نکند ما صحبت از برات نمی توانیم کنیم نه اینکه برات گیر حتما باید قبول کند نه برات گیر می تواند قبول نکند هیچ کس هم نمی تواند ملزم کند من عمدتا عبارت الزام را نوشتم حال دقت بفرمائید حال که صحبت از برات دهنده کردیم صحبت از برات گیر کردیم صحبت از قبولی برات کردیم یک نکته فوق العاده کنکوری است و خیلی مهم است ببینید سوال را که توجه کنید ایا امکان دارد برات گیر و برات دهنده را با هم جمع کرد؟ باید ببینیم که در ایران چه خبر است در ژنو چه خبراست باید تاسوئیس یک سری بزنیم یا به پاییخت خودمان تهران بسنده می کنیم ایا امکان دارد این موضوع در ژنو وجود دارد یعنی جمع بین برات دهنده و برات گیر در ژنو وجود دارد امادر مقررات داخلی ما به هیچ وجه

مثال می زنم خانم جنیدی یک براتی را صادر می کند یک تاجر صنایع فلزی است ایا می تواند برات گیرش هم خودش باشد این موضوع در حقوق ایران وجود ندارد به این شکل می شود . صادر کننده برات

می تواند دارنده و متعهد له باشد ما یک صادر کننده داریم یک برات گیر داریم و یک دارنده برات داریم که به آن متعهده می گوییم اینها را در ذهن داشته باشید حال می گوییم خانم جنیدی یک براتی را صادر می کند ایا می تواند براتگیرش هم خودش باشد؟ عرض کردم مطابق قوانین ایران به هیچ وجه اما یک چیز دیگری هم ضرافتی را بیشتر می کند مثل ۲ ماشین که دارند به فاصله یک اینه از کنار هم در یک اتوبان رد می شوند اینقدر با ید دقت داشت اما یک شکل دیگر آن صادر کننده می تواند دارنده برات باشد دقت بفرمائید مثل خانم جنیدی براتی را صادر می کند براتگیر ان خانم احمدی است دارنده آن در حال حاضر جناب اقای محمدی است هرسه آنها هم جزء تجار بازار هستند مثلا در همین کار صنایع فلزی هستند جناب اقای محمدی این وجه براتی را که در اختیار دارد و دارنده اش است با معامله ای که با جناب اقای قاسمی انجام می دهد ظهر نویسی می کند و در اختیار ایشان قرار می دهد بخاطر معامله ای که با ایشان کرده اقای قاسمی هم ظهر نویسی می کند با معامله ای که با خانم هاشمی انجام داده ان را در اختیار ایشان قرار می دهد خانم هاشمی هم این سند را این برات را مجددا ظهر نویسی می کند با معامله ای که با خانم جنیدی

انجام داده انرا در اختیار ایشان قرار می دهد ببینید در یک دور معاملات حقوقی می تواند صادر کننده دارنده برات هم باشد پس می شود اینگونه در حقوق ایران صادر کننده برات می تواند دارنده هم باشد اینها خیلی با هم فرق می کند پس در حقوق ایران صادر کننده یعنی برات دهنده و برات گیر نمی تواند یک شخص واحد باشد اما برات دهنده و دارنده می تواند یک شخص معین باشد یعنی یک شخص نمی تواند یک براتی را صادر کند هم آن را قبول کند اما یک شخص می تواند براتی را صادر کند که بخاطر چرخش دست روزگار و معاملات دارنده اش هم باشد سوال در حد دکترا است و فوق العاده مهم است.

ما در چک چیزی را داریم که شما به عنوان صادر کننده یک چک می توانید برای خودت یک چکی صادر کنید اگر براتی را به این شکل بنویسید دیگر قابل اعتبار نیست و ماهیت برات را ندارد اما در جایی که می تواند صادر کننده یک نفر باشد آن شخص دارنده اش هم باشد برای اشنا شدن با مقررات ژنو می گوییم اما داخلی ها را خیلی تاکید بفرمایید.

اما مورد بعدی ماده ۲۲۳ بند ۴ تعیین مبلغ برات مبلغ برات حتما باید کاملا مشخص و روشن باشد بی بروبرگرد یعنی شود این جوری مشخص کرد که جناب افای قاسمی و جناب افای محمدی با هم دیگر در یک رابطه تجاری داشته باشند در سنند تجاری شان ننویسند به اختیار خودمان ممکنه ارزش این سند ۱۰۰ میلیون یا ۲ میلیارد باشد به هیچ وجه باید کاملا مشخص و دقیق و معین باشد مبلغ ۲ میلیارد تومان.

اما مورد ۴ این بود که مبلغ باید مشخص باشد یعنی نمی شود مردد بین دو یا چند عدد باشد خود این معین بودن بحث زیادی دارد در مدنی ۳ ولی جاش اینجا نیست. اما ایا لزومی دارد که پول کشور محل انجام سند تجاری باشد؟ بطور مثال سرکا خانم جنیدی با سرکارخانم هاشمی معامله ای را در ایران انجام می دهد و یک سند تجاری را تنظیم می کنند بطور مثال خانم جنیدی با توجه به اینکه مبادراتش بیشتر بین المللی است می گوید من می خواهم بجای اینکه پول ایران را بگذارم و بر روی آن بنویسم ۱۰۰ میلیون یورو که می شود ۱۰۰ میلیارد تومان این اشکالی ندارد اما اگر در هنگام پرداخت مشکلی بوجود آمد چطور؟ یعنی بطور مثال در مورد همین دو تاجری که صحبت کردیم زمانی که قرار شد خانم هاشمی تعهد خودش را انجام

دهد یورو در ایران پیدا نشود مثلاً بخاطر تشدید تحریمهها یورو در ایران پیدا نشود ایا می‌شود شخص متوجه دارایان یعنی اینکه این شخص عمل ملزم به انجام تعهد خودش کرد؟ یک قاعده فقه ای داریم بنام تکلیف به ما لا یطاق یعنی از شخصی عمل و فعل و تعهدی را بخواهیم که از حیطه واقتدار او خارج است مثلاً از شما بخواهیم که در مورد ورشکستگی صحبت کنید اصلاً از اختیار شما خارج است یا مثل یک فردی که توانایی جسمی ندارد به آن بگوییم شما توئی اقیانوس شنا کنید (اون توئی حوض هم نمی‌تواند شنا کند چه برسد تکه در اقیانوس) اصلاً توانایی اش را جسمی ندارد به این می‌گویند تکلیف به ما لا یطاق در اینجا خانم احمدی فردی است که توانایی اش را ندارد هیچ فردی در شرایط ایشان در ایران فلحال نمی‌تواند یورو پیدا کند در این شرایط پول واحد محل انجام قرارداد ملاک عمل قرار می‌گیرد می‌گوید ۱۰۰ میلیون یورو را تبدیل به ریال کنیم دیگر نمی‌تواند آن شخص بگوید حتماً باید به یورو باشد با توجه به اینکه در حال حاضر این موضوع تکلیف به ما لا یطاق است وفورس مأذور وجود دارد قوه قاهره وجود دارد شخص باید پول داخلی و پول رایج مملکت را قبول کند و بعد هم به نرخ ازاد باید قبول کند می‌دانید چرا مثلاً دلار یک نرخ دولتی دارد یک نرخ ازاد دارد و دلار نرخ دولتی اش ۱۰۰ تومان است دلاری که ۱۰۰۰ تومان است در بازار ازاد ملاک عمل است یوروی که دولتی آن مثلاً ۵۵۰ تومان باشد ملاک عمل نیست یوری که ۱۳۰۰ تومان است ملاک عمل است نرخ ازاد ملاک عمل است شخص نمی‌تواند بگوید حال اگر قرارشده نرخ ریالی اش را بدیم پس من مثلاً آن یورو را به نرخ ۱۰۰ تومان در نظر می‌گیرم نه خیر ملاک ما بازار ازاد است و در کنوانسیون ژنو هم این موضوع کاملاً پذیرفته است.

مورد ۵ در کتاب قانون می‌گوید تاریخ تادیه وجه برات یک چیزی در قانون داریم یک چیزی در عمل تاریخ وجه برات می‌تواند به روئیت باشد مطابق قانون مثلاً برای همین الان باشد اما در عمل چی گفتیم عموماً معامله تجار اسناد تجاری شان مدتدار است خیلی کم پیش می‌اید بصورت وجه باشد.

اما طرق تعیین وجه برات به چه شکلی است؟ یادتان است موقع ابی که داشتیم از اهمیت تاریخ تنظیم صادر کننده صحبت می‌کردیم گفتیم خیلی در مورد آن بحث داریم و اصرار نکنید موضوع درس جلسات

اینده یمان است انجا که صحبت از مرور زمان کردیم گفتیم اهلیت دارد یا ندارد اما طرق تعین تاریخ تادیه وجه برات به چه شکلی است؟ در ۴ شکل می‌توانیم تقسیمش بکنیم و در موردش صحبت بکنیم:

۱/ برات می‌تواند به روئیت باشد یعنی برات به هیچ وجه مدت نداشته باشد یعنی اینکه خانم حیدری الان برات را صادر کرده مورد قبولی هم قرار گرفته و این برات به روئیت است یعنی زمانی که برات گیران را دید قبول می‌کند و پرداخت آن را انجام می‌دهد هیچ مدت زمانی برای آن وجود ندارد به آن برات حال هم می‌گویند.

۲/ برات به وعده از تاریخ صدور است. همان چیزی که مثلا در مورد آن گفتیم یعنی یک مدت زمانی را برای آن در نظر بگیریم از زمانی که برات صادر می‌شود مثال می‌زنم جناب اقام محمدی براتی را صادر می‌کند و عنوان می‌کند سررسید این برات ۳ماه بعد خواهد بود از زمان تاریخ صدور به این می‌گوییم برات به وعده از تاریخ صدور یعنی همان زمانیکه برات صادر می‌شود مدت زمان وصولش مشخص می‌شود.

۳/ به وعده از روئیت است یعنی صادر کننده عنوان کند که ۶ماه بعد از روئیت می‌دانید یعنی چی یعنی این زمان همانطوری می‌ماند هر زمانی که برات گیران را دید و قبول کرد این ۶ماه از آن لحظه حساب می‌شود یک براتی را اقام محمدی صادر می‌کند برات گیرش شما هستید دارنده اش هم من هستم در این فاصله زمانی که من برات را گرفتم از اقام محمدی تا بیاورم به شما بدhem که قبول کنید یک مرحله کاملاً خنثی و بی‌هویتی است از آن لحظه ای که شما می‌گویید بله قبول می‌کنم ۶ماه از انجا حساب می‌شود به وعده از تاریخ روئیت

۴/ براتی که تاریخش کاملاً از نظر روز ماه سال مشخص است یعنی برات بصورت معین خیلی با بالائی ها فرق نمی‌کند یعنی در برات می‌نویسیم تاریخ پرداخت آن ۱۷ / ۲ / ۱۳۸۹ می‌باشد چیز جدیدی را نسبت به آن بالائی ها عنوان نمی‌کند ولی اسم آن است برات بصورت معین از نظر ماه و سال و روز می‌گوییم

۱۷/۰۹/۲۰۱۴ این ۴ حالتی است که می شود برای طرق تعین تاریخ تادیه برات گفت . مادتین ۲۴۱ و ۲۴۲ ملاک عملشان است ماده ۲۴۱ ق ت - ماده ۲۴۲ ق ت این ۲ ماده بسیار مهمی است ماده ۲۴۳.

ماده ۲۲۳ شکل ۶ این ماده که صحبت از محل پرداخت برات که

می تواند محل اقامت محل علیه باشد یا محل دیگری باشد یعنی منظور آن برات گیر است با لحاظ مادتین ۲۴۱ و ۲۴۲ در مورد آن بحث کردیم .

اما این مکان تادیه چه اعتبار و اهمیتی دارد که از آن صحبت می کنیم ؟

۱/ از نظر اینکه برات گیر اول بداند که کجا باید این پرداخت را انجام دهد پس برات گیر تکلیف خودش را بداند که این پرداخت را باید کجا انجام دهد معمولا و عرفا وعلی الحصول در محل اقامت برات گیر یا محل علیه این برات را پرداخت می کند .

۲/ موضوع مهمی که درباره تعین مکان پرداخت برات وجود دارد از نظر اهمیت محل پرداخت مال است موقع ای است که پول خارجی ملاک عمل قرار گرفته ولان نمی شود آن را پرداخت کرد پول داخلی باقیمت بازار از ازد باید پرداخت کرد پول رایج محل تادیه را ملاک قرار می دهیم .

۳/ از نظر دادگاه صلاحیت دار است . یک جمله بسیار زیبا از استاد مرحوم احمد متین دفتری که شاید اسم آن را شنیده باشید ایشان یکی از بنیانگذاران حقوقی در این مملکت است ایشان نوبستنده ۱ دم مصوب ۱۳۱۸ است ایشان عنوان می کند: "عدم توجه به صلاحیت دادگاه باطلی است که هیچگاه حق نمی شود " واین خیلی مهم است که یک حقوقدان نداند که دادگاه صلاحیتدار کجاست مثلا اگر یک چکی صادر شود یک بانکی باید آن را پرداخت کند شما فلحال دارید در ورامین زندگی می کنید این چک ممکن است برای اهواز باشد اگر قرار شد طرح دعوائی شود باید بروید اهواز طرح دعوا کنید نمی توانید بگویید من در ورامین زندگی می کنم .

می خواهم اینجا طرح دعوا کنم محل اقامت بانک محل علیه محل اقامت دعوا است پس توجه به صلاحیت دادگاهها از این لحاظ خیلی مهم است.

ماده ۲۲۳ شکل ۷ اسم شخصی که برات (۱) در وجه (۲) در حواله کرد ش است. حتما باید به ماده ۲۴۵ هم برات می تواند در وجه باشد و این یعنی اینکه فقط دارنده ان می تواند برود از پرداخت کند. مثلا خانم حیدری یک سند تجاری را صادر می کند می تواند اسم آن چک باشد و به من ۱ میلیارد تومان بدھکار شده است اینجا می نویسد در وجه مهمان نوازان و همه عبارت و حواله کردن را خط می زند این سند تجاری فقط توسط من قابل استفاده است اینجا می گوید سند در وجه شخص معین است اینجایی که در ماده ۲۲۳ در بند ۷ می گوید در وجه منظورش در وجه شخص معین است حال ماده ۲۴۵ را نگاه کنیم می گوید انتقال برات بوسیله ظهرنویسی به عمل می آید نکته بسیار کلیدی است سند برای در ایران به هیچ وجه من الوجود و در ابتدای امر نمی تواند در وجه حامل باشد می دانید این سند در وجه حامل یعنی چه؟ یعنی اینکه هر کسی که دست آن است مالک آن هم است در همین مثال مهمان نوازان و حیدری در نظر بگیرید حیدری چک را صادر می کند در اختیار من اینجا بجای اینکه در وجه بنویسد می نویسد حامل من هم رفتم با جنیدی معامله کردم در اختیار ایشان گذاشتمن نیازی به ظهرنویسی هم نداریم می توانم ظهرنویسی کنم ضمانت اجراهای خاصی دارد در اختیار ایشان قرار دادم ایشان مالک است و همینطور یعنی هر کس دارد آن مالکش است مثل اسکناس می ماند اما با توجه به ماده ۲۴۵ هیچ سند برای در ایران در ابتدای امر نمی تواند در وجه حامل باشد تمامی برایهای که در ایران صادر می شود فقط و فقط با ظهرنویسی قابل انتقال می باشد . مفهوم مخالف حرف من چیست؟ هیچ سند برای در ایران بصورت حامل نیست بخار این می گوییم با ظهرنویسی قابل انتقال است .

برات یا در وجه شخص معین است یعنی این و هیچ کس و حالا قسمت دوم این ماده انجا که می گوید حواله کرد در مورد برات در حقوق ایران معنا ندارد چون خود ماده ۲۴۵ می گوید برات با ظهرنویسی قابل انتقال است حواله کرد چه می گوید حواله کرد همان ظهرنویسی را می گوید باز در همان مثال دقت کنید

من و اقای محمدی با همدیگر معامله می کنیم من ۱ میلیارد تومان به اقای محمدی بدهکار می شوم برای ایشان سند چکی را صادر می کنم می نویسم به موجب این چک مبلغ ۱ میلیارد تومان معادل ۱۰ میلیارد ریال در وجه اقای محمدی حواله کردش را خط نمی زنم ایشان از در می رود بیرون دوستش را می بیند و طلا فروش است و با ایشان معامله می کند و چک مهمان نوازان را می دهد چون حواله کردش خط نخورده ان را اقای محمدی ظهر نویسی می کند می گوید انتقال پیدا کرد به اقای حسینی اقای حسینی هم ممکن است ۱۰ روز دیگر حال تا زمان سرسی‌دش هر وقت که باشد ایشان ظهر نویسی می کند می دهد به اقای حسینی می شود همان ماده ۲۴۵ که می گوید انتقال سند با ظهر نویسی قابل انتقال است .

حواله کرد و ظهر نویسی یک معنا را دارد بخاطر این است که نوشتن عبارت حواله کرد در مورد برات معنا و مفهومی ندارد چون در نهایت برات یا در وجه شخص معین است یا اصلاً با ظهر نویسی قابل انتقال است واوردن حواله کرد اصلاً معنا و مفهومی ندارد چون ماده ۲۴۵ دارد همین را می گوید از نظر کاربردی بادر نظر گرفتن ماده ۲۴۵ و بند ۷ ماده ۲۲۳ درست است که برات در ایران به هیچ وجه در وجه حامل نمی باشد اما اگر برات در وجه شخص معین نباشد با ظهر نویسی قابل انتقال می باشد و می توان اثرا با یک سند در حکم وجه حامل قرار داد از نظر اجرایی گفتیم چون می توانید ۱۰۰ هزار بار آن را ظهر نویسی کنید و به نظر می اید که عملاً این قسمت ماده ۲۲۳ که می گوید در بند ۷ اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخت می شود به نظر می اید با بودن ماده ۲۴۵ نوشتن عبارت حواله کرد خیلی اهمیت ندارد و ماهیت ندارد.

جلسه ۶

بنام حضرت حق حامی عدالت و باطل کننده ناحق

عنوان درس: ضمانت اجرای فقدان شرایط مواد ۲۲۳ و ۲۲۶

خاطر عزیزان است که درباره برات صحبت کردیم که چند قسم برات داریم که در مدت‌ها و مواعید و مهلتهای خاص قانونی قابل نوشتن قابل صادر کردن وقابل به اجرا گذاشتن است . یکی از این تقسیماتی که درمورد بروات داشتیم از نظر استمهال و مهلت بود منظور چیست؟ برای که به شکل روئیت باشد یعنی می گوییم حال است یعنی اینکه باید به محض روئیت فرد تادیه شود یک قسم دیگران برات به وعده از تاریخ روئیت است و دیگری برات به وعده از تاریخ صدور است که باهمدیگر بررسی کردیم. ماده ۲۴۲ ق ت همان چیزی بود که گفتیم برات حال است . ماده ۲۴۳ ق ت نکول یعنی رد کردن که جلسه بعد درباره آن بحث می کنیم و ماده ۲۴۴ ق ت روز بعد از تعطیلی باید کارسازی یا تادیه یا پرداخت شود و تبصره آن را نگاه کنید می گوید برایمان کاملاً روشن است وقتی صحبت از سایر اوراق می کنیم یعنی چک و سفته یا همان فته طلب که قبل از حضور نظر شما گذشته بچه ها توجه داشته باشید به مهلت ها چون بسیار بسیار مهم است چه در ق ث چه در ق ت و چه در ق ادم و چه در ق ادک و آن چیزی که مربوط به درس بحث ماست مربوط به تجارت است خاطرتان است وقتی صحبت از مرور زمان دعاوی کردیم جلسه ۴ بود و مرور زمان که از حقوق انگلساکسون امده در حقوق ما کاملاً قابل شناسایی است همچنان در ق ادم ۱۳۱۸ وجود داشت و در سال

۱۳۷۹ با کم لطفی و کم توجه ای و بی دقتی شورای نگهبان از سیستم حقوقی ما حذف شد اما در تجارت همچنان داریم بحث مرور زمان را توجه کردن به استمهال یعنی همان مهلت و مواعده جمع مکسر موعد است یعنی زمان داربودن مؤجل بودن به معنی زمان دار بودن چیزهایی که باید در باب شناسایی موارد که فلحال در ماده ۲۴۴ و در آینده بیشتر با آنها سرو کار خواهیم داشت باید کاملاً به آن اشنا باشیم در دو ماده قانونی بعدی یعنی ۲۷۴ و ۲۹۰ هم با آن موضوع بیشتر سروکارخواهیم داشت و در بعضی از موارد قانون گذار متسافانه ساخت است و ما باید خودمان این کار را انجام دهیم کسانیکه مدعی هستند که می توانند حرفی برای گفتن داشته باشند همین موارد را بسیار زیاد توجه کرده اند به استمهال در موارد بسیار مختلف اما وقتی صحبت از استمهال و مواعده می کنیم بگوییم حتماً باید به قطعیت و با دقت نظر خاص به آن توجه کرد باید آنها را کاملاً بشناسیم چه در امور مدنی و چه در امور کیفری و چه در امور ثبتی و چه در امور تجاری که اخص درسمان است و در مورد آن صحبت می کنیم و قبل اهم یک بکراندی زدیم و در مرور زمان صحبت کردیم .

اما بند ۸ ماده ۲۲۳ چه چیزی را می گوید ؟ دلیل اینکه قانون گذار اشاره کرده که برات می تواند در چند نسخه صادر شود چیست ؟ این فقط در مورد برات است ما چک چند برگ نداریم یا سفته چند برگ نداریم اما چرا می گوید برات می تواند نسخه اول - دوم و سوم و علی الآخر داشته باشد می تواند ۲۰ برگ باشد دلیل آن این است که ق ت ما که قبل از مورد آن زیاد صحبت کردیم این قانون اصلاً قانون قدیمی نیست این قانون الکاریک است الکاریک را از دوستانمان که در رشتہ باستان شناسی درس می خوانند باید پرسید یعنی فسیل است یعنی از قدیمی هم گذشته قدیمی چیزی است که دارای قدمت است این قانون باستانی است این قانون باید به روز شود قانون بسیار عالی است مال دوره ۴ قانون گذاری فرانسه است فرانسه یک قانون جدید بعد از این را دارد ما اینرا تطبیق دادیم با فقه امامیه و داریم استفاده می کنیم اما خیلی جاهای آن مجازاتهای در نظر گرفته شده ۲ قرون یا صحبت کردن از همین بند ۸ ماده ۲۲۳ که عنوان می کند در چند نسخه باشد یکی از دلایل فلسفی آن این است که سال ۱۳۱۱ این قانون تصویب شده ان موقع شاید جابجایی از شهری به شهری رفتن به همین راحتی نبوده دقت می فرمائید اینکه می

گوید در چند نسخه باشد از این بابت بوده که فرد خیالش آسوده باشد ۲ یا ۳ تا نسخه اضافه دارد که اگر یک وقتی گم شد اگر کاروان را دزد زد دیگر محصور نباشد این راه طولانی را برگردد چرا که برات را یکی باید قبول کند و قبولی آن ممکن است فلمجلس نباشد شخص در یکجای دیگر در یک شهر دیگر حتی در یک کشور دیگری باشد بنده براتی را صادر کردم به نفع اقای حیدری برات گیر آن اقای محمدی که در سیستان و بلوچستان است پس اقای حیدری باید تا سیستان و بلوچستان برود قبولی را از اقای محمدی بگیرد این ممکن است یک دفعه تو یزد باد تندي بوزد و برات را از دست ایشان ببرد ایشان مجبور است به ورامین برگردد و دوباره از من بگیرد بخاطر همین پیش بینی قانون گذار بوده که برات در چند نسخه می تواند صادر شود که در فاصله بین صدور تا قبول کردن توسط برات گیر اگر گم شد نسخه اضافه ای داشته باشیم اما پرداخت فقط یکبار صورت می گیرد بهتر است که دارد اثرا قبول می کند که می شود برات گیر که قبول کننده برات است و نام دیگر مشال العلیه یا متعهد است بهتر است که عنوان کند نسخه اول را دارد قبول می کند وقتی این کار را کرد عملاً اگر برات ۵ نسخه ای بود ۴ نسخه ای دیگر باطل می شود و دیگر قابل اعتبار نخواهد بود این به همین سادگی است ببینید بنده براتی را صادر کردم بخاطر معامله ای که با جناب اقای حیدری انجام داده بودم و بخاطر معاملاتی که با اقای محمدی داشت برات را به عهده اقای محمدی انداخت یعنی اینکه مهمان نوازان براتی را صادر کرد دارنده آن حیدری است و برات گیر آن محمدی است در اینجا اقای حیدری به من پیشنهاد می دهد چون من را تا سیستان و بلوچستان می خواهی بفرستی برای قبولی این برات (خوب) آن را حداقل در ۳ نسخه صادر کنید که اگر اتفاقی افتاد من نسخه المثنی داشته باشم میروند انجا اقای محمدی نگاه می کند میبیند که نوشته نسخه اول می گوید اقای حیدری نسخه المثنی هم داشته در جواب میگوید بله بخاطر همین موضوع پیش بینی کرده بود اشکالی ندارد آن نسخه ثانی را پاره می کند اقای محمدی می نویسد بنده نسخه اول را قبول نمودم یعنی عملاً دیگر نسخ بعدی قابل پیگیری نیست چون این نسخه اول و دوم و سوم جلوی توالی فساد ش را می گیرد که قانون گذار در بند ۸ ماده ۲۲۳ مصوب ۱۳۱۱ پیش بینی اثرا کرده. مبحث خیلی مهمی است که بدرد دنیا و آخرتتان می خورد بحث سفید امضا یا سفید مهر اولین چیزی که به ذهن شما می اید درباره سفید امضا یا

سفید مهر این است که تخلف است یک مجازاتی است در ق ۱ هم داریم اصلا در ق ج هم داریم بعضی وقتها کاملاً قانونی است چگونه؟ وقتی که در مقابل یک عقد وکالت باشد خیلی مهم است خیلی دقت کنید نگاه کنیم ماده ۶۵۶ ق م عقد وکالت از جمله عقودی است که به قطعیت می‌شود گفت یکی از کاملترین و دامنه دارترین و بروزترین و کاربردی ترین عقودی است که می‌شود با آن سروکار داشت از اسم آن مشخص است وکالت می‌تواند شغل شما باشد در غالب سند رسمی هم یکی از دامنه دارترین سندهای رسمی می‌توانیم با آن سروکار داشته باشیم شاید به جرات بتوانیم بگوییم بیش از هزار نوع وکالت را دیدم ونوشتیم شروط آن را تنظیم کردم بیشتر از این هم خواهم دید و تکمله اش را در مدنی ۷ خواهید دید که چقدر این عقد مهم است یک شخصی در امریکا دارد زندگی می‌کند با تنظیم یک وکالت نامه کلیه حدود و اختیارات و اموال و مالکیت و مایملکش را به یک شخصی در ایران واگذار می‌کند بنده یک وکالت نامه تنظیم می‌کنم می‌دهم به اقای عمرانی که برود یک برگه کاغذ را از یک اداره بگیرد و بیاورد مدرک تحصیلی شما را از دانشگاه ازاد واحد پیشوا بگیرد به **n** توان می‌شود انواع واقسام وکالتها را مشاهده کرد که فوق العاده کاربردی هم است و شما به عنوان یک حقوقدان کاملاً بدانید که وکالت‌هایی که در دفاتر اسناد رسمی تنظیم می‌شود در تمامی مراجع دادگستری و اداری و قضایی وغیر قضایی دارای اعتبار کامل و قانونی است چقدر جزئی است چقدر کلی است چه تام و مطلق چه نسبی و جزئی حتماً چون متاسفانه در بسیاری از حوزه و ادارات و سازمانها بخاطر کم سودای و عدم تسلط بسیاری موقع می‌شد ایراداتی به وکالت می‌گرفتند اقا این موضوع به این بزرگی را نمی‌شود وکالت داد اصلاً ربطی ندارد به کسی قانون می‌گوید هر شخص همه اموری را که خود می‌تواند انجام دهد می‌تواند به دیگری هم واگذار نماید ماده ۶۵۶ ق ۴ این امری که در این ماده صحبت‌ش است منظور امر حقوقی است بهتر بود که قانون گذار قشنگتر می‌گفت اولین مثالی که می‌توانیم از تجاری بودن آن بزنیم این است که امر وکالتی است یک ماده قانونی دیگری را هم نگاه کنیم در ق ۶۶۲ ماده ۲۴۷ که جای آن هم در اینجا نیست ولی بدانید و این ماده خیلی مهم است که در اینجا هم امر امر حقوقی است حتماً باید اهلیت باشد اعم از اهلیت استیفاء و تمتع در ماده ۹۵۰ ق ۹۵۰ به بعد درباره آن صحبت کرده حتماً باید شخص اهلیت داشته باشد منظور اهلیت استیفاء نه

تمتع چون اهلیت تمتع می دانید چیست موضوع مدنی ۱ است حالا برگردیم به تجارت سفید مهر یا سفید امضای که می گوید قانونی است چه چیزی می تواند باشد؟ جناب اقام محمدی که تاجری سرشناس و متمول است با جناب اقام قاسمی مرابدات تجاری بسیاری دارند هر یک از آنها تجار فرش، بازار فرش تهران هستند اینها حساب و کتابهایی که در سال جاری با هم دارند یک چیزی نزدیک به ۶۵۰ میلیون اقام محمدی بدھی دارد به اقام قاسمی اقام محمدی امروز مشرف می شوند به سفر حج و فرصتی ندارد از بابت حساب و کتاب کردن می اید پیش اقام قاسمی اعلام می کند که من باید از شما براعت بگیرم می شود حساب و کتاب نمایند که این بحث مذهبی این قضیه است این سند تجاری هم که ممکن است چک باشد ممکنه سفته باشد ممکنه برات باشد این سند تجاری امضا شده دست شما از طرف من و بنشینید و حساب و کتاب کنید نمیدونم ۶۰۰ میلیون تا ۷۰۰ میلیون حساب و کتاب داریم مشخص که شد مبلغ را بنویسید و با وکالتی که از من دارید بصورت شفاهی اصلا می تواند در حضور شاهد باشد می تواند داشته باشد می تواند نداشته باشد وارد این قضیه نمی شویم البینه علی المدعی والیمین علی انکر بحث آن قضیه موضوع درسمان نیست این سند تجاری را داد و به اتفاق حاج خانم پرواز کردند و رفتند سفر حج اقام قاسمی می رود شب خانه می خوابد صبح که می اید متوجه می شود که بله حساب و کتاب می کند ۶۳۰ میلیون اقام محمدی بدھی دارد و این را دفاتر حساب و کتاب نشان می دهد او وسوسه می شود و به جای ۶۳۰ میلیون تومان می نویسد ۱ میلیارد تومان سند هم که هیچ مغایرتی در آن پیش نمی اید چگونه می شود؟ ۱/ یا خودش می رود وصول می کند ۲/ ممکن است فردا اقام قاسمی برود و با یک شخص ثالث دیگری معامله کند فلحال یک سند ۱ میلیاردی تنظیم کرده می اید سراغ خانم جنیدی که آن هم از تجاربازار فرش است بدون اینکه خانم جنیدی از همه این قضایا خبر داشته باشد با حسن نیت یعنی شخص ثالث با حسن نیت است فرش می خرد قیمت آن می شود ۱ میلیارد تومان سندی را که در دستش دارد را در اختیار خانم جنیدی قرار می دهد خانم جنیدی هم نگاه می کند می گوید این سند برای اقام محمدی است که رفته مکه و می گیرد وایشان مستحق این سند است ۱ میلیارد تومان کالا مبادله کرده وحالا طلبکار شده از اقام قاسمی ایشان می رود این سند را وصول می کند.

شخص ثالث بدون حسن نیت یعنی اینکه این شخص ثالث هم حسن نیت ندارد یعنی تدلیس دارد یعنی خانم جنیدی و اقای قاسمی می‌اید می‌گوید داستان از این قرار است من بجای ۶۳۰ میلیون نوشتم ۱ میلیارد بیا و این سند تجاری را وصول کنیم یک قسمت آن این است که اقای محمدی می‌اید شکایت می‌کند از اقای قاسمی بخاطر داراشدن بلاجهت و قسمت دیگر آن هم این است که ثابت می‌شود فریبکاری مشترک است و هر دو متضامناً با هم مسئول هستند وهم مجازات کیفری دارد.

ایا لازم است که مندرجات برات یا چک هنگام صدور کامل باشد یا بعداً هم می‌شود؟ بله وکالت ثابت کرده که می‌شود که باید خیلی اطمینان وجود داشته باشد که این بسیار نکته اش کنکوری است.

ماده ۶۵۶ و ۶۶۲ از ق م کمکمان کرد نکات آن بسیار کلیدی و ظریف است.

حال ماده ۲۲۶ ق ت را نگاه کنید می‌دانید می‌خواهد چه چیز بگوید منطق ماده قانونی یک چیزهایی می‌گوید مفهوم آن یک چیز دیگری را می‌گوید یعنی تکمیل کننده همدیگر است می‌گوید بندهای ۴-۳-۲-۵-۶-۷-۸ اگر رعایت نشده باشد شامل بروات نمی‌شود یعنی می‌شود آن را به عنوان یک سند عادی مورد بررسی قرار داد مثل یک طلب عادی مثل طلبی که شامل چک سفته و برات نشده یعنی سندیت دارد ولی دیگر مقررات برواتی بر آن بار نخواهد شد نکته اش خیلی ظریف است.

اما یادتان است که یک تقسیم بندی هم من کردم امضا را در صدر اوردم این ماده قانونی می‌توانست بگوید علاوه بر بندهای ۴-۳-۲-۵-۶-۷-۸ اگر امضا یا مهر نداشته باشد شامل مقررات برواتی نمی‌باشد چرا این را نگفت؟ اگر سندی امضا یا مهر نداشته باشد اصلاً به هیچ وجه سندیتی ندارد نکته اش بسیار کنکوری است

محل برات : محل برات چیست؟ از نظر حقوقی ظاهر با باطن یکی نیست محل برات یعنی ارزش و اعتبار برات یعنی ماهیت و ارزشی که شخص دارد در یک تعریف خیلی خلاصه و مفید می‌شود گفت محل برات عبارتند از طلب یا اعتباری که برات دهنده یا همان صادر کننده برات در زمان سرسید نزد برات گیر دارد.

مفهوم مخالفش می گوید منظور و ملاک عمل ما زمان صدور نیست زمان سرسید است یعنی یک نکته اساسی در اینجا وجود دارد که باید به آن توجه کرد . مثا ل می زنم سرکار خانم حیدری یکی از تجار سرشناس بازارپیشوای ورامین می باشد که در شعبه بانک پیشوای ورامین هم میلیونها تومان پول دارد ودارای اعتبار خاصی است به نوعی رئیس بانک به اعتبار او قسم می خورد کار اصلی بانکها همین تجاری است که با بنکها مرابده دارند فلحال بانکها از آن سیستم رونق اقتصادی دارند خارج می شوند و به تعبیری کارهای قرض الحسن انجام می دهند که این هم درست نیست پس بانک محل کسب سود و تزریق آن به جامعه است برای گسترش و چرخش بزینس و تجارت است . این خانم معملات بسیار زیادی انجام می دهد وبانک هم همیشه آنها را ساپرت می کند یعنی اینکه در معاملاتی که انجام می دهد ایشان کارشان خرید و فروش تجهیزات کشاورزی است از خارج وارد می کند آن چیزهایی که در نظایر محتمل است در معاملاتی که انجام می دهد برواتی صادر می کند که برات گیر آن بانک قرار می دهد بانک هم همیشه این برات ها را قبول می کند این اعتباری است که این خانم در این بانک دارد به این می گویند محل برات یعنی چی ؟ یعنی یک تاجر فرانسوی می اید در پیشوای ورامین و این تجهیزات کشاورزی را به ایشان تحويل می دهد این خانم براتی را صادر می کند که سرسید ان ۶ ماه دیگر است برات گیر ان را در بانک تجارت شعبه پیشوا قرار می دهد بانک هم قبول می کند چون این فرد معتبر است یعنی اعتباری که در بانک دارد باعث می شود ایشان را ساپرت کند ۶ ماه دیگر حتما پول ایشان را پرداخت کند به آن تاجر فرانسوی به آن می گویند آن اعتباری که به آن دادن محلی که آن شخص در آن بانک دارد این یعنی محل برات .

اما حال صحبت از محل برات می کنیم و عنوان می کنیم که شخصی برات را صادر کند و در اختیار شخص دیگری است مثلا در همین مثالی که زدیم خانم حیدری یک تاجر ایرانی اهل پیشوای ورامین است به عنوان صادر کننده برات و یک تاجر فرانسوی به عنوان دارنده برات وبرات گیر ان هم بانک تجارت شعبه پیشوا ورامین است این می شود یک رابطه قراردادی در یک سند برواتی خیلی ساده است .

اگر در فاصله صدور این سند تا زمان وصول که سرسید این سند اگر خانم حیدری ورشکست شد وضعیت چیست؟ یک سوال بسیار مهمی است که یک قسمت آن مربوط به تجارت ۴ است من محروم یک توضیح بدhem که اولاً بفهمید اصلاً ورشکسته گئی چیست تاجر وقتی ورشکسته می‌شود از طریق دادگاه اعلان می‌شود از هیچ گونه حق تصرف ندارد مثل انجایی که گفتیم اهلیت ندارد یعنی تمام امور تجاری اش را به عهده مدیر تصفیه یا اداره امور ورشکسته گئی چیست انجام خواهد و وظیفه این ارگان این است که تمامی طلبش را جمع اوری کند و به نسبه بین طلبکرانش تقسیم کند اموال این خانم را یعنی در این مثالی که ما زدیم اگر قرار باشد که این برات از ید این تاجر فرانسوی خارج شود ودر اموال تاجر ورشکسته قرار بگیرد ان تاجر فرانسوی خیلی ضرر می‌کند چون همه آن را به او نمی‌دهند به نسبه بین طلبکاران تقسیم می‌شود از دارایی که باقی مانده ممکن است به یکی ۱۰۰ میلیون طلب داشته باشد به آن ۱۰ میلیون برسد همین قدر راجع به تاجر ورشکسته بدانید کافی است بقیه اش برای تجارت ۴ است برگردیم به مثالمان فقط خواستم بدونید که چقدر ضرر می‌کند شخص اینکه برگردد یا برنگردد چه ضمانت اجرایی دارد ایا این برات باید برگردد یعنی براتی که صادر شده بانک هم آنرا قبول کرد سرسیدش هم ۶ ماه دیگر است در طول این ۶ ماه صادرکننده ورشکسته می‌شود ایا این برات باید برگردد در اموال تاجر است یا اینکه نه انتقال مالکیت صورت گرفته ودر اموال آن تاجر فرانسوی است این مهم است در مورد برات به محض اینکه صادر شد و مورد قبولی قرار گرفت این برات جزء اموال یا مایملک دارنده محسوب می‌شود واز مایملک صادر کننده خارج شده است ودر صورت بروز ورشکستگی صادر کننده در فاصله بین صدور تا سرسید این سنی قابل برگشت به اموال تاجر ورشکسته نخواهد بود یعنی به اموال صادر کننده بر نمی‌گردد بلکه همچنان جزء مایملک دارنده محسوب می‌شود ودر تفسیر برات گیر باید وجه ان را که مثلاً این جا بانک است به دارنده برات که انجا همون تاجر فرانسوی است باید تحويل دهد و به نوعی تادیه نماید یعنی این سند تجاری ملک تلق دارنده سند تجاری محسوب می‌شود ودر صورت ورشکستگی صادر کننده هم تغیری در ان حاصل نخواهد شد چرا که انتقال مالکیت برات دهنده به دارنده برات صورت گرفته است خیلی ساده است و از این ساده تر نیست . پس مشخص شد اگر صادر کننده ورشکست شود وقتی که سند صادر شده و در اختیار دارنده است وبرات گیر هم آن را قبول

کرده انتقال مالکیت صورت گرفته این دیگر برنمی گردد جزء اموال صادر کننده و در ید تصرف دارنده باقی می ماند.

برات سازشی برات سازشی چیست؟ از اسم آن پیداست سازش کردن یک جور کمک کردن است معمولاً این برات سازشی بین دوستان و اقربای سبیع و نسبی صادر می شود یا بین افرادی که خیلی با هم دوست هستند حسن می خواهد به حسین کمک کند می شود برات سازشی نه بدھی دارد و نه برات محل دارد یعنی اینکه برات گیر بدھی ندارد مشخص است یعنی اینکه این هیچ رابطه معاملی با صادر کننده ندارد و حساب و کتابی ندارد یادتان است که وقتی داشتیم در جلسات گذشته صحبت می کردیم می گفتیم برات گیر معمولاً یک بدھی به صادر کننده دارد می گوید درست است که من با حسن اقا ۱۰۰ میلیون حساب و کتاب داشتم حالا این برات را صادر می کند و برات گیر ممکن است قبول کند و ممکن است بگوید درست است که بدھی دارم اما قبول نمی کنم اما در اینجا این برات گیر بیچاره هیچ بدھی هم ندارد و فهمیدیم منظورمان از محل این است که اصلاً قرار نیست برات گیر پرداخت کند برات گیر اصلاً اعتباری در آن تاریخ نمی دهد و این سند ساپرت نخواهد کرد یادتان است بانک تجارت ساپرت کرد خانم حیدری را در اینجا اصلاً قرار نیست در برات سازشی ساپرت صورت گیرد یعنی برات اصلاً محل ندارد در آن تاریخ چرا چون خود صادر کننده قرار است ساپرت کند چرا اصلاً برات گیر وجود ندارد از اعتبار برات گیر فقط می خواهیم استفاده کنیم چونکه برات گیر یک فرد معتبر و دارای شهرتی است بیاهمیم توئی یک فرمول گسترده تر معمولاً برات کش تعهد می کند در یک قراردادی بین صادر کننده و برات گیر برات گیر آن هم می دانید همان صادر کننده است می گوید معمولاً برات کش یا همان صادر کننده تعهد می کند برات گیر بدھی ندارد من صادر کننده هیچ طلبی از برات گیر ندارم اما می خواهم از اعتبار آن استفاده کنم و در جهت مساعدت برات را قبول کرده ام در هنگام سرسید مراجعه ای به برات گیر نخواهد شد یعنی اینکه مثلًا اقا خطیبی و چگینی پسرخاله هستند اقای خطیبی یک شخصی است بلاشبیه دو قرون در بازار اعتبار ندارد این قدر برواتش و اخواست شده که هیچ کس حاضر نیست با ایشان کوچکترین معامله ای را بکند اما پسر خاله اش اقای چگینی تاجر بسیار معتبر اقای محمدی که بسیار با حساب و کتاب که همین جوری بیگدار به اب نمی زند

اقای محمدی از تجار جواهرات می باشد یا همان از تجار واردکننده ادوات کشاورزی می باشد که اتفاقاً یکسری ادوات جدید کشاورزی وارد کرده که سود خیلی خوبی هم دارد و اقای خطبیه می رود سراغ او و می گوید من آمده ام یکسری از این تجهیزاتی که اوردی را از شما خریداری کنم یک سودی هم ما ببریم برگردیم به بازار اقای محمدی قبول نمی کند می گوید تو اعتباری نداری و من با شما معامله ای نمی کنم می گوید چیکار کنم محمدی می گوید برو کسی را پیدا کن که معتبر باشد و از شما حمایت کند می گوید اقای چگینی پسر خاله من است قبول می کنید می گوید بله یک برآتنی را صادر کند وایشان قبول کند.

خ.....بی اعتبار.....برات صادر می کند

جمعتبر.....برات را قبول می کند

اما چگینی هیچ حساب و کتابی با خطبیه ندارد فقط بخاطر اینکه پسر خاله اش برگردد به بازار حاضر می شود این کار را کند . بعد تعهد

می کند اقای خطبیه من در آن تاریخ آن را وصول نمی کنم می گوید قبول می کنم ۶ ماه دیگر من خودم اینکارا می کنم اما این موضوعات به محمدی ارتباطی ندارد سر موعد می شود ۶ ماه رسید تجهیزات را هم گرفت پولش را گرفت ونداد ۶ ماه رسید چگینی دید که خبری نیست پولی نمی یاد بدهد اقای محمدی می گوید به من مربوط نیست می خواستی قبول نکنی خودم این اقرارا قبول نداشتمن چون حاضر نبودم هیچ سندی باو تنظیم کنم یعنی چی؟ باز در مقابل دارنده با حسن نیت قبول نیست برات سازشی یعنی اینکه این اقای برات گیر باید جواب دارنده را بدهد یعنی باید ۵۰۰ میلیون اقای تاجیک را پرداخت بکند بعد خودش برود سراغ خطبیه بی اعتبار به این می گویند برات سازشی این یک حالت آن است .

در هفته پیش گفتم جمع بین صادرکننده برات و برات گیر وجود ندارد ولی جمع بین صادرکننده و قبول کننده وجود دارد . جمع بین برات دهنده و دارنده برات یعنی چه منظور چیست؟ یعنی خطبیه یک تاجر بی اعتبار می خواهد با اقای محمدی معامله کند می رود سراغ پسر خاله اش می گوید برات را قبول کن

برات هم قبول می شود اما به نوعی معامله ای با محمدی انجام نمی شود یعنی سند همچنان در نزد خطیبی باقی می ماند این می شود جمع بین برات دهنده و دارنده برات یعنی یک شخص است در برات سازشی اینگونه است در این حالت تکلیف روشن است برات گیرهیچ پرداختی نباید انجام دهد معامله ای نشده رفتن با هم معامله ای بینشان نشد اصلا پای محمدی به میان نمی ایدخطیبی که تاجر ساده ای است این سند پیش او می ماند تا سرسید یعنی چگینی هیچ تعهدی نداده و پای شخص ثالث به میان نمی اید. ونکته خیلی مهم این است که برات سازشی خیلی نزدیک به خروج کردن است.



بنام او که عادل است و عدالتگر یگانه نگین عدل خداوند است و بس

عنوان درس: قبول و نکول برات

انتقال مالکیت در برات در چه زمانی صورت می‌گیرد؟ زمانیکه صادر گننده براتی را صادر می‌کند که می‌تواند خود اقای محمدی باشد و این برات توسط یک شخصی قبول می‌شود که می‌تواند جناب اقای قاسمی باشد و در اختیار یک متعهدله ای است که می‌تواند خانم جنیدی باشد حال این انتقالات مالکیت برات چه زمانی صورت می‌گیرد یعنی چه زمانی می‌توانیم این برات را جزء مایملک و دارائی‌های شخص متعهد له یا دارنده برات که خانم جنیدی است قرار دهیم.

گفته‌یم یک براتی صادر می‌شود که در اینجا اقای محمدی است و یک برات گیری اثرا قبول می‌کند که در اینجا اقای قاسمی است و یک متعهد له ای دارد که دارنده این برات محسوب می‌شود که در اینجا خانم جنیدی است چه زمانی می‌توانیم بگوئیم که انتقال مالکیت به دارنده و متعهد له ان صورت می‌گیرد؟ به محض صدور برات حتی قبل از سرسید برات از ید مالکیت صادر گننده خارج شده و به ید مالکیت دارنده یا متعهد له داده می‌شود نکته‌ی فوق العاده کنکوری هم بود.

اما به اینجا رساندیم که چه کسی برات کش است یا صادر گننده خود برات ماهیتا و جوهراًن چه چیزی است دارنده ان چه شخصی است و قبول گننده ان چه زمانی می‌شود گفت براتی قبول شده است و چه زمانی می‌شود گفت برات نکول شده است؟ ایا برات گیر ملزم به قبولی برات است یا خیر؟ ما باید صور مختلف آن را مورد بررسی قرار دهیم زمانیکه براتی صادر می‌شود یعنی وقتی خانم حیدری براتی را صادر می‌کند که ارزش آن ۵۰۰ میلیون تومان است به عهده چه کسی است؟ به عهده برات گیری که جناب اقای احمدی است بخاطر مرابدات تجاری که با همیگر دارند هر دو آنها تاجر طلا و جواهرات هستند مثلاً به خاطر ۱۰

کیلو خرید و فروش جواهراتی که با همدیگر داشتند اقای احمدی بدھکار است به خانم حیدری یعنی اینکه حالا که خانم حیدری دارد معامله ای را با خانم جنیدی انجام می دهد برای را به عهده اقای احمدی صادر می کند به نفع خانم جنیدی وقتی دارنده برات به برات گیر مراجعته می کند ایشان می گوید بله درست است بند ۵۰۰ میلیون بخاطر معامله ای که انجام داده ایم بدھکار هستم ولی من این را قبول نمی کنم هیچ دلیلی نداره یعنی می خواهیم بگیم که برات گیر علاوه رقم حتی بدھی خودش هیچ الزامی به قبولی برات ندارد می گوید ۵۰۰ میلیون چیه من ۱ میلیارد بدھی دارم اما نمی خواهم این برات را قبول کنم یعنی برات گیر الزامی به قبولی برات ندارد . اگر قبول نکرد که هیچ مسئولیتی در آینده نخواهد داشت اما اگر قبول کرد دیگر نمی تواند آن را فسخ نماید قبول کردن آن هم به چه شکلی است ؟ با امضا و مهر که بررسی کردیم در ماده ۲۲۳ از ق ۱۱۳ مصوب اگر قبول کرد دیگر نمی تواند فسخ کند قبول کرده این می شود موضوع مسئولیت برات گیر . اما در عرف و تجارت به چه شکلی است ؟ معمولاً وعلی الاصول برائی را که صادر کننده صادر کرده و در اختیار دارنده است برات گیر قبول می کند علی الاصول به این شکل است .

اما یک نکته فوق العاده کنکوری که نباید از آن غافل شد درباره نکول و قبول برات اینکه زمان قبولی چه موقع ای است ؟ برای مثال هاشمی برات را صادر کرده به عهده حیدری سررسیدش هم مشخص می کند ۶ ماه پس از صدور سررسید این برات می شود ۶ ماه از لحظه ای که هاشمی برات را صادر کرده، در اختیار چه کسی است ؟ جنیدی - جنیدی در چه زمانی باید به حیدری مراجعته کند ؟ در فاصله بین صدور برات تازمان سررسید برات زمانی است که دارنده می تواند به برات گیر مراجعته کند واخذ قبولی را دریافت کند . در زمان بین صدور برات تازمان سررسید برات که در مثال ما ۶ ماه دیگر است دارنده برات مخیر است که به متوجهد یا برات گیر که خانم حیدری است مراجعته کند واخذ قبولی بکند این **time** زمانی است .

اما معمولاً چه گونه است معمولاً دارنده برات که اینجا خانم جنیدی است خیلی سریع می رود و این کار را انجام می دهد تکلیف خودش را روشن می کند یعنی ببینه که حیدری قبول می کند یا نمی کند اما از نظر

زمانی از فاصله صدور تا فاصله سررسید **time** زمانی است که می تواند مراجعه بکند نکته اش خیلی مهم است.

برای را امروز ۸۹/۲/۱۷ خانم هاشمی صادر کرده سررسیدش ۶ ماه بعد است می شود ۸۹/۸/۱۷ در این فاصله زمانی دارنده برات می تو انداخت قبولی بکند از برات گیر حتی همین روز ۸۹/۸/۱۷ می تواند برود حال دقت می فرمائید این خیلی ساده است.

اما شروط ضمن عقدی هم ما می توانیم داشته باشیم در مدنی ۳ بیشتر این را می خوانید یک فرمول خیلی کلی بخواهم به شما بگویم که ارتباطی به درس تجارت ۳ ندارد یک فرمول کلی که بدرد دنیا و اخترتان می خورد ان چیست؟ در تمامی قراردادها اعم از تجاری و مدنی و در غالب تمام عقود شروط ضمن عقد قراردادی که به توافق و تراضی طرفین در غالب مراضات حاصله متعاملین می گنجد بر هر چیزی مقدم وارجع است می شود گفت چیزی شبیه ماده ۱۰ ق م تا جایی که مخالف قوانین و مقررات آمره نباشد یعنی شروط ضمن عقدی که طرفین بر مبنای آن قراردادی را امضا می کنند سندی را تشکیل می دهند بر هر چیزی ارجع می باشد یعنی ان چیزی که در فقه به آن می گوییم الناس تسلطون علی اموالهم واحوالهم مردم مخیر هستند در اموال ودارایی های خودشان هرگونه دخل و تصرف قراردادی امضا کنند وان را به اجرا بگذارند. یک حدیث نبوی از حضرت رسول (صل ال.. علیه واله وسلم) المؤمنون عند الشروط لهم مومنین باید پایبند به شروط خودشان است باشند العقود تابعه القصود این هم خوب است یاد بگیرید دقت می کنید اینها همه نشان دهنده این است که شروط خیلی مهم است.

توئی این مثال که در نظر گرفتد بین هاشمی صادر کننده و حیدری برات گیر و جنیدی دارنده سررسیدش ۶ ماه دیگر شرط ضمن عقد می شود علارقم اینکه سررسیدش ۶ ماه دیگر است شرط ضمن عقدی می شود که در ظرف ۱ هفته قبولی اخذ شود علارقم اینکه سررسیدش ۶ ماه دیگر است یعنی باید تا تاریخ ۸۹/۲/۲۴ این قبولی اخذ شود حتما باید به این پایبند باشیم توافق و تراضی طرفین است. یعنی جنیدی هاشمی توافق

می کنند که ظرف ۱ هفته قبولی باید از حیدری اخذ شود علی رقم اینکه سرسیدهش ۶ ماه دیگر است
حتما باید پایبند باشند اگر در ظرف ۱ هفته این کار را انجام نداد به عنوان ضمانت اجرایی دیگر برات هویت
نخواهد داشت خیلی مهم است وسیار ساده است به این می گویند شرط ضمن یک عقد در مورد سند
تجاری برات به همین سادگی ضمانت اجرا آن را می توانند خودشان پیش بینی کنند ضمانت اجرا آن این
باشد که اگر ظرف ۱ هفته قبولی را اخذ نکرد دیگر این سند تجاری محل و محمل نخواهد داشت به قولی
می توانیم بگوئیم سالبه به انتفاء موضوع است اگر پیش بینی نکرده باشند که اگر ظرف ۱ هفته قبولی
صورت نگرفت چه ضمانت اجرایی داشته باشد اگر پیش بینی نکند بنده به عنوان اظهار نظر بگویم با توجه
به اصل استحکام و پایمانندی واصل لزوم قراردادها مطابق ماده ۲۱۹ ق م من باشم می گویم باید پایبند به این
سند تجاری باشیم همیشه این را در ذهن داشته باشید سعی کنید قراردادها را با توجه به اصل لزوم واصل
استحکام قراردادها به آن پایبند باشید یا اینکه ترجیعاً سعی کنید آن را از بین ببریدفسخ و انفساخ یا ابطالش
کنید.

ماده ۲۲۸ ق ت می گوید شرایط شکلی برات چگونه باید باشد؟ اولین شرط این است که باید به شکل
كتبي باشد دومین شرط می گوید قبولی باید در خود سند باشد یعنی اگر اسمش را گذاشتیم برات قبولی
باید در خود این برات انجام شود نباید ضمن یک اوراق و یک سند جداگانه دیگری باشد هر چند که اگر ضمن
یک سند جداگانه ای بود شاید بهتر بود حداقل در صد مفقود شدن واژ بین رفتن آن کمتر بود ولئے قانون
پیش بینی کرده است.

تاریخ قبولی برات چیست و چه اهمیتی دارد؟ ماده ۲۲۹ ق ت مشعر از باب مفعل است و چون اسم فاعل
است حتما باید میم آن مضموم باشد و عین آن کسره باشد چون از اسم فاعل می اید بعد ان محل الیه که
در صدر آن است می دانید چه کسی است؟ برات گیراست. مشعر معنی فارسی اش می شود دائم

ماده ۲۳۰ ق ت تادیه نماید یعنی پرداخت کند. ماده ۲۳۱ ق ت - ماده ۲۳۲ اعتراض نماید را اینجا توضیح
می دهیم.

ماده ۲۳۳ همین مثالی بود که زدیم . ماده ۲۳۴ یادتان است که قبل از بررسی کردیم که مکان تادیه وجه برات اهمیت دارد از چه نظر ۱/ از نظر دادگاه صالح ۲/ از نظر پول رایج .

ماده ۲۳۵ ت برات باید به محض ارائه یا منتهی ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود یعنی وقتی که می گوییم برات حال است ۲۴ ساعت زمان وجود دارد .

حال برگردیم از اول بررسی کنیم حال ماده ۲۳۶ را بخوانید به اعتراض نکول یا پروتست

اما تاریخ قبولی برات را گفتیم که اهمیت خاص و ویژه‌ای دارد ۱- از نظر اینکه ایا برات گیر یا همان کسی که قبول کننده برات است ایا در زمان قبولی صلاحیت این قبولی را داشته است یعنی ایا اهلیت استیفاء داشته است منظور اینکه ورشکسته نبوده است قبل از توجه شدیم تاجری که ورشکستگی او اعلان می شود دیگر حق دخالت در امور خودش را ندارد یعنی اینکه مدیر تصفیه یا اداره امور تصفیه و ورشکستگی باید تمامی فعالیتها و اموال و مایملکش را اداره کند پس با ذکر تاریخ قبولی ما متوجه می شویم ایا او صلاحیت داشته است یا نه مشمول مقررات ورشکستگی بوده است که حق نداشته این کار را انجام بدهد چیزی که مربوط به تجارت ۴ است و این کاملا از حقوق فرانسه امده است .

۲- در زمانی است که براتی به وعده از تاریخ روئیت باشد تاریخ قبولی حائز اهمیت ویژه‌ای است چرا که تاریخ قبولی همان تاریخ روئیت است . و این تاریخ قبولی و تاریخ روئیت چه چیز را مشخص می کند ؟ سرسید برات را مشخص می کند یعنی تاریخ قبولی همان تاریخ روئیت است در جائی که برات به وعده از تاریخ روئیت باشد و این تاریخ قبولی که همان تاریخ روئیت است زمان سرسید را برای ما روشن

می کند . مثال حیدری صادر کننده هاشمی برات گیر جنیدی دارنده برات ۶ ماه از تاریخ روئیت ۸/۹/۹۶ زمان سرسید مشخص شد در زمانی که برات به وعده از تاریخ روئیت باشد .

۳- با دانستن تاریخ قبولی متوجه می شویم که ایا به شرط ضمن عقد آن توجه شده است یا نه

قرارشده، برای امروز صادر شده است و سرسیدهش را گذاشتیم ۶ ماه بعد شرطی گذاشتیم در آن که ظرف ۱ هفته قبولی انجام شود یعنی زمانی که جنیدی که دارنده است می برد پیش هاشمی که قبولی بگیرد آن موقع ای که ان را قبول می کند ایشان ظرف ۱ هفته می رود مثلا ۸۹/۳/۶ می رود هنوز ۱ هفته نشده می گوید درست است وقتی هاشمی ان را قبول می کند ذیل آن می نویسد ۸۹/۳/۶ مشخص می شود این time زمانی را رعایت کرده مشخص می شود شروط ضمن عقد رعایت شده . حال در نظر بگیرید قرارشده تا ۱ هفته قبولی را بگیرد ۱ هفته می شود تا ۸۹/۳/۱۳ اگر ۲۹ رفت و قبولی گرفت مشخص می شود که به شروط ضمن عقد توجه نشده است . این هم درباره اهمیت تاریخ قبولی که در مادتین ۲۳۱ و ۲۳۲ ق ت بررسی می شود اینجا هم که ماده ۲۲۹ و ۲۳۰ را با هم دیگر نگاه کردیم .

اما ببینیم نکول چیست ؟ نکول یعنی رد کردن عدم توجه کردن از طرف برات گیر که گفتم الزامی ندارد به قبولی برات

اما به چند شکل انجام می شود ؟ به ۳ شکل ۱ / بطور صریح اینکار را انجام می دهد اقای محمدی نگاه می کند می گوید نه من این برات را قبول نمی کنم ۲ / بطور ضمنی اینکار را انجام می دهد یعنی از قبول یا نکول امتناع

می کند حال بررسی کنیم قبول می کنم یا نه این هم خودش نشان دهنده نکول است . ۳ / نکول مشروط است در این حالت که نکول به صورت مشروط انجام می شود برات را می توان نکول شده محسوب کرد یعنی دارنده برات می تواند برات را نکول شده محسوب نماید واز امتیازات خاص نکول که در قانون تجارت پیش بینی شده است استفاده نماید . مثال حیدری صادر کننده جنیدی دارنده برات گیر قاسمی به اعتبار مایکون یعنی در اینده قرار است قبول کند قاسمی کسی که می خواهد برات را قبول کند در شیراز زندگی می کند برات در تبریز صادر شده یعنی حیدری ان را در تبریز صادر کرده و در اختیار دارنده برات که جنیدی است قرار داده که برود شیراز قبولی بگیرد در برات پیش بینی می شود که پرداخت در ماده ۲۲۴ ق ت دیدید که تصریح به مکان تادیه که در این ماده است مکان پرداخت برات تبریز مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان

سررسید ۶ ماه بعد از صدور اشکالی ندارد می بود نزد قاسمی می گوید ۶ ماه اشکالی ندارد تا آن موقع بدھی هم که دارم و مبلغ را قبول می کند نگاه می کند مکان تادیه تبریز می گوید نه من تبریز نمی روم من همین جا پرداخت می کنم یعنی عملاً ماهیت برات را دارد عوض می کنه دارد شرطی می گزارد دارد مشروطش می کند پس به این گویند نکول مشروط ولی هم می شود گفت قبول مشروط هر دو شکل آن درست است یا یک شکل دیگه ای است این جوری است همین مثال با همین ۳ نفر پرداخت در شیراز پیش بینی می شود ولی نگاه می کند اقای قاسمی می گوید نه حسابمان نزدیک ۴۰۰ میلیون است ۵۰۰ میلیون نمی تونم پرداخت کنم این هم می شود نکول مشروط و خود آن ۳ شکل دارد که چه کارهایی می شود انجام داد دارنده وقتی با این حالت مواجه شد ۳ راه را می تواند استفاده کند ۱- دارنده برات که خانم جنیدی است می تواند استفاده کند اینکه برات را به صورت مشروط قبول کند می گوید من می دانم و خانم حیدری منو مسخره کرده تا اینجا اورده .

۲- می تواند برات را به صورت مشروط قبول کند یعنی اینکه خانم جنیدی بگوید عیب ندارد حالا شما هم که داری فیلم در میاری اقای قاسمی موقع سررسید یک بار دیگر هم می ایم شیراز و می تواند قبول کند ۳- طرف می گوید ۵۰۰ میلیون نیست ۴۵۰ میلیون است باز می گوید عیب ندارد من برات را قبول می کنم پس چی شد ۱/ دارنده برات

می تواند نکول شده محسوب بکند ۲/ دارنده برات می تواند در حدود شرط قبول بکند ۳/ بینابین است که خودش ۲ حالت دارد ۱-۳ هم می شود برات را نکول شده محسوب بکند وهم در حدود شروط جدیدی که برات گیر گذاشته است مثل این ۲ مثال ما به برات گیر مراجعه کند واورا مسئول بداند اما در هر حال وقتی می گوییم برات را نکول شده محسوب بکند یعنی می رود نزد صادر کننده یعنی دیگر با برات گیر کاری ندارد ۲-۳ حتی می تواند به برات گیر هم در حدود شرط مراجعه کند یعنی عملاً به ۲ نفر می تواند مراجعه کند . اما از این نکته نباید غفلت کرد او فقط می تواند ۱ بار وصول نماید نمی تواند برود ۵۰۰ میلیون تومان را از صادر کننده بگیرد ۵۰۰ میلیون را از برات گیر بگیرد این مراجعه می شود با داراشدن بلا جهت

واستیفای ناروا و در نهایت دارنده فقط ۱ بار می‌تواند پول بگیرد می‌شود اینگونه تفسیر کرد که درباره هر دو آنها اقدام قانونی انجام می‌دهد هر کدام که زودتر پول را داد.

حال می‌ریم سراغ ماده ۲۳۷ و ۲۳۸ ق ت مزیت نکول چیست؟ زمانی که برای نکول می‌شود با لحاظ ماده ۲۳۷ ق ت دارنده برای توافع می‌تواند به برای دهنده که در اینجا خانم حیدری بود و به ظهرنویسان رجوع کرده واژ انها ضامن بخواهد در صورت امتناع از دادن ضامن توسط صادرکننده یا ظهرنویسان دین مؤجل حال می‌گردد واژ این موضوع باید غفلت کرد اما برای اینکه زمانی که نکول توسط برای گیر انجام می‌شود دارنده برای توافع از امتیازات نکول که همان حال شدن دین قبل از سرسید است استفاده نماید حتماً باید اعتراض و یا واخواست و یا پروتست انجام دهد در غیر این صورت نمی‌تواند از مزایای نکول برخوردار شود.

که در ماده ۲۳۶ ق ت - ماده ۲۳۷ ق ت اولین مسئولیتی که در مقابل دارنده دارند این است که ضامنی برای تادیه وجه آن درسر وعده بددهد دومین اینکه وجه برای توافع از اضمام مخارج اعتراض نامه و مخارج برای رجوعی اگر باشد فوراً تادیه نماید و در صورت امتناع صادرکننده یا ظهرنویسان از تمام این موارد ماده ۲۳۷ دین مؤجل حال می‌شود یعنی دین زمان دار حال می‌شود.

تکمل آن این است که در صورت عدم توجه به شروط ماده ۱۳۷ ق ت توسط صادرکننده یا ظهرنویسها در مقابل دارنده دین مؤجل حال می‌شود یعنی در این مثالی که زدیم؟ در صورت امتناع حیدری صادرکننده یا ظهرنویسان در مقابل جنیدی که دارنده است دین مؤجل حال می‌شود سرسیدش ۶ ماه دیگر بود دیگر برای گیر که گفت من پرداخت نمی‌کنم، برای گیر رفت کنار تکلیف این برای چیست؟

صادرکننده و ظهرنویسان با معرفی ضامن پرداخت این برای توافع را در سروعده تضمین می‌کنند اگر این کار را نکردن دین مؤجل حال می‌شود وهمین امروز باید نسبت به آن اقدامات قانونی انجام شود.

اما ببینیم اعتراض واخواست پروتست چیست؟ در ماده ۲۳۶ به این توجه شده خود واخواست یا واخواست نکول است یا واخواست عدم تادیه است در ماده ۲۳۷ و ۲۳۸ این موضوع بررسی شده.

اعتراض یا واخواست عبارتند از تأیید امری خاص به صورت رسمی . اینها مشابهتها و تفاوت هایی دارد که موضوع جلسه اینده یمان است که خواهیم گفت .



بنام او که افرید سپیده دم را تا منور کند به نور عدالت جهان سیه را

عنوان درس : بررسی مادتین ۲۸۴ و ۲۸۵

اگر خاطر عزیزان باشد درباره اعتراض پروتست یا واخواست است که جلسه قبل بر روی برد بود دیگر این جلسه تکرار نکردم ماده ۲۳۶ ق ت این اعتراض به دو دسته تقسیم می شود این اعتراض یا اعتراض پروتست واخواست نکول است یا این اعتراض پروتست واخواست عدم تادیه است که با همدیگر شباهتها و تفاوتها دارند این تفاوتها و شباهتها دارای اهمیت خاصی است یکی از موارد آن در ماده ۲۳۷ امده و دیگری در ماده ۲۳۸ امده یعنی ما یک اعتراض نکول داریم یک اعتراض عدم تادیه داریم ماده ۲۳۷

جلسه گذشته در مورد قبولی و نکول برات صحبت کردیم . نکول و ماهیت ان یعنی چه ؟ نکول یعنی رد کردن ماده ۲۳۸ ق ت بهتر است بگوییم مرسوم است به اعتراض واخواست یا پروتست .

اعتراض به ۲ قسم تقسیم می شود یا اعتراض پروتست واخواست نکول است یا واخواست عدم تادیه که با همدیگر شباهتها و تفاوتها دارند این شباهتها و تفاوتها در ماده ۲۳۷ و ۲۳۸ ق ت امده اینجا ما یک اعتراض نکول داریم یک اعتراض عدم تادیه اگر به صدر ماده ۲۳۷ ق ت نگاه کنید نوشته اعتراض نکول که اینرا باید داخل دایره ای بگذارید و در اول ماده ۲۳۸ ق ت عدم تادیه را داخل یک گردی بگذارید پس ما ۲ تا چیز داریم اینها یک قدری با هم تفاوت دارند .

شباهتها : ۱- هر دوی اعتراضها با ید به صورت کتبی باشد ما اعتراض نکول و اعتراض عدم تادیه به صورت شفاهی نداریم .

۲- هردو در ۳ نسخه تنظیم می شود که در قسمت راست آن مندرجات برات نوشته می شود تاریخ سرسید صادر کننده و چیزهای شبیه به این در سمت چپ ان شماره ثبت دفتر و مرجع رسیدگی کننده اش ذکر می شود که کدام مرجع دارد رسیدگی می کند .

۳- حتما باید الصاق تمبر صورت بگیرد به ازای هر ۱۰۰۰ تومان ۲۲/۵ تومان باید الصاق تمبر صورت بگیرد یعنی باید تمبر باطل شود و این واخواست چه نکول و چه عدم تادیه باید تسلیم اداری واخواست دادگستری شود یعنی ما دایره ای داریم بنام دایره واخواست که این دایره در هر مجمع قضائی وجود دارد که ریاست از رئیس مجمع قضائی یا رئیس کل دادگستری بر عهده دارد .

۴- در ضمن هردو آنها باید ابلاغ واخواست شود .

تفاوتهاي واخواست نکول و واخواست عدم تادیه :

مطابق ماده ۲۳۷ ق ت در مورد نکول دارنده سند می تواند به برات دهنده و ظهر نویس مراجعه کند و در صورت عدم معرفی ضامن از سوی این افراد دین معجل حال می شود اما در برات عدم تادیه چنین چیزی موضوعیت ندارد یعنی چنین ضمانت اجرائی نداریم .

در ضمن در واخواست نکول مهلت معین نشده اما در واخواست عدم تادیه مطابق ماده ۲۸۰ ما مهلت داریم که این مهلت از تاریخ سرسید و تاریخ وعده است و ماده ۲۷۹ ق ت روز وعده همان تاریخ سرسید است پس متوجه شدیم در واخواست عدم تادیه یک مهلت ۱۰ روزه داریم اما در واخواست نکول چنین نیست .

واخواست نکول فقط برای برات است اما واخواست عدم تادیه هم برای برات است و هم برای سفته یا فته طلب است .

حال تکلیف چک در این وسط چیست؟ آیا در مورد چک نیاز به صدور واخواست عدم تادیه است یا خیر ؟ چک برای سال ۱۳۱۱ است مقررات خاص ان در قانون سال ۱۳۵۵ قانون چک تخصیص خورده با ق ت

يعنى جدآش و در سال ۱۳۷۲ اصلاحیه خورد و در سال ۱۳۸۲ باز هم چک اصلاحیه خورد با توجه به مقررات چک مصوب ۱۳۸۲ نیاز به صدور عدم تادیه نداریم بلکه با توجه به اینکه بانک گواهی عدم پرداخت صادر می کند مکفی است و دیگر نیازی به واحواست عدم تادیه نداریم .چون بانک محال علیه گواهی صادر می کند بنام گواهی عدم پرداخت در زمانی که وجه چک کارسازی نمی شود به همین خاطر به این گواهی می گوئیم گواهی عدم پرداخت مکفی است برای طرح هر گونه دعوا و شکایت از تجاری و اعم از کیفری و هیئت عمومی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۶۹ رای وحدت رویه ای صادر کرد که گواهی عدم پرداخت مکفی است برای چک نیاز به عدم تادیه ندارد .

خود عدم واحواست تادیه امتیازی است برای چک چون واحواست عدم تادیه بابت هر ۱۰۰۰ تومان باید ۲۲/۵ تومان بابت هر ۱۰۰۰ تومان الصاق تمبر وجود ندارد یعنی از لحاظ مالی هم چک به صرفه است یعنی چک به صرفه تراز سایر استناد است این هم از این موضوع که کاملاً روشن است .

حال به بررسی مادتین ۲۸۴ و ۲۸۵ در ق ت بپردازیم ماده ۲۸۴ ق ت برای اظهار نامه ئ رسمی است باید از طرف ۱۰ روز از تاریخ اعتراض ،توجه بسیاری کرد ماده ۲۸۵ ق ت به ید ماقبل خود اصلاح می دهند آن چیزی که در ماده ۲۸۴ و ۲۸۵ ق ت وجود دارد موضوعی است قابل بحث در مورد ماده ۲۸۴ و ۲۸۵ اگر ۱۰ روز مورد نظر برای ارسال اظهارنامه رعایت شود .

ایا حق مراجعت دارنده به صادرکننده و ظهر نویسان از بین می رود یا

خیر ؟

يعنى ایا با توجه به عدم رعایت ماده ۲۸۴ و ماده ۲۸۵ ایا دارنده دیگر حق مراجعت به صادر کننده و ظهر نویسها را ندارند ؟

در این زمینه رایی از دیوان کشور داریم رای وحدت رویه دیوان کشور در این زمینه می گوید عدم ارسال اطلاعیه موجب سلب مراجعه دارنده سند نخواهد شد یعنی اینکه علی رقم عدم رعایت مهلت ۱۰ روزه برای ارسال اظهارنامه هم چنان دارنده حق مراجعه به صادر کننده و یا ظهر نویسها را دارد پس می بینید که دیگر صحبت از برانگیر نیست چون برانگیر دیگر وجود ندارد چون اصلاً برانگیر قبول نکرد صحبت از صادر کننده و ظهر نویسی است یعنی در اینجا علی رقم عدم ارسال اطلاعیه کلیه امضاکنندگان اعم از ظهر نویسها و صادر کننده همچنان مسئولیت دارنده و مادتین ۲۸۴ و ۲۸۵ ق ت در این موضوع ماهیتی ندارد این با توجه به رای وحدت رویه دیوان کشور می گوییم اصلاً رای وحدت رویه دیوان کشور چیست ضمانت اجرائی دارد؟ و یه چه شکلی صادر می شود؟

زمانیکه هیئت عمومی دیوان عالی کشور رای را صادر می کنداش رای مثل قانون است به خاطر این است که می گوییم دیوان کشور تنها مرجعی که حق صدور قانون دارد فقط مجلس است اگر به جز این دستگاه بخواهد قانون گذاری کند خلاف قانون اساسی است . تنها مورد به جز مجلس رای وحدت رویه دیوان است و یک مورد دیگر هم دیوان عدالت اداری، انجا هم رای هیئت عمومی و دیوان عدالت اداری در حکم قانون است این موضوع را فراموش نکنید بخاطر این مهلت ۱۰ روزه فقط برای ارسال اظهارنامه است . انجا که صحبت از اعتراض می کنیم حتماً باید مهلت ۱۰ روز رعایت شود و گرنه حق مراجعه به ظهر نویسها از بین می رود بخاطر این گفتهایم زیرا اظهارنامه تاکید موکد بفرمائید .

قبولی شخص ثالث : مادتین ۲۳۹ و ۲۴۰

قبولی در صورتی محقق می شود ماده ۲۳۹ ق ت صحبت از برانگیر نمی کند چون برانگیر نکول کرد و دیگر هم اسم آن نیست و مسئولیتی ندارد هر چیزی است برای صادر کننده است و ظهر نویسها .

قبولی شخص ثالث هم باید کتبی باشد نه شفاهی ماده ۲۴۰ صحبت اینکه شخص ثالث مجانية هم انجام نداده آن حق و حقوق به عنوان دارنده سند برای او محفوظ خواهد بود ماده ۲۶۵ ق م اینرا می گوید هر کس کاری انجام می دهد مستحق دریافت اجرتی است در عالم حقوق هیچ کس کاری مجانية انجام نمی

دهد و هیچ کار مجانی موضوعیت ندارد ژاک ورژردی وکیل بزرگ در دنیا می گوید که وی کسی بود که از طارق عزیز معاون صدام دفاع کرده آن می گوید اگر از یک وکیل یا حقوقدانی بخواهی که رایگان و مجانی دفاعی را انجام بدهد دفاع واقعی معنا پیدا نمی کند.

پس قبولی با توجه به ماده ۲۳۹ و ۲۴۰ ق ت به ۲ صورت انجام می شود :
۱- در زمان صدور برات زمانیکه براتی دارد صادر می شود در خود برات پیش بینی می شود که جهت نکول براتگیر رجوع به شخص ثالثی جهت اخذ قبولی وجود داشته باشد . مثال می زنم برایتان یعنی اقای قیداری براتی صادر می کند به عنوان صادر کننده برات براتگیر آن که در اینده قرار است به آن مراجعه شود خانم قاسمی باشد دارنده برات هم جناب اقای تاجیک است در همینجا پیش بینی می شود زمانیکه برات دارد صادر می شود اگر خانم قاسمی که قرار است برات را قبول کند نکول کرد رجوع به شخص ثالثی به نام خانم هاشمی وجود داشته باشد این می شود پیش بینی در خود سند اولیه که می گوید اگر براتگیر نکول کرد خود صادر کننده پیش بینی می کند که مراجعه کند به شخص ثالث و از آن قبولی را اخذ کند .

۲- در خود سند هیچ گونه پیش بینی صورت نگرفته بابت اینکه اگر برات را براتگیر نکول کرد هیچ گونه پیش بینی نشده و یک شخص ثالثی به میل خود اینکار را انجام می دهد و شخص ثالث این برات را قبول می کند که این شخص ثالث تمام حق و حقوقش حفظ است واز امتیاز دارنده سند استفاده می کند و در عین حال و یک نکته ای که خیلی مهم است این است که این شخص ثالثی که از آن صحبت می کنیم باید بینیم برات را به نفع چه کسی دارد قبول می کند یک ملاک در ژنو داریم و یک ملاک در ایران داریم یعنی که یک شخصی براتی را صادر کرده یعنی صادر کننده آن است **a** یک شخصی دارنده آن است اسم آن را گذاشتیم **b** این برات قرار بود توسط یک شخصی به عنوان براتگیر آن را قبول کند که نشده پس براتگیر از دور خارج می شود و این براتی که نزد دارنده است در مثال این در چند نوبت هم ظهر نویسی شده یعنی **c** معامله کرده داده است به **f** وهمینطور ادامه داشته باشد حال این شخص ثالث بیکاری که پیدا شده می خواهد برات را قبول کند براتی که توسط براتگیر نکول شده چون اگر این

پرداخت می کرد دیگر شخص ثالثی موضوعیت پیدا نمی کرد همه این موضوعیت بخاطر این است که این برانگیر خودش را کشیده کنار این یک فرمول ریاضی است اما بسیار ساده حال که این اتفاق افتاده یعنی این برانگیر رفته است کنار این فرد شخص ثالث پیدا شده

می گوید من از طرف **C** می خواهم این قبولی را انجام بدهم یعنی ایادی مقابل را کاری ندارد فقط افراد از خود **C** و بعد از آن برئ الذمه می شوند این افراد همچنان مسئولیتشان موجودیت دارد . مواد قانونی را می خوانیم تا این موضوع کاملتر شود ماده ۲۷۳ ق ت محل علیه در ماده ۲۷۳ ق ت برانگیر است می گوید همه این داستانها را این خانم یا آقای برانگیر به وجود اورده اگر در نهایت تحت هر شرایطی برانگیر حاضر شد این پرداخت را انجام بدهد بر هر شخص ثالثی ارجاعیت دارد و دیگر شخص ثالث ترجیع بلا مرجع است چرا که خود برانگیر حاضر شده این پرداخت را انجام بدهد نکته اش خیلی مهم است و سوالی که می خواهم مطرح کنم در حد دکترا است و سوال این است که اگر شخص ثالثی که قبولی را انجام داده مطابق ماده ۲۳۹ و ۲۴۰ و ذکر نکرد از طرف چه کسی پرداخت میکند تکلیف چیست ؟ خوب ما تفسیر به آن می کنیم که افراد بیشتری را برئ الذمه می شوند و کسی که بیشترین افراد را برئ الذمه می کند بگیم از طرف **a** قبول کرده در این حالت علاوه براینکه **a** که صادر کننده است را برئ الذمه می شود تمامی ایادی بعد از آن نیز برئ الذمه می شوند . بسیار نکته اش کنکوری است در عین حال بسیار ساده است .

ماده ۲۷۲ ق ت پس از فرمول و ملاک ماده ۲۷۲ هم متوجه می شویم که استفاده از این ماده قانونی یک قاعده کلی قراردادی و تجاری و بیزینسی است در جایکه ثالث نظر روئی یکی از مسئولین سند یا ظهر نویسها را دارد فقط افراد بعد از آن برئ الذمه خواهند شد یا ایادی بعد از آن برئ الذمه خواهد شد و به ایادی مقابل سراحت نخواهد کرد . ماده ۲۷۱ ق ت باز همانی است که گفتیم مطابق ماده ۲۶۵ ق م هیچ کس تبرعی و مجانية کاری را انجام نمی دهد . ماده ۲۷۰ ق ت این شخص ثالث می تواند هر کسی باشد یک فرد پولدار باشد، یک فرد بیکار باشد یا می تواند فامیل باشد، دوست می توند باشد یا مادر بزرگ من و شما می توانید باشید .

حال مبایم در ضمان برات ماده ۲۴۹ ق ت انتهای ان می گوید مسئولیت تضامنی ضامن مستقل نیست بلکه ضامن همراه با مضمون عنه خود مسئولیت دارد مضمون عنه کسی است که از او ضمانت به عمل اوردیم . ماده ۲۳۷ صحبت از ضمانت می کند و ماده ۲۳۸ صحبت از ضمانت و ضمان می کند یک جای دیگر هم داریم که این فرمول کلی است توافق طرفین و دادن ضمان در خود سند همان چیزی است که می گوییم مطابق توافق و مراضات حاصله طرفین شرط ضمن عقد می تواند هر گونه مسئولیت و تعهدی را به نفع هر متعهد له ای به وجود آید در غالب توافق طرفین در ضمن یک سند مثل قاعده حقوقی المومنوں عند الشوطهم که حدیث نبوی است صل الـ علیه واله وسلم می فرمایند مومنین پایبند به شروط ضمن عقد خود هستند . العقود تابعه القصود هر عقدی تابع قصد مشترک طرفین و مراضات حاصلشان است . الناس یسلطون علی اموالهم واحوالهم همه مردم نسبت اموالشان حق هر گونه توافق و تراضی را دارند یا ماده ۱۰ ق م یا تکلوا اموالکم بینکم للباطل الا ان تكون تجاران تراضی منکم یعنی حتما باید به تعهدات خود پایبند باشید تا جائی که مطابق شرع و قانون باشد . و حال بریم سر ماده ۶۸۴ ق م صحبت از عقد ضمان می کند و ماده ۲۹۲ ق م بند ۲ وقتی که ثالث بارضایت متعهد له قبول کند که دین متعهد را قبول نماید این بند ۲ ماده ۲۹۲ هم شبیه به ضمان است چه در عقد ضمان تجاري چه در عقد ضمان مدنی با لحاظ این مادتین قانونی و توجه کردن به ماده ۲۷۳ ق ت باز می خواهیم از یکسری فرمولهای استفاده کنیم . ضمان حتما باید تصریح کند و با کمال دقت مشخص کند که از چه کسی ضمانت به عمل می اورد یعنی باید مضمون عنه خودش را روشن نماید اما اگر این کار را انجام نداد چطور ؟ شخصی ضمانت می کند از دیگری اما مشخص نمی کند از چه کسی پس حال باز هم از ماده ۲۷۳ ق ت استفاده می کنیم یعنی تفسیر موثق می کنیم حالتی که ضمانت شده است افراد بیشتری برئ الذمه می شوند یعنی افراد بیشتری تحت ضمانت از مضمون عنه قرار بگیرند یکبار دیگر ماده ۲۷۳ ق ت را نگاه می کنیم اما انجائی که صحبت از این می کنیم که مسئولیت ضامن مستقل و جدا نیست مثل اینکه ظهر نویسی بخاطر عدم رعایت مهلت قانونی از سوی دارنده مسئولیت آن از بین رفت حتما مسئولیت ضامن هم از بین خواهد رفت در چک هم اینگونه است وهم در برات خلاصه بخواهیم بگوییم اینگونه است که با توجه به ق ت با لحاظ انتهای ماده ۲۴۹ ق ت وبا توجه به

مادتین ۲۷۳ ق ت و جائی که میگوئیم اگر مسئولیت مضمون عنه از بین بود مسئولیت ضامن هم از بین خواهد رفت به طور مثال درصورت عدم اقدام و اخواست در مهلت مقرر حق رجوع به ظهر نویسها از بین خواهد رفت یعنی وقتیکه رجوع به ظهر نویسان از بین می رود واز این ظهر نویس ضمانی به عمل آمده باشد به طریق اولی رجوع به ضامن آن از بین خواهد رفت یعنی اگر ضامن از ظهر نویسی ضمانت به عمل آورده باشد به هر دلیلی مسئولیت ظهر نویس مضمون عنه از بین می رود حتماً ضامن هم مسئولیت نخواهد داشت.

جلسه ۹

گم گشته مقدس داریم که عنوانش عدالت عالم است کجا می توان یافت راه جز راهی که عنوانش خداوندگار عالم است

عنوان درس : انواع ظهر نویسی

جلسه گذشته تقسیم بندی کردیم پرداخت تادیه توسط شخص ثالث را که به دو صورت انجام می شد گفتیم یکی در خودبرات پیش بینی شده و دیگری اینکه در برات پیش بینی نشده و این شخص ثالث مجانية اینکاررا انجام نمی دهد به عنوان یک اصل گفتم درنظر داشته باشید درکلیه واحدهای قراردادی و تجاری بندۀ وام گرفتم از قانون مدنی ماده ۲۶۵ که اشاره شده کسی به صورت تبرعی و مجانية کاری را انجام نمی دهد و یادم است که یک مثال از ژاک ورژر زدم که حقوقدان فرانسوی است آن می گوید وقتی از یک حقوقدان می خواهید مجانية کاری را انجام بدهد هیچ وقت دفاع واقع ای صورت نمی گیرد . اگر شخص ثالثی پیدا شد امد دیون را پرداخت کرد سندی را وصول کرد و تمام دیون یک شخص را پرداخت و تادیه کرد این اصل براین نیست که بصورت مجانية انجام داده بلکه از تمامی حقوقی که آن شخص از طرف آن پرداخت

کرده آن شخص برخوردار است بخاطر این می گوییم از تمام حقوق دارنده برخوردار است یعنی اگر شخصی یک دینی را لازم داشت کرد آن جایگزین شخص طلبکار می شود مثل چی می ماند؟ یک چکی پرداخت نمی شود، کارسازی نمی شود شما از طرف شخص مدیون اثرا پرداخت می کنید یعنی از کسی که دارنده آن سند است آنرا می گیرید اما شمائی که فلحال پرداخت کردید و فلحال این چک را در اختیار گرفتید از تمامی حقوق احتمالی و قانونی دارنده اصلی سند برخوردار هستید یعنی از تمام حقوق از بابت شکایت کیفری از بابت طرح دادخواست از بابت مطالبه خسارت از بابت هر ان چیزی که یک دارنده سند برخوردار است شما که پرداخت را انجام دادید هم برخوردار هستید و حقوق قانونی برای شما کاملاً متصور است اگر بخواهیم بحث تفکیک مسائل تجاری و مدنی را بگوییم درامر تجاری حتی اگر در حدود اذن هم نباشد چون روابط، روابط تجاری است و مسئله مالی حرف اول و اخر را می زند هیچ کس به صورت تبرعی کاری را انجام نمی دهد و نیاز به آن هم ندارد یعنی قانون به آن این اجازه را داده . اگر یادتان باشد اعتراض یا واخواست دو دسته بودند انها چه بودن؟ ۱- نکول ۲- عدم تادیه که نکول برای برات است و عدم تادیه هم برای برات وهم برای سفته یا فته طلب

قبولی شخص ثالث به دو صورت انجام می شد قبولی شخص ثالث در جائی که فضول است چه چیزی بود؟ یا در خود سند پیش بینی شده یا نشده اگر پیش بینی شده باشد شخص ثالثی پیدا می شود و از تمام حقوق و حقوقش برخوردار می شود .

ظهر نویسی از نظر ادبیات فارسی چه چیزی است؟ یعنی پشت نویسی

اما ان چیزی که از ظهر نویسی استخراج میشود همان پشت نویسی کردن که در اسناد هم از چک -سفته و برات وجود دارد و قابل قبول است و در قانون تجارت هم این موضوع پیش بینی شده است اما اگر ظهر نویسی به صورت مطلق باشد یعنی ذکر نشده که این ظهر نویسی به منظور انتقال است یا وکالت و وثیقه فقط عبارت عام ظهر نویسی نوشته شود ما تفسیر به ظهر نویسی انتقال می کنیم و اگر لحاظ و منظور ما ظهر نویسی به عنوان وکالت و ظهر نویسی به عنوان وثیقه باشد حتماً نیاز به تصریح دارد . مثال می زنیم این

اقای قاسمی یک سند تجاری را صادر می کند اسم آن را می گذاریم برات قرار است این برات را خانم حیدری قبول کند و دارنده این سند جناب اقای محمدی است حال این دارنده حق دارد این را انتقال بدهد ماهیت اسناد تجاری است این سند دستش است بجای اینکه با پول نقد معامله کند با حسن قلئ خان به طور مثال بخواهد ۱۰ تراکتور از او بخرد این سندی راکه در اختیارش است را به ارزش ۵۰۰ میلیون تومان است می رود نزد حسن قلئ خان این تراکتور ها را از او می خرد و این سند را ظهر نویسی می کند و در اختیار حسن قلئ خان می گذارد حسن قلئ خان مراجعه می کند به اقای مشهدی و با آن یک معامله ای را انجام می دهد و به آن انتقال می دهد اقای مشهدی معامله ای انجام می دهد با خانم قاسمی و انرا انتقال می دهد اینها همه دال بر ظهر نویسی به صورت انتقال است و به **n** توان می تواند انتقال دهد .

ما در ق ت با مطالعه بحث مربوط به برات عنوان کردیم که حواله کرد کاربرد ندارد بند ۷ ماده ۲۲۳ ق ت را نگاه کنید گفته ایم با لحاظ ماده ۲۴۵ ظهر نویسی و حواله کرد هر دو یک معنای واحد را دارند پس وقتی به صراحة ماده ۲۴۵ می گوید انتقال برات به وسیله ظهر نویسی عملأ حواله کرد کاربردی ندارد یا برات در وجه شخص معین است یعنی حق انتقال به شخص دیگری را نداریم ابتدای ماده ۲۲۳ عنوان کرده می گوید برات دروجه شخص معین است و گفته حواله کرد اما با بودن ماده ۲۴۵ این عبارت حواله کرد به نظر من هیچ کاربردی ندارد چون انتقال برات با ظهر نویسی است .

اما مکانیسم انتقال چگونه است؟ هم در ایران وهم در ژنو ظهر نویسی باعث انتقال می شود ماده ۲۴۵ عدم بار حقوقی حواله کرد را در این ماده ذکر می کند .

ماده ۲۴۶ ق ت را نگاه کنید با وجود این ماده برایمان روشن می شود که یکسری شروط الزامی در ظهر نویسی وجود دارد و یکسری شروط اختیاری در عبارت می گوید باید یعنی دستوری است اولین شرط الزامی بودن در ظهر نویسی چه چیزی است؟ ۱- ظهر نویسی با امضا قابل انتقال است ۲- ظهر نویسی کتبی باشد ۳- ظهر نویسی باید در خود سند صورت بگیرد .

ایا روئ سند هم امکان ظهرنویسی وجود دارد؟ دقت بفرمایید ما یک سند تجاری داریم نوشته ایم در وجه جناب اقای محمدی حواله کردان هم خط نمی خورد در اینجا که چک است اگر برات بود قطعاً با ظهر نویسی قابل انتقال است اگر در وجه شخص معین نباشد خوب ما در پشت سند شخصی که به نامش است سند ازرا با ظهر نویسی انتقال می دهد یعنی اقای محمدی که دارنده این سند محسوب می شود ازرا ظهر نویسی می کند و انتقال می دهد به خانم جنیدی و خانم جنیدی هم با شخص دیگری معامله می کند و ازرا انتقال می دهد به خانم قاسمی حالا می خواهیم ببینیم اگر ظهر نویسی بجای اینکه در پشت سند انجام شود در روئ سند انجام شد چه ضمانت اجرائی دارد؟ چون در هیچ کجای قانون تاکید برای نکرده که اگر ظهر نویسی برروئ سند انجام شد و ان سند به قول شما مخدوش می شود یا از درجه اعتبار ساقط می شود پیش بینی از این حیث نکرده که ظهرنویسی حتماً باید در پشت سند انجام شود به نظرم نمی اید به ماهیت ان سند خللی وارد اورد یعنی ظهر نویسی هم می تواند در پشت سند صورت بگیرد و هم می تواند در روئ سند صورت بگیرد از حیث غلبه واژ حیث عبارت ادبی است که می گوییم ظهر نویسی در پشت سند صورت می گیرد و گرنه در هیچ کجایی از قانون تخصیصی و غیر تخصیصی ذکر نشده که اگر ظهر نویسی روئ سند انجام شد ازرا از درجه اعتبار ساقط می کند این نکته ای فوق العاده کنکوری بود.

پس اگر ظهر نویسی روئ سند انجام شد به شرطی که ظهر نویسی کاملاً روشن باشد و سند را دچار شک و تردید نکند و به هر شکل کاملاً مشخص باشد که ظهر نویسی از حیث انتقال است این سند کاملاً دارای منافع اعتبار است ما نمی توانیم هر سندی را که دلمان خواست را باطل کنیم.

نکته کلیدی که پرسیدید چه قدر ظهرنویسی می شود انجام داد؟ عرض کردم به توان **n** یعنی اصلاً هیچ کجا محدودیتی قائل نشده واقعاً هم ممکن است اینطور باشد یک سندی شاید ۱۰۰ بار انتقال صورت بگیرد اینکه مثلاً سند زمان دار است تا موعد سررسید آن ممکن است ۵۰ معامله بر روی آن انجام شود. اما حال اگر پشتیش پر شد روی آن هم پر شد تکلیف چیست؟ از یک ملاک ثابت در این زمینه استفاده می کنیم ما در قانون ثبت ماده قانونی داریم که عنوان می کند اگر ان سطوح نقل و انتقالات سندی پر شد اداره ثبت

به در خواست ذی نفع و مالک سند متمم صادر می کند در قانون پیش بینی شده به در خواست ذی نفع و مالک اداره ثبت مکلف است با صدور سند متمم یکی دیگر مثل خودآن بیاورد و بچسباند کنار آن و مجدداً انرا مهر و پلمپ کند تا باز بتواند نقل و انتقال مجدد صورت بگیرد و ادامه پیدا کند . حال تکلیف چیست چه تفسیری کنیم ؟ به نظرم می اید هیچ کجандیدم نسبت به این موضوع تفسیر شود ولئے من به نظرمن این موضوع موضوع درستی است وق ث به ق ت خیلی نزدیک است اگر زمانی سند تجاری را داشتیم که سلطون آن پر شد ظهر نویسی دیگر جا نداشت با توافق طرفین یعنی اخرين دارنده سند و انتقال گیرنده جدید عنوان شود یک برگه ضمیمه سند پر شد به این عنوان که این ید به ظهر نویسی به اقا یا خانم فلانی انتقال گردید همین به نظرم کفايت می کند تا ظهر نویسی معطل نماند نکته خیلی مهم اینکه ظهر نویسها مسئولیت کیفری ندارند همیشه صادر کننده مسئولیت کیفری دارد.

اما یکسری شروط اختیاری است که در این ماده ۲۴۶ ق ت به ان اشاره شده پس یکی از شروط اختیاری مربوط به ظهر نویسی و ذکر تاریخ ظهر نویسی است .

نکته مهم این است که اینرا یعنی تاریخ ظهر نویسی را با تاریخ صدور اشتباه نکنید صحبت ما در ظهر نویسی است در ظهر نویسی تاریخ ظهر نویسی اجباری نیست نه درباره صدور اما اگر تاریخ ظهر نویسی را نوشته اند موقع دیگر مسائلی دارد شما تاریخ ظهر نویس تان باید دقیقاً به تاریخ خودش باشد نمی شود تاریخ متعددی را بزنید . یعنی سندی وجود دارد ظهر نویسی شد رسید به این پویا امروز ۸۸/۹/۳ است می خواهد بابت همین معامله ۳ کیلو طلا را انتقال دهد به اقای دولتخواه نمی تواند تاریخ آن را بزند ۸۸/۹/۳ حال به هر دلیلی که خودشان دوست دارند هر فکر شومی که دارند یا هر چیز دیگری بلا تشبيه البته مثلاً یک دلیل آن ممکن است بخاطر آن تاریخ ورشکته باشد خیلی مهم است شخصی که ورشکسته باشد نمی تواند سندی را انتقال دهد اگر این کار را کند مشمول این ماده قانونی می شود ماده ۲۴۸ می رو د توئ پروسه کیفری خدایه داد کسی برسد که یک چنین کاری کرده .

دوم اسم کسی که با ظهرنویسی مالک می شود یعنی اگر پویا خواست انتقال دهد به دولتخواه می تواند اسم دولتخواه را بنویسد و اجرای هم نیست . سوم علت ظهر نویسی است پویا می تواند بنویسد من با ظهر نویسی در تاریخ ۸۹/۹/۳ این سند را به دولتخواه بابت ۳ کیلو طلا انتقال دادم که می تواند بنویسد می توند هم ننویسد .

اما ایا ظهرنویسی مشروط هم داریم ؟ قانون ساكت است این ظهر نویسی مشروط هم مثل نکول مشروط است یادتان است اقای محمدی در تبریز بود سندی را صادر کرد و در اختیار اقای قاسمی که در شیراز بود گذاشت و گفت من حوصله ندارم بیام و این مثال آن است اما این دفعه از حیث ظهر نویسی است نه از حیث نکول و از حیث براتگیر شخصیت آن متفاوت است . اینجا دیگر طرف حساب آن براتگیر نیست بلکه ظهر نویس است مثلا همان سند را دنبال کنیم چرخیده و چرخیده رسیده به دست خانم هاشمی و خانم هاشمی می خواهد معامله ای انجام دهد با جناب اقای مشهدی ظهرنویسی هم می کند اما در ظهر نویسی اش یک کمی دستی به قلم می برد می گوید من حقوقدام و می نویسد این ظهرنویسی در صورتی معتبر است که ظرف ۱ ماه اینده اقای مشهدی ۵ کیلو طلای ناب ۱۸ عیار به من انتقال دهد چیزی که اصلا ارتباطی له این سند ندارد یعنی ظهر نویسی را مشروط کرده به آن ۵ کیلو طلا ناب ۱۸ عیار اینجا قانون تجارت ساكت است اما از یک ملاک قانونی در ق ج می توانیم استفاده کنیم ق ج مصوب ۱۳۷۲ ماده ۳ می گوید ظهر نویسی درست است اما شرط قابل اثر نیست .

پس با توجه به ماده ۳ ق ج سال ۷۲ ظهرنویسی مشروط انجام شد ظهرنویسی صحیح است اما شرط قابل قبول و ترتیب اثر قبولی نیست و کان لم یکن است یعنی از درجه اعتبار ساقط است و فاقد درجه اعتباری است . حال از نظر حقوقی قابل پیگیری است ؟ قطعا قابل پیگیری است یعنی شرطی را قید کرده و تعهدکرده حداقل آن اینکه در چارچوب روابط مدنی قابل پیگیری است این را با توجه به قواعدی که از کامنلا امده و توی آن کتاب خسارات قابل جبران در حقوق ایران خیلی در موردآن بحث کردم . از نظر

تجاری قابل قبول نیست ولئن نه اینکه کاملاً قابل پیگیری نیست حتماً در یک رابطه قراردادی اینها قابل قبول است قلت چارچوبها و فرمولهای خاصی دارد اما مدنی این گونه نیست.

مئی گوییم ظهر نویسی باید نسبت به کل مبلغ انجام شود اشتباه نشود با ظهر نویسی به قید مشروط خاطرтан است در مورد همان براتگیر می‌گفتیم؟ ۵۰۰ میلیون را می‌گفت من ۴۰۰ میلیون می‌خواهم پرداخت کنم به ۳ اشکل تفسیر می‌کنیم یا می‌گوییم نکول محسوب می‌شود می‌گوییم در حد همان شرط قبول می‌کنیم یا می‌گوییم به هردو آنها می‌تواند مراجعه کند اینجا ظهر نویسی به هیچ وجه این اختیار را ندارد اصلاً ظهر نویس کاره ای نیست یک سندی تکمیل شده بر حسب انتقالات چرخیده رسیده به خانم جنیدی ایشان حق ندارد حال تازه بخواهد نسبت به آن دست ببرد بگوید خوب حال این ۵۰۰ میلیون است من ۳۰۰ میلیون آن را ظهر نویسی می‌کنم . نکته اش واقعاً کنکوری است .

ظهر نویس به هیچ وجه حق کم و زیاد کردن ندارد ظهر نویسی باید نسبت به کل مبلغ انجام شود اگر نسبت به جز انجام شد حتماً باطل است حتماً کان لم یکن است حتماً از درجه اعتبار ساقط است اینها می‌توانند سوالات ازمون هایتان باشد .

اما حال رسیدیم به ظهر نویسی به عنوان وکالت حال بینیم ظهر نویسی به عنوان وکالت چیست؟ ماده ۲۴۷ قلت متوجه شدید برگشتیم به کدام بحث می‌گوید ظهر نویسی اگر بصورت مطلق بود منظور آن بصورت انتقال است . پس متوجه می‌شویم که اگر قرار باشد ظهر نویسی به عنوان وکالت باشد حتماً باید تصریح شده باشد تا در چارچوب قواعد و مقررات ظهر نویسی باشد و در ادامه ماده می‌گوید در این صورت انتقال صورت نگرفته که حال شخص وکیل فکر کند که همه حقوق و مزايا مال خودش است نه بلکه باید کارهای را انجام دهد و ان عبارتند از: ۱/ دارنده برات حق وصول دارد ۲/ حق اعتراض این حق اعتراض چیست؟ همون اعتراض نکول یا اعتراض عدم تادیه است ۳/ اقامه دعوا می‌تواند کند اما این قسمت کاملاً از بین رفته و منسوخ شده .

قانون مدنی ماده ۶۵۶ این امری که در آن امده منظور امر حقوقی است ماده ۶۶۲ ق - ماده ۹۵۴ ق در مورد وکالت در اصول استناد تجاری امری است که فلحال خیلی معتبر است و خیلی از من و شما وسیاری از تجار برای اینکه امورات تجاری خودشان را انجام بدهند برای وصول استناد تجاری خودشان به هیچ وجه فرصت نمی کنند همه را خودشون انجام بدهند با خاطر خطرات احتمالی بخاطر وقت گیر بودن و... به خصوص در مورد استناد تجاری ان را به بانکها وکالت می دهند مثلا در مورد همین چک یک چکی به من رسیده نگاه می کنیم نوشته بانک ملت شعبه زاهدان است . نوشته شده مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان محل علیه کیست ؟ بانک ملت شعبه زاهدان می رود بانک ملی مراجعه می کند و درخواست وصول آن را از بانک می کند یا در ظهرش یا در روی آن می نویسد بانک ملی شعبه دانشگاه لطفا پس از وصول این چک از شعبه بانک ملت زاهدان ارا به حساب اینجانب واریز فرمائید این می شود وکالت در وصول این شد ظهرنویسی به عنوان وکالت نه نیاز است رسمی باشد نه نیاز است در استناد تجاری انجام شود . بانک شما همه چکهای شما را وصول می کند اما چکهایی که چک بانک ملی است چک موسسات چک محسوب نمی شود مطابق ق ج نیست سندشان را سند تجاری محسوب نمی کنیم .

هنوز فراموش نکنید ماده ۲۴۷ ق ت در مورد آن بحث داریم گفتیم یک قسمت آن منسخ است . بانک دو مورد اول را می تواند انجام دهد می تواند وصل کند می تواند اعتراض هم کند به طور مثال اگر این چک برگشت خورد می تواند گواهی عدم پرداخت آن را بگیرد اما ایا طرح دعوا در دادگستری هم می تواند انجام دهد ؟ چرا نمی تواند این کار را انجام دهد دلیل خاص آن چیست ؟ با توجه به قانون اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب سال ۱۳۱۵ فقط و فقط اصحاب دعوا افراد ذئ نفع و وکلای اشخاص می توانند در دادگاه طرح دعوا کنند یعنی بانک که وکیل دادگستری نیست فقط کسانی می توانند طرح دعوا کنند که پروانه وکالت دادگستری داشته باشند .

پس ادارات حقوقی بانکها کارشان چیست ؟ بانکها فقط می توانند امرات خود بانکها را رسیدگی کنند و مطالبات و احراق حق خود بانکها را انجام بدهند چک خانم منصوری وصل نشود به بانک چه ربطی دارد .

اما یک موضوع خیلی مهم که داریم اینکه یک چیزی داریم بنام اتفاق پایاپای در همین مطالبات و وصول استناد و چکهایی که در بانکها صورت می‌گیرد در مثال گفتم خانم منصوری که در بانک ملی شعبه دانشگاه حساب دارد چکی را در اختیار دارد که برای بانک ملت شعبه زاهدان است خود آن اینکار را نمی‌کند به نظر شما بانک چند تا بیکار دارد که بگوید تو برو شیراز تو برو اصفهان چه راهی وجود دارد یک اتفاقی داریم بنام اتفاق پایاپای تحت نظارت بانک مرکزی که تمام بانکها در آنجا نماینده دارند به محض اینکه ۵۰۰ میلیون چکی که برای بانک ملت زاهدان است در بانک ملی مطرح شد به اطلاع اتفاق پایاپای بانک مرکزی می‌رسد یعنی بانک ملت سریعاً ۵۰۰ میلیون واریزیه حساب بانک ملی می‌کند یعنی بانک ملی ۵۰۰ میلیون به بانک ملت بدهکار می‌شود این در طول روز چندین بار اتفاق می‌افتد در پایان روز جمع می‌زنند با همدیگر ببینن کدام بانک به کدام بانک بدهکار شده تا انجا که انجام می‌شود تهاتر می‌کنند اگر بانکی به بانک دیگری بدهکار شد بانک بدهکار یک چک می‌کشد به نام بانک طلبکار همه چیزتام می‌شود.

وکالت در توکیل چیست؟ ماده ۶۷۲ ق م می‌گوید کسی که وکیل شد حق ندارد این وکالت را به دیگری واگذار کند مگراینکه وکالت در توکیل داشته باشد. وکالت در توکیل این است که یعنی اگر بnde ای که موکل هستم به خانم جنیدی که وکیل دادگستری است یا حتی وکیل مدنی است به ایشان وکالت دادم ایشان حق ندارد به دیگری واگذار کند مگر اینکه وکالت در توکیل داشته باشد یعنی حق واگذاری امر وکالت به غیر را داشته باشد حال اگر اینکار را کرد ضمانت اجرای آن چیست؟ ماده ۶۷۳ پس اگر چنین کاری کرد از باب اسباب خسارته که وارد می‌کند حتماً مسئولیت خواهد داشت این مطابق قانون مدنی ما که باید در تجارت هم لحاظ شود اما بانکها از این امر تخطی می‌کنند و هیچ کس جلویشان را نمی‌گیرد اما با ق م ما مطابق نیست شاید بگوییم این رویه عملی است که در کل دنیا انجام می‌شود.

جلسه ۱۰

گم گشته مقدس داریم که عنوانش عدالت عالم است کجا می توان یافت راه جز راهی که عنوانش خداوندگار عالم است

عنوان درس : تاثیر فوت و حجر دارنده سند و ظهرنویسی به عنوان وثیقه

تاثیر فوت یا حجر دارنده سند یعنی که در مثالهایی که زدیم به عنوان موکل قرار می گیرد در ظهرنویسی به عنوان وکالت در دومین تیتری که با هم بررسی کردیم واولین تیترمان انتقال بود وسومین تیترمان هم ظهرنویسی به عنوان وثیقه است که موضوع جلسه امروزمان است و بسیار سخت اما ببینیم تاثیر فوت یا حجر دارنده سند که ما اسم آن را می گذاریم در جاییکه یک رابطه قراردادی است بین دارنده سند و شخصی که قرار است وصول کند به عنوان ظهرنویسی به عنوان وکالت که مثالمان مثال بانکی بود . گفتم شخصی که دارنده سند است واسم آن جناب اقای مشهدی است ان را در اختیار بانک شعبه دانشگاه قرار می دهد که صاحب حساب است در آنجا وبانک به عنوان وکیل می خواهد اقدام به وصول کند نسبت به این سند تجاری که مثلا چک است وانها را از بندرعباس وصول کند ماده ۲۴۷ ق ت را با همیگر خواندیم و تخصیصی که در این ماده خورده وقسمت اخراً حتما منسخ است مطابق قانون وکالت (ولدی الاقتضا یعنی وصول کردن همان مرحله دریافت وتحویل گرفتن است) ما مثال را اوردیم در غالب رابطه یک شخص با بانک درمورد همین ماده قانونی اما این در زمان زنده بودن است اگر یک موقع ای متوفی صورت گرفت یا حجری صورت گرفت که موضوع درس مدنی ۱ بود یعنی ماده ۹۵۴ ق م که قبلا با همیگر خواندیم ویکبار دیگر نگاه بکنیم این ماده را ببینیم چه چیزی می گوید ؟ این ماده قانونی دارد صحبت از کلیه امور جائز می کند وکالت هم عرض کردم از عقود جائز است یعنی زیر مجموعه همین ماده قانونی است می گوید " کلیه عقود

جائز به موت احد طرفین منفسخ می شود و با سفه درجاییکه رشد ملاک عمل است" وقتی می گوید با سفه منظور آن همین حجر است خود سفه زیر مجموعه حجر است که در مدنی ۱ خواندید پس متوجه می شوید مطابق انجه که در قانون مدنی ماده ۹۵۴ وجود دارد عنوان می شود که رابطه وکالت با فوت و یا حجر رابطه کاملا مطابق نظر قانون گذار و به اختیار طرفین منفسخ می شود چون فسخ با منفسخ فرق دارد . حال می خواهیم چه نتیجه گیری کنیم یعنی می خواهیم بگوییم اگر در حد فاصل این وکالتی که اقای مشهدی به بانک داده بلاشبیه ایشان اگر فوتی صورت گرفت وایشان فوت کرد یا اگر دچار حجر شدند بانک دیگر حق ندارد که رابطه قراردادی را ادامه بدهد ووصول این سند را بگیرد و به حسابشان واریز کند ؟ در ماده ۹۵۴ ق م همین را می گوییم بیاییم نزد ماده ۶۷۸ ق م مورد اول و دوم اختیاری است اما مورد سوم فرقی نمی کند باز هم همان ماده ۹۵۴ ق م است به یک شکل دیگر در مورد کلیه امور جائز می گفت که وکالت زیر مجموعه آن بود در اینجا مستقیما دارد صحبت از خود وکالت می کند ماده ۶۸۲ ق م نگاه کنید ان هم دارد همین را می گوید حال می خواهیم این را بگوییم ان چیزی که از ق م متوجه شدیم اما در امور تجارت هم می شود به این سادگی برداشت کرد من نظر دیگه ای دارم که البته همه اینرا نمی پذیرند ماده ۴۰۰ ق ت دقیقا یک رابطه وکالتی است یعنی رئیس یک تجارت خانه قائم مقام داده به شخصی همان وکالت است و خود آن هم دارد می گوید منعزل نیست یعنی غزل نمی شود پس خود آن هم نشان دهنده این است چون یادتان است که ماده ۶۸۲ ق م را که فلحال خواندیم گفت استفاء وکیل غزل وکیل / منعزل از عزل می اید از ادبیات عرب است و این ماده ۴۰۰ ق ت بر عکس ق م است وابتداً این ماده برایمان مهم است می خواهیم چه جور ئ برداشت کنیم می خواهیم از وحدت ملاک این ماده قانونی استفاده کنیم در جائیکه قائم مقام تجاری در یک رابطه قرارداد وکالتی بین رئیس تجارتخانه و قائم مقام آن منعزل نمی شود با فوت یا حجر در وکالت در ظهر نویسی یک سند تجاری هم که صحبت می کنیم مطابق ماده ۲۴۷ ق ت با فوت یا حجر دارنده سند که می شود موکل که اقای مشهدی است وکالت داده به بانک نباید قائل به از بین رفتن رابطه وکالتی شویم این مستند همه هم است به چه شکلی در اینجا که مثال زدیم اقای مشهدی وکالت داد به بانک شعبه دانشگاه

که این سند تجاری را برای او وصول کند قبل از وصول بلاشبیه اقای مشهدی ایشان فوت می کند مطابق ق.م گفته شد از بین بروندامه مطابق ماده ۴۰۰ ق.ت

می گوییم از بین نمی رود چون کاملاً وحدت ملاک به ما کمک می کند اینجا هم یک امر وکالتی است چرا وقتیکه شخصی فوت می کند واموال و دارای اش را تقسیم می کنند حتماً باید گواهی انحصار وراثت داشته باشد حتماً مالیات بر ارث فرم ۱۸ و ۱۹ مالیاتی را باید تکمیل کرده باشند و اظهارنامه مالیاتی را در کنار آن داشته باشند این یعنی حداقل ۶ ماه پروسه زمانی که ورثه از این موضوع بسیار متضرر خواهد شد چرا؟ دلایل آن زیاد است ۲تا دلیل خیلی محکم چرا می گوییم متضرر می شوند و به نفع ورثه هم است که این رابطه وکالتی بین کسی که فوت کرده با بانک حفظ شود به چه شکلی؟

۱/ ارزش آن سند تجاری که وصول می شود ۱ میلیارد باشد به حساب سپرده واریز شود که در این ۶ ماه سود کلانی به آن تعلق می گیرد اما قرار باشد این رابطه قراردادی بانک با شخص فوت شده از بین بروندامن سود دیگر تعلق نخواهد گرفت یعنی ورثه اقای مشهدی از این موضوع محروم خواهد شد.

۲/ ممکن است در طول این بایکوت شدن وصول سند تجاری و گرفتن و گذراندن این مسائل شخصی که متعهد این سند بوده یعنی شخصی که صاحب حساب است در بندر عباس ممکن است فوت کند ممکن است ورشکست شود ممکن است دیگر پولی نداشته باشد و در طول این ۶ ماه ورثه کاملاً از این موضوع متضرر می شوند اما اگر یک رابطه وکالتی بین بانک و شخص فوت شده حفظ شود آن سند تجاری وصول می شود به حساب شخص فوت شده واریز می شود ورثه می تواند اقدامات قانونی خودشان را بعداً انجام بدنه و خیالشان راحت شود که این پول در حساب شخص فوت شده و متوفی وجود دارد دقت کردید چقدر میشود تاثیر و عواقب و مسئولیتهای متفاوتی بار شود.

مطابق ماده ۴۰۰ ق.ت رابطه قراردادی در وکالت در ظهرونیسی بین شخص موکل که فوت شده و یا شخص وکیل که می تواند بانک باشد بطور مثال از بین نمی رود این را ماده ۴۰۰ ق.ت می گوید و من از وحدت ملاک آن استفاده میکنم و به نظرم میاد که صدر ماده ۴۰۰ ق.ت تخصیص دهنده ق.م است یعنی تخصیص

دهنده مادتین ۶۷۸ - ۶۸۲ - ۹۵۴ ق م است . این موضوع را به ظرافت در ماده ۴۰۰ ق ت هم می توان دید اما آن را فقط و فقط یک حقوق دان زیرک متوجه می شود .

ماده ۴۰۱ ق ت هیچ مخالفتی با ماده ۴۰۰ ق ت ندارد ماده ۴۰۱ دارد تائید می کند که رابطه ای که بین رئیس تجارتخانه و قائم مقام وجود دارد یک رابطه وکالتی است . دقت کردید انتهای آن دارد چه چیزی می گوید قانون گذار به ظرافت تائید کرده که صدر ماده ۴۰۰ ق ت بر خلاف مقررات وکالتی در مدنی است در صدر ماده ۴۰۰ عنوان کرده که این ماده تخصیص دهنده مقررات مدنی است یعنی چیزی مخالف ماده ۶۷۸ - ۶۸۲ - ۹۵۴ ق م است . ماده ۱۴۰ ق ت برای اینکه به ما بفهماند که خود آن هم می دانسته برخلاف مقررات مدنی این را گفته گفته در سایر موارد همچنان مقررات عمومی وکالت ماده ۱۴۰ ق ت دارد می گوید درست است ماده ۴۰۰ را من برخلاف ق م گفتم اما سایر موارد را فراموش نکنید همچنان سایر مقررات مربوط به وکالت منظور آن این است که همچنان تابع مقررات ق م است .

وکالت در توکیل : ماده ۶۷۲ قانون می گوید وکیل حق ندارد موضوع وکالت را به وکیل جدید دیگری واگذار کند یعنی وکالت در توکیل بدهد مگر اینکه از قبل این اذن را از طرف موکل داشته باشد یعنی اگر اقای تاجیک به خانم دهقان وکالت داد که امر حقوقی را انجام دهد خانم دهقان حق واگذاری آن را به خانم عباسی ندارد مگر اینکه از طرف موکل قبل اذن را داشته باشد .

ظهرنویسی به عنوان وثیقه : عده ای می گویند جایز نیست بنابر دلایلی و عده ای می گویند جایز است باز هم بنا بر دلایلی که قطعاً من جزء این دسته قرار می گیرم اما به چه شکل ؟ ما رهن و وثیقه عین داریم کاملاً مخالف رهن و وثیقه دین است ما بحثی نداریم در این باره یک توثیق اسناد تجاری داریم

توثیق از همان وثیقه گذاشتن می اید توثیق یعنی ساپرت کردن یعنی یک اعتباری داشتن یعنی یک چیزی دستمنان باشد که اگر شخص خلف عده کرد ما بتوانیم از آن استفاده کنیم این را به آن می گویند توثیق رهن گذاشتن وثیقه .

توثيق ملكی چيست؟ يعني يك ساپرت ملكی داشته باشيم چون ملك از همه چيز بهتر است ظاهرًا چون من راجع به اين مخالف نیستم اما توثيق واينها همه يعني يك ساپرتهای داشته باشيم برای اينکه اگر شخصی خلاف شروط ضمن قراردادی خودش عمل کرد سر طلبکارکلاه نزود اين به زبان ساده يعني رهن توثيق وثيقه يعني ظهرنويسی به عنوان وثيقه .

چرا عده اى مخالف اين موضوع هستند به ۲ دليل : اولين دليل اينکه ما چيزی بنام وثيقه در قت پيش بینی نشده است . درست هم می گويند تمام چيزی که در غالب ظهرنويسی داريم از مواد ۲۴۵ الى ۲۴۸ است که فلحال با هم نگاه کرديم که فقط ظهرنويسی به عنوان انتقال را می گويد ظهرنويسی به عنوان وکالت را می گويد هیچ جايی امكان ندارد از ظهرنويسی به عنوان وثيقه بگويد چه کار باید کرد اما در دنيا تجارت داريم ۱۰ ميليون تومان وثيقه را شما برويد به بانک مراجعه کنيد اولين چيزی که از شما می خواهد توثيق اسناد تجاري است امكان ندارد يك وامي داده شود ولی وثيقه از شما نخواهد امكان ندارد پس وجود دارد اما چرا عده اى می گويند چون در قت نیست قابل قبول نیست . چرا در قت ايران ظهرنويسی به عنوان وکالت وجود ندارد ؟ چون در زمانی که در سال ۱۳۱۱ قت نوشته می شد اقتباس از قت قدیم فرانسه بود و در آنجا پيش بینی از ظهرنويسی به عنوان وثيقه نشده بود اما در قت جديد فرانسه دقیقا وجود دارد .

اما دليل دوم چيست که نمی پذيرند ماده ۷۷۴ م است عين معين يعني اين خودنويسی که دست من است عين ودين چيست می گويد طلبی که شما قبل از يکي داشتید يا در اينده داريد ما هم خلاف نمی خواهیم بگوییم که عنوان دومین دفاع بیاوریم .

اما دلایل ما چیست که می گوییم می پذیریم که ظهرنویسی به عنوان وثیقه اولا که وجود ندارد تردیدی نیست و با دلایل حقوقی ان را بپذیریم اولین دلیل آن این است که استثنایات فراوانی از بسیاری مراجع بزرگ شده در این زمینه که ایا توثیق و وثیقه به عنوان ظهرنویسی پذیرفته شده است یا نه ؟ خیلی از استثنایات تائید می کند که اشکالی ندارد ظهرنویسی به عنوان وثیقه این یک نظریه اگر بخواهیم اما اگر بخواهیم از

نظر فقه ای به آن نگاه کنیم اما بحث حقوقی آن چه می گوید به چه شکل ما می توانیم ظهرنویسی به وثیقه را بپذیریم؟ می گوییم ظهرنویسی به عنوان وثیقه نسبت به دین که نیست ما مخالفتی نداریم با ماده ۷۷۴ ق م در ضمن دلیل دوم اعتبار امری نسبی است از زمانی به زمانی از مکانی به مکان دیگر تفاوت می کند و پشتbanه ای که از طرف دولت و حکومت وجود دارد به ان اعتبار می دهد اسکناس را لاحاظ کنید یک اسکناس ۵ هزار تومانی را نگاه کنید از نظر ظاهری ۵ هزار تومان ارزش دارد نه امکان ندارد خیلی ارزش داشته باشد ۱۰۰ تومان ارزش دارد ان اعتبار و پشتbanه بانک مرکزی به اعتبار دولت به ان ارزش می دهد سند تجاری هم همینطور می خواهم بگوییم سند تجاری هم با پول رایج مملکت هیچ فرقی نمی کند هر دو آنها نسبی است و هر دو تا به پشتbanه اعتبار است که وجود دارد یعنی وقتی شما می توانید اسکناس را به رهن و وثیقه بگذارید سند تجاری را هم می توانید بگذارید پس توثیق استناد تجاری قابل پذیرش است.

ظهرنویسی به عنوان وثیقه در چه مواردی کاربرد دارد ۱/ برای وام گرفتن ۲/ برای کسب سود ۳/ برای رونق تجاری ۴/ برای جابجایی پول و معاملات بازرگانی

مردم پولشان را می گذارند بانک تا سود بگیرند و بانک ان را به گردش می گذارد و یک تاجر دیگری تقاضای ۱ میلیارد وام می کند از همین ۱ میلیاردی که شخص دیگری در بانک گذاشته یعنی اقای مشهدی پول دارد می گوید بهترین کار این است که ببرم بانک سرمایه گذاری کنم یک تاجر دیگری مراجعه می کند به بانک و تقاضای ۱ میلیارد وام می کند و ان تاجر هم خانم حاجیلو است که شخص تاجری است که نیاز به وام دارد برای معاملاتی که می خواهد انجام دهد خوب بانک از یک طرف باید به یکی سود بددهد و از طرفی کسی متقاضی وام است خود بانک هم می خواهد منفعتی کسب کند خانم حاجیلو اگر مراجعه کرد به بانک و طلب ۱ میلیارد وام کرد ایا به همین راحتی ۱ میلیارد را به او می دهند قطعاً چیزی به عنوان وثیقه می خواهند از او قطعاً اولین چیزی که به ذهن می رسد وثیقه ملک است که خیلی سنتی است اما ایا به همین سادگی است استعلام دارایی / شهرداری / ثبت / اقتضای مورد جهات کشاورزی / استانداری / فرمانداری / منابع طبیعی / ابخیزداری / سازمان مسکن و شهرسازی / زمین شهربی و چیزهایی شبیه به آن یعنی هزینه

واز بین رفتن زمان برای اینکه بخواهید یک وام بگیرید و توثیق ملکی داشته باشید و اگر شما ۱ میلیارد وام بخواهید بانک ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان می خواهد.

توثیق اسناد تجاری چطور؟ در قبال آن می گوید من ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان سند تجاری صادر می کنم یعنی ظهرنویسی می کنم به عنوان وثیقه انجام می دهم حال یا چک یا سفته یا برات به چه شکلی؟ همین خانم حاجیلو که می خواهد وام بگیرد یک سند تجاری را ظهرنویسی می کند به این عبارت بانک محترم از بابت ۱ میلیارد وامی که به بنده می دهید این سند تجاری را ظهرنویسی به عنوان وثیقه می کنم و در اختیار شما به عنوان وثیقه قرار میدهم این می شود پشتونه ۱ میلیارد وام که شما می گیرید و ارزش آن سند هم ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان است و به روز و در عین حال کاملاً تجاری اگر حقوقدان باشید این را می پذیرید بانکها بیشتر توثیق ملکی رامی پسندند اما اگر حقوقی نگاه کنید این توثیق اسناد تجاری خیلی پسندیده تر است این می شود ظهرنویسی به عنوان وثیقه دارنده این شد بانک از تمام حقوق و امتیازات دارنده این سند تجاری برخوردار می شود بانک اما با یکسری شرط و شروط حق انتقال به غیر را ندارد بانک این ظهرنویسی به عنوان وثیقه را نمی تواند به غیر انتقال بدده حق ظهرنویسی به عنوان وثیقه را هم ندارد چرا چون هنوز خطای صورت نگرفته چون به عنوان ساپرت است سررسید این وام خانم حاجیلو ۱ میلیارد است ۱ ساله دیگر است یعنی ایشان باید سر سال بجای ۱ میلیارد ۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان پرداخت بکند قبل از سررسید خانم حاجیلو تمام بدهی ها و اقساط خودش را پرداخت می کند به بانک یا اصلاً در روز سررسید چه کار باید کرد؟ حتماً باید آن سند برگردانده شود وقتی که شخصی تمام بدهی های خودش را پرداخت کرد دیگر ظهرنویسی به عنوان وثیقه اصلاً موضوعیت ندارد به عنوان تضمین بوده بنده خدا همه اقساطش را پرداخت کرده وسود آن را هم پرداخت کرد یعنی تصفیه حساب صورت گرفت در نتیجه دارنده سند باید سند وثیقه را به صادرکننده ظهرنویس برگرداند مشکل از زمانی پیش می اید که وام گیرنده کسی که ظهرنویسی به عنوان وثیقه کرده تعهدات خودش را در مقابل دارنده انجام ندهد یعنی اقساط وام خودش را پرداخت نکند از اینجا به بعد پروسه اجرای ظهرنویسی به عنوان وثیقه موجودیت پیدا می کند یعنی دارنده وام حق دارد مطابق مستنداتی که دارد سررسید این ظهرنویسی به عنوان وثیقه را به

اجرا بگذارد یعنی بانک این ظهernoیسی را به اجرا بگذارد چون وام گیرنده کسی که ظهernoیسی به عنوان وثیقه کرده تعهدات خودش را اجرا نکرده از طریق اجرای ثبت یا از طریق اجرای دادگاه این سند را به اجرا می گذارد وکلیه مطالبات خودش را ازبابت این سند تجاری بر اساس آن وامی که دارنده وصول میکند چطور وصول می کند؟ اگر توانست اموالی پیدا کند اگر توانست پولی دربانک دیگری پیدا کند اگر توانست اموال و مستقلاتی پیدا کند منقول وغیر منقول همه را بر اساس این توثیق سند تجاری واین اعتباری که این سند دارد از اموال این خانم اگر پیدا کرد همه را به روز می رساند وطلب آن را وصول می کند به همین راحتی ممکن است ارزش این سند تجاری بیش از طلب باشد اگر ارزش این سند بیش از طلب بود اضافه آن به شخص مدیون برگردانده می شود اگر بود حضوری به او می دهنند اگر نبود یا در صندوق ثبت یا در صندوق دادگاه ضبط می شود تا زمانی که مراجعت کند و خانم بخواهد آن را اخذ کند بحث فوق العاده کاربردی است.

اما تفاوت هایی که بین ایفای دین در حقوق تجارت منظور مان بحث اسناد و حقوق مدنی است :

۱/ اگر یک سند تجاری وصول نشود شخص دارنده را مکلف می کنیم نسبت به آن چیزی که وجود دارد اخذ کند و نسبت به بقیه ای که وجود ندارد طرح دعوا کند یعنی در مورد طلبی که وجود دارد دریافت و نسبت به بقیه طرح دعوا کند یعنی اگر ارزش یک سند تجاری ۱۰۰ میلیون است شخص در حال حاضر ۱۰ میلیون دارد مسلم است که مکلف است ۱۰ میلیون را بگیرد و نسبت به ۹۰ میلیون طرح دعوا کند اما در امر مدنی این جوری نیست . در ح م اگر شما یک سند عادی دارید که بر روی آن نوشته شده ۱۰۰ میلیون تومنان از خانم قاسمی طلبکار هستید دارنده را نمی شود مکلف کرد که اگر ۱۰ میلیون وجود دارد آن را بگیرد و نسبت به بقیه طرح دعوا کند آن نسبت به ۱۰۰ میلیون می تواند طرح دعوا کند یعنی در امر مدنی تجزیه کردن طلب وجود ندارد اما در امر تجاری تجزیه کردن طلب وجود دارد یعنی شخصی نسبت به آن چیزی که وجود دارد باید اخذ کند و نسبت به بقیه باید طرح دعوا کند ولئ در امر مدنی این گونه نیست .

۲/ در قانون مدنی دادگاه این اختیار را دارد که به بدهکار مهلت عادله بدهد یعنی قرار اقساط صادر کند اما در امور تجاری به هیچ وجه دادگاه حق ندارد بالاتر از مهریه زن چیزی نداریم دادگاه قرار اقساط صادر می کند . اما در امور تجاری به هیچ وجه دادگاه حق ندارد قرار اقساط بدهد یا مهلت بدهد یعنی اگر سندی امروز سرسید آن است دادگاه نمی تواند بگوید خیل خوب حال یکی دوسالی به این اقا مهلت بدیم ببینیم این می تواند پاس کند یا نه به هیچ وجه چرا چون اصلاً منافع دارد با امور تجاری چرا که این دادن مهلت می تواند اعتبار تجاری شخص را زیر سوال ببرد پس در امور تجاری ما قرار اقساط یا قرار عادلانه نداریم .

۳/ در اسناد تجاری شخص حق ندارد زودتر از موعد پرداخت و وصولی انجام دهد اگر چنین کاری کرد بنا به دلایل مشکلاتی پیش امد و مجبور شد که ۲ بار پرداخت کند و اقدام به ضرر خود کرده مثلاً در سند برات مديون يا برات گير است که باید پرداخت کند اگر و بنا به دلایل مجبور شد که ۲ بار يا بیشتر پرداخت را انجام بدهد اقدام به ضرر خود کرده به چه شکل مثال می زنم جناب اقای تاجیک براتی را صادر کرده مشهدی ان را قبول کرده و مديون این سند است دارنده ان مهمان نوازان است مراجعه می کند به برات گير می گوید اگر می شود سرسید آن ۶ ماهه دیگر است دانشگاه حقوق ما را نداده اگر امکان آن است این را زودتر از موعد به ما پرداخت کنید اقای مشهدی دلش می سوزد و این را زودتر از موعد پرداخت می کند سند در اختیار مهمان نوازان می ماند غافل از اینکه مهمان نوازان پرداخت را ظهernoیسی می کند به شخص دیگری می دهد و یک دفعه ۱۰۰ تا ظهernoیسی تا سرسید انجام می شود به اقای مشهدی می گویند این را پرداخت کن می گوید این را ۶ ماهه پیش پرداخت کرده ام و قانون از این فرد دفاع نمی کند حتی اگر مدارک و مستنداتی داشته باشد این قاعده اقدام است .

اما در امور مدنی اینگونه نیست در امور مدنی اگر کسی زودتر از موعد پرداخت کرد امر خدا پسندانه ای انجام داده .

۴/ در امر تجاری اگر متعهد به دارنده زمان داد دیگر حق مراجعه به ظهernoیسان سرسید را لز دست می دهد بخاطر همان قاعده ضمانت تضامنی (مسئولیت تضامنی) اما در امر مدنی اگر شما به یکی از بدهکارها

مهلتی را دادید حق مراجعه به این عبارت نیست در امور تجاری یک کسی سندی را دارنده اش است مديون ان سند خانم قاسمی است شما ۱ ماه به خانم قاسمی فرصت می دهيد که ان را پرداخت کند ۱۰ بار اين سند ظهernoیسی شده همین که اين مهلت را دادی حق مراجعه به ظهernoیسان را از دست می دهيد اما در امر مدنی روی کاغذ عادی نوشتید مشارکت مدنی روی ان نوشتید تقدیم به نقی جمعا ۱۰۰ میلیون تومان بدھکار است اگر شما به حسن مهلت ۱ ماهه دادید حق مراجعه به تقدیم و نقی را از دست نمی دهيد .

۵/وصول سند مدنی تشریفاتی ندارد اما وصول سند تجاری دارای تشریفاتی است مثل رعایت مهلت ها و مواعيد مثل اقامه دعوا در مدت مقرر مثل مرور زمان گفته شد در امر مدنی می شود جمع کرد

۶/وصول اسناد تجاری توسط شخص ثالث

اما پرداخت برات توسط شخص ثالث : ماده ای داریم بنام ۲۷۰ با لحاظ ۲۳۷ و با لحاظ ۲۶۷ ق م و ۲۷۰ ق ت نگاه کنید :

ماده ۲۷۱ ق ت می خواهیم بگوییم در مورد اسناد تجاری اگر یک شخص بیکار پیدا شد تحت هر شرایطی از طرف هر کدام از افراد مديون پرداخت انجام داد این پرداخت مجاني نیست از تمام حقوق و امتیازات دارنده سند برخوردار است چه اذن داشته باشد چه اذن نداشته باشد در ق ت در ماده ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ نمی گوید باید اذن داشته باشد حال در مدنی یکی دیگر از تفاوتهاي سند تجاری و مدنی چیست ؟ ماده ۲۶۷ ق م این ماده فوق العاده کنکوری است سند اگر مدنی باشد فقط کسی که دارد تعهد شخص مديون را ایفا می کند واسم آن ثالث است در صورتی می تواند به مديون مراجعت کند که از قبل اذن داشته باشد یعنی بگوید صغیری خانم می خواهم بروم دین را از طرف شما پرداخت کنم اگر اجازه داد می توانید بعدا مراجعه کنید طلب آن را از او بگیرید و گزنه حق مراجعه به صغیری را ندارد و مجاني پرداخت کرده اما در سند تجاری اینگونه نیست کسی که سند تجاری را پرداخت کرده چه رابطه فامیلی و قرابت داشته باشد چه نداشته باشد دارنده سند است می تواند مراجعه کند به مديون بگوید این سند دست من است و شما باید پرداخت کنید می گوید شما از من اذن نداشتید تجارت این حرفها را ندارد .

اما ببینیم حقوق و وظایف دارنده چیست؟ موارد بسیاری در مورد حقوق و وظایف دارنده برات صحبت می کند از ماده ۲۷۴ الی ۲۹۲ ق ت در مورد حقوق و وظایف دارنده برات است یعنی کسب متعهد له سند است

اما مسئولیت برات دهنده چیست؟ برات دهنده یا همان صادر کننده برات که اسم دیگر آن برات کش است همان کسی که استارت برات را می زند یعنی برات از دست آن شروع می شد مسئولیت این از ۲ حال خارج نیست : ۱/ یا مسئولیت ناشی از اعتراض نکول است (۲۳۷ ق ت) ۲/ یا مسئولیت ناشی از اعتراض عدم تادیه (۲۳۸ ق ت)

ماده ۲۳۷ ق ت می گوید در صورت نکول برات و اعتراض نکول توسط دارنده برات در این حالت صادر کننده مسئولیت دارد همراه با تمامی .

ایا صادر کننده برات می تواند مسئولیت ناشی از نکول برات را در ابتدای برات از خودش سلب و ساقط کند؟ در قانون ما هیچ پیش بینی نکرده اما می توانیم از مقررات زنو کمک بگیریم و در دادگاه قابل دفاع است یعنی می خواهیم بگوییم خانم بلوری یک براتی را صادر می کند و قرار است برات گیر این سند جناب اقای تاجیک باشد دارنده این سند هم خانم عباسی است از همان ابتدا خانم بلوری پیش بینی می کند که اگر اقای تاجیک نکول کرد من هیچ مسئولیتی نداشته باشم این بعدا در توافق طرفین است که دارنده ایا بپذیرد یا نه خانم عباسی می گوید نه چون در زمان حال سلب مسئولیت می کنید پس معلوم است که برات گیر فرد بد حسابی است من این را قبول نمی کنم پس در چارچوب توافق اگر صادر کننده یک چنین شرطی را گذاشت دارنده هم ان را پذیرفت کاملا لازو الاتبع است به نظر می رسد در چارچوب همان توافق و تراضی طرفین است العقود تابعه القصود یا ماده ۱۰ ق م یا ایها الذين امنوا اعطوا للعقود شرط خلاف قانون نیست هیچ کجا نگفته زنو هم این را پذیرفته .

اما مورد دوم مسئولیت ناشی عدم تادیه که هم در برات است هم در سفته اینجا هم برات دهنده در مقابل دارنده مسئولیت دارد حال همان مثال وهمان سوالی که انجا پیش امد اینجا هم می خواهیم مطرح کنیم .
ایا صادر کننده می تواند پیش بینی کند که اگر برات گیر نکول کرد مسئولیتی نداشته باشد؟

در اینجا مطابق مقررات ژنو نمی شود یعنی مقررات ژنو چون پیش بینی کرده نمی شود مقررات ژنو می گوید در مسئولیت ناشی از عدم تادیه (مطابق ماده ۲۳۸ ایران) صادر کننده برات نمی تواند پیش بینی کند که در صورت نکول برات مسئولیتی نداشته باشد .

جلسه ۱۱

بنام او که افرید سپیده دم را تامنور کند به نور عدالت جهان سیه را

عنوان درس : وظایف دارنده برات

سوال امتحان : مستربوزوا یک تاجر بلژیکی مقیم تهران می باشد که برای کار صادرات فرش درکشور متبع خود اشتغال دارد ۱۰۰ تخته فرش دستبافت کرمانی نقش از جناب اقامی فرش فروش زاده که ان هم یک تاجر فرش در بازار تهران می باشد ابتداء (خردباری) می نماید ارزش این فرشها ۱ میلیون یورو براورد می شود و در قبال ان یک سند تجاری مثل برات صادر می شود با توجه به اینکه مبلغ دقیق فرشها فردا توسط فاکتور از کرمان فرستاده می شود مبلغ برات ذکر نمی گردد و در این قرارداد ذکر می کنند که ممکن است بخاطر نوسان بازاریین ۵ تا ۱۰ درصد به این ۱ میلیون یورو اضافه شود در این حالت مستر بوزوا مبلغ را می نویسد نه تاریخ می زند فقط در این برات می نویسد این برات در وجه حامل است در ضمن حتی این برات را امضا هم نمی کند چرا که با اطلاعات حقوقی هم که دارد عنوان می کند مطابق قوانین عقد وکالت در حقوق ایران نوشتن مبلغ و تاریخ و امضا را به فرش فروش زاده وکالت می دهد بعد از این قرارداد بوزوا به

بروکسل می رود فردا فاکتور از کرمان می اید نوسانی نداشته مبلغ همان ۱ میلیون یورو است اما فرش فروش زاده مبلغ را ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار یورو می نویسد تاریخ به روز می زند واژ طرف صادر کننده برات امضا و مهر هم می کند در ضمن همان قرارداد عنوان شده بود برات گیر ان سند گلیم فروش زاده باشد گلیم فروش زاده هم که به مستر بوژوا اطمینان کامل داشته قبولی نوشته وحال فرش فروش زاده اقدام به وصول ان می کند.

جواب دهید سوالات ذیل را :

۱/ ایا چنین سند تجاری دارای وجاهت قانونی است مستندًا توضیح دهید؟

۲/ ایا فرش فروش زاده می توانست انتقال به غیر بدهد؟

۳/ ایا انتقال به خود فرش فروش زاده مطابق قلت می باشد؟

۴/ برات گیر یعنی گلیم فروش زاده که از هیچ کدام از این مسائل اگاهی ندارد ایا مسئولیتی دارد؟ اگر اگاهی داشته باشد چطور؟

جواب :

۱/ خیر هیچ مستندی را اعم از تجاری و مدنی به طریق اولی بدون امضا اصلاً موضوعیت پیدا نمی کند یعنی وقتی که صحبت از ماده ۲۲۳ قلت کردیم اگر یادتان باشد من خودم در تقسیم بندی ۲ تا تایتر را خودم اضافه کردم در ابتدای ماده ۲۲۳ قلت امضا و مهر اولین الوبت یک سندی است که ماهیت سند تجاری پیدا می کند حتی یک سند مدنی اگر سندی امضا یا مهر نداشته باشد سند تجاری نیست هیچ سندی به وجود نمی اید اصلاً پروسه چنین پرونده ای بطور کامل کان لم یکن است ولئ خوب پای انتقال دیگران هم است پای مسئولیت دیگری هم است براتگیری وجود داشته که از اینها بی اطلاع بوده باید دنبال بکند درست است که اشتباه است در ضمن در سند ذکر شده این سند در وجه حامل است ما در مورد برات

گفتیم که برات در وجه حامل نداریم یا برای شخص معین است یا با ظهر نویسی است قابل انتقال است این موضوع هم در خود ماده ۲۲۳ ق ت و ماده ۲۳۵ ق ت وجود دارد.

۲/ خیر با توجه به اینکه اصلاً ذکر به ظهر نویسی نشده وبا توجه به اینکه عبارت حامل نوشته شده اصلاً انتقال به غیری هم وجود نداشته چون این سند عبارتی در آن درج شده که از نظر حقوقی مطابق ق ت قابل شناسایی نیست یعنی یا باید می نوشتیم سند در وجه شخص معین است یا باید می نوشتیم سند با ظهر نویسی قابل انتقال است.

۳/ خیر خود اقای فرش فروش زاده هم انتقال بهش اصلاً مطابق قانون نیست چرا که عبارت در وجه حامل نوشته شده وسند امضا نشده.

۴/ با توجه به اینکه هر عملی که شخص خودش انجام می دهد را می تواند به دیگری وکالت بدهد که انجام دهد اما نمی تواند به دیگری وکالت بدهد که امضا من را بزن شما می توانید به دیگری وکالت دهید که برود خانه شما را بفروشد اما نمی توانید وکالت دهید که برود امضا شما را بزند این اصلاً جهل است واز باب کیفری قابل تعقیب است.

برات گیر اصلاً خبر نداشته که مبلغ را بیشتر نوشته در حالی که این فرد اگاهی ندارد واین پرداخت را انجام داده گلیم فروش زاده هیچ مسئولیتی ندارد همین ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار یورو را که پرداخت کرده وبا اجازه بوزوا پرداخت کرده را از ایشان اگر طلبکار باشد یعنی اگر رابطه قراردادی نبوده می تواند بگیرد یا اصلاً بدھی داشته در جایی هم که اگاه باشد دقیقاً اقدام به ضرر خود و مطابق قانون مشترکاً و متضامناً مسئولیت دارند در قبال مستربوزوا مسئولیت دارند.

جلسه گذشته درباره مسئولیت صادر کننده با هم صحبت کردیم و گفتیم از مسئولیت دارنده هم نباید غافل شد پس مواد ۲۷۴ الی ۲۹۲ از ق ت اختصاص دارد به مسئولیت دارنده برات این مواد را که می خوانیم ۲ الی ۳ تا نکته دارد که علی الخصوص در مورد مدت‌ها و مواعده و ضمانهایی که باید دارنده برات به آن توجه

کند تا بتواند از مزیتها و امتیازات مربوط به دارنده استفاده کند و افرادی که در قبال آن مسئول هستند مثل ظهر نویس و صادرکننده وقسط علیه هذا تا زمانیکه دارنده مسئولیت خودش را به طور کامل ایفا نکند اینها مسئولیت نخواهند داشت . ببینیم مسئولیتها چیست ؟ ماده ۲۷۴ ق ت نگاه کنید جلسات قبل گفتم که این ماده ۲۴۷ ق ت را که خیلی نکته اش کنکوری است و فوق دکتری است این ماده را دقت کنید صدر ماده ۲۷۴ ق ت نگاه کنید قبلا به شما گفته بودم این ماده قانونی امره است اما این امره بودن پایان کار نیست اینجا امره بودن نسبی است چرا چون اینجا یک چیزهایی به آن اضافه می شود .

ماده ۲۷۴ ق ت می گوید دارنده برات مکلف است من اینجا گفتم امره است یعنی دستوری است ولی این امره قطعی نیست . این تاریخ برات هم خیلی مهم است برای اینکه این تاریخ منظور آن تاریخ صدوربرات است اگر توجه به این مدت زمان ۱ ساله جهت قبولی نکند ضمانت اجرا آن این ۲ حالت است : ۱ - حق مراجعة به ظهernویسها را از دست می دهد ۲ - به برات دهنده و صادرکننده برات نمی تواند مراجعة کند اگر این حالت باشد

حال ممکن است یک سوال برای شما پیش بیاید اینجا گفته به روئیت یا به وعده از روئیت ممکن است به وعده از روئیت ۳ سال بعد از روئیت باشد پس این ۱ سال چیست ؟ البته خیلی کم پیش میاید اینجوری گفتیم معمولا اگر یادتان باشد در جلسه اول وقتی اسناد را گفتم مدت دار است اما مدت کم است می گوییم ۲۰ سال نیست ما می رویم از پیغمبرها جرجیس را انتخاب می کنیم اگر مدت زمانش ۳ سال بعد از روئیت بود باز هم منافاتی با این ۱ سالی که می گوید فرد مطالبه کند ندارد و قبولی بگیرد ندارد چرا چون می گوید ظرف ۱ سال تکلیف این برات باید روشن شود همه بحث در این ماده ۲۷۴ همین است اولین چیز توجه به مدت ۱ ساله است که در این ماده ذکر شده و ظاهرًا جنبه امره دارد ولی به طور قطعی نیست .

یکی دیگر از موارد مهمی که درمورد وظایف دارنده برات باید به آن توجه کنیم توجه به مهلت ۱۰ روزه ماده ۲۸۰ ق ت است ماده ۲۸۰ ق ت پس در این ماده مشخص می شود در ماده ۲۷۴ صحبت از تاریخ صدور برات کردیم در ماده ۲۸۰ اینجا که می گوید تاریخ وعده منظور آن تاریخ سرسید است می گوید

ظرف ۱۰ روز از تاریخ سرسید حتما باید شرط اعتراض عدم تادیه را انجام بدهد و گرنه ضمانت اجرای آن همین خواهد بود که نمی‌تواند از امتیازات ویژه مراجعه به ظهرنویسها و آن عبارتی که در ماده ۲۷۴ ق.ت است مراجعه کند. اما مرحله سومی که باید به آن توجه کرد بحث افقه دعوی است در مهلت‌های قانونی در مواعد و مهلت‌ها و ضمانهای قانونی در ق.ت به آن توجه شده در مورد براتی که در ایران باید تادیه شود و در واقع برواتی که باید در خارج از ایران تادیه شود ماده ۲۸۶ از ق.ت ماده ۲۸۴ خود اعتراض عدم تادیه را دارد می‌گوید ماده ۲۸۴ اظهارنامه ای که باید فرستاده شود را دارد می‌گوید آن رای وحدت رویه هم اشاره به این می‌کرد اگر این پست دوقبضه ارسال نشود هیچ اشکالی ندارد همچنان تمام حقوق و مزايا وجود دارد.

ماده ۲۸۶ ق.ت در ظرف ۱ سال هم باید در مورد برواتی که در ایران باید تادیه شود اقامه دعوی کند در دادگاه صالح تبصره آن خیلی مهم است.

ماده ۲۸۷ ق.ت باید در ظرف ۲ سال به عمل آید. این درباره مسئولیتها و وظایفی که دارنده برات داشت. اما مسئولیتهایی که ظهرنویس دارد حتما منظور مان ظهرنویسی به منظور انتقال است چون ظهرنویسی به منظور وثیقه ووکالت بحث جداست و حتما باید قید شود و اگر قید نشود منظور مان انتقال است.

ظهر نویسی به منظور انتقال چه مسئولیتهایی دارد؟ ماده ۲۳۷ و ماده ۲۳۸ ق.ت اختصاصا به این موارد توجه کرده یعنی در ماده ۲۳۷ به بحث اعتراض نکول توجه دارد و ماده ۲۳۸ ق.ت به اعتراض عدم تادیه و تفاوت‌های اینها را کم و بیش گفتیم.

اعتراض نکول یکی از مسئولیتهای ظهر نویس است که در ماده ۲۳۷ ق.ت پیش بینی شده که باید ضامن بدهد و اگر ضامن ندهد دین مؤجل حال می‌شود و چیزی شبیه به این اما اعتراض عدم تادیه چطور؟ در اعتراض عدم تادیه که در ماده ۲۳۸ ق.ت به آن توجه شده اینجا هم ظهرنویس مسئولیت دارد.

نکته مهم تفاوت عدم تادیه و اعتراض نکول: اساسی ترین نکته آن این است که اعتراض نکول در زمانی است که اصلا برات گیر هیچ مسئولیتی را از ابتدا قبول نکرده یعنی از زمانی که به برات گیر مراجعه شده

وئی هیچ تعهدی را نپذیرد و اصلاً خود را وارد به این رابطه برواتی نکرده و خود را آغشته والوده و درگیر چنین سندی نکرده و به همین خاطر هیچ مسئولیتی ندارد بطور مثال جناب اقای تاجیک برای را صادر کرده دارنده ان خانم حاجیلو است وقرار است به اعتبار مایکون خانم دهقان این برات را قبول کند به محض مراجعته حاجیلو به دهقان با فریاد دهقان مواجه می شود می گوید من این را قبول نمی کنم من خودم را وارد این رابطه سندی و برواتی وقبوی نمی کنم از همینجا اعتراض نکول است اما در اعتراض عدم تادیه برای صادر شده برات گیر ان را قبول کرده است اما درسرسید حاضر به تادیه وجه نیست یعنی تعهد را پذیرفته امضا هم کرده قبولي هم داده ولئ در سرسید حاضر به تادیه نمی باشد اینجا اعتراض اعتراض عدم تادیه است . در همین مثال اقای تاجیک برای را صادر کرده دارنده آن خانم حاجیلو است قرار است خانم دهقان ان را قبولي بدهد خانم حاجیلو به خانم دهقان مراجعته می کند خانم دهقان قبولي را می دهد سرسید آن هم ۶ ماه بعد است سرسید آن ۸۹/۶/۷ است اما درسرسید برات گیر می گوید من نمیتوانم پرداخت کنم یعنی خودش را وارد این رابطه برواتی کرده اما در سرسید عاجز از پرداخت است ویا اصلاً نمی خواهد پرداخت کند اینجا اعتراض باید اعتراض عدم تادیه باشد .

در اعتراض نکول برات گیر اصلاً خود را وارد ماهیت نکرده اما در اعتراض عدم تادیه برات گیر خود را وارد این ماهیت کرده است اما در سرسید حاضر به تادیه نیست .

اما مسئولیت برات گیر که باز هم روشن است فلحال گفتیم مسئولیت تاجیک و حاجیلو و دهقان به همین شکل عنوان شده یا قبول نمی کند و نکول می کند یا قبول می کند ومسئولیت می پذیرد و خودش را وارد این رابطه تضامنی می کند وارد مسئولیت تضامنی می کند .

اما ماده ۲۷۴ ق ت امره است وحالا می گوییم امره نیست .

ماده ۲۷۴ ق ت ابتدا امره است اما به شرطی وشروطه ها درجایی که طرفین متعاملین به اصحاب سند تجاری توافقی داشته باشد که مدت کمتر یا بیشتر را منوط به نظر کند قابل قبول است ودر این حالت که شرط ضمن عقدی وجود دارد یا بهتر بگوییم توافق دیگری بین طرفین است قانون گذار ان را پذیرفته و این

جاست که ماده ۲۷۴ ق ت امره بودن خود را از دست می دهد این جاست که بیشتر نمایان می شود ان المؤمنون عند الشروطهم - يا الذين امنوا اعطوا به العقود - ماده ۱۰ ق م یعنی خود قانون گذار در مادتین ۲۷۸ و ۲۷۹ ق ت خود آن پذیرفته که اقا به شما اجازه می دهم که خلاف ماده ۲۷۴ ق ت توافقی انجام بدھید ماده ۱۰ ق م را به اجرا بگذارید مادتین ۲۷۸ و ۲۷۹ می خواهد بگوید .

و حالا ماده ۲۷۸ ق ت بدون هیچ شکی عنوان می کند که همه اینها که گفتیم اصلا مشکلی ندارد که مدت را اگر طرفین توافق داشتن صادر کننده و دارنده وکلیه ظهر نویسها اگر با هم توافق داشتن مطابق مراضات حاصله می تواند هر مدتی که خودشان دوست دارند انجام بدهند برخلاف ماده ۲۷۴ ق ت که گفتیم چی شد که ماده ۲۷۴ ق ت اصلا امره است ؟ هنوز هم می گوییم امره است نکته آن اینجاست ماده ۲۷۴ ق ت در حالتی امره است که توافق جداگانه ای بین طرفین وجود نداشته باشد یعنی از ماده ۲۷۵ و ۲۷۸ استفاده نکرده باشد در این حالت حتما ماده ۲۷۴ ق ت امره است اما اگر طرفین از مادتین ۲۷۸ و ۲۷۹ استفاده کردند یعنی مطابق توافق و تراضی خودشان مدتی کمتر یا مدتی بیشتر را هم به تائید رسانند همان ملاک عمل است و ماده ۲۷۴ ق ت دیگر جنبه امره ندارد . چقدر قشنگ نمایان پیدا می کند تلفیق بین حقوق مدنی و حقوق تجاری و مقررات فرانسه و فقه امامیه قانون این را می گوید ماده ۱۰ قانون مدنی هم ان را می گوید در مقررات عمومی مدنی ۳ شرط ضمن عقد همین را تائید می کند تا جایی که مخالف قانون نباشد در صورتی که خود قانون دارد به ما جواز می دهد در فقه هم می گوید المؤمنون عند الشروطهم - يا ايها الذين امنوا اعطوا به العقود ايجا تازه خيلي بيشتر ان ايه شريقه ملاک پیدا می کند لاتکدوا اموالهم بينكم بلاطلا الا ان تكون تجارا تراض اينها همه با همدیگر تلفیق پیدا می کند که به ما بگوید پس امره فکر نکنید بعضی وقتها می تواند امره نسبی باشد .

بعضی موقع ها امره می تواند نسبی باشد و قانون گذار در جای دیگری مقررات دیگری را بپذیرد عملا فلسفه حقوق است .

برات رجوعی چیست؟ برای که خیلی از آن سوال میاد در کنکور اما خیلی کاربردی ندارد در گذشته در رابطه اشخاص و تجار و بانکها زیاد کار برد داشته ولی این را الان ندیدم خیلی کاربردی داشته باشد با یک مثال و یک شکل توضیح اش می‌دهیم. یک برای کسی را یک شخصی صادر می‌کند اسم آن را می‌گذاریم یک کسی دارنده آن است اسم آن را می‌گذاریم ت یک کسی هم برات گیران است چندین دست ظهernoیسی هم شده از همین فاصله بین برات گیر تا دارنده ممکن است ۳ الی ۴ دست ظهernoیسی شده باشد در مرحله بعدی دارنده ای است می‌گوید پولم را بدید این اشخاص هیچ کدام نمی‌توانند پرداختی انجام بدهند یعنی نه صادرکننده نه برات گیر و نه ظهernoیسها الان نمی‌توانند وجه را کارسازی کنند یک ثالث بیکاری پیدا می‌شود که می‌تواند یک شخص باشد که من اسم آن را می‌گذارم حسن قلی خان می‌تواند بانک باشد که بیشتر بانک است چون سود دارد این کار این برای که باید الان پرداخت شود این مسئولین عاجز هستند از پرداخت آن این ثالث پرداخت می‌کند اقای دارنده شما پولت را بگیر و برو دنبال کارت این راحسن قلی خان یا بانک می‌گوید یعنی منظورم این است که هم می‌تواند شخص حقیقی باشد هم می‌تواند شخص حقوقی باشد مثل بانک. اما حالا که دارای پولت را می‌گیری که ارزشش هم ۱ میلیون یورو است شمایی که پولت را گرفته رفته الان دارنده بودی شما حالا یک برای را صادر کنید به نفع من به نفع ثالث که قرار باشد پرداخت آن توسط همین مسئولین که عاجز بودن تا حالا پرداخت شود اما دیگر ارزشش ۱ میلیون یورو نیست ممکن است ۱میلیون و ۲۰۰ هزار یورو باشد بخاطر این می‌گویند برات رجوعی در آن قبولی شخص ثالث دیگر برات جدیدی صادر نمی‌شود اینجا این برات اقای دارنده پرداخت شد و رفت واشان برای که نفع ثالث که قرار است برات گیران یکی از صادرکنندگان یا ظهernoیسان باشند بخاطر این به آن می‌گوییم برات رجوعی اسم آن روش است برات رجوعی.

ماده های برات رجوعی ماده ۲۹۸ ق ت امده برات رجوعی را تعریف کرده ماده ۲۹۹ ق ت مشارالیه منظور آن ظهernoیسان است.

حال در یک عبارت خیلی اکادمیک حقوقی و تجاری می‌شود با توجه به ماده ۲۹۸ و ۲۹۹ از قانون کرد
برات رجوعی عبارتند از برای که دارنده برات اصلی پس از اعتراض برای دریافت وجه آن و همچنین مخارج
صدور اعتراض نامه و همچنین تفاوت نرخ به عهده برات دهنده یا یکی از ظهernoیسها اصلی صادر می‌کند.

و در یک جمله خلاصه و مفید

می‌توان گفت مبلغ برات رجوعی که قطعاً بیش از برات اولیه است چنین ارقامی می‌تواند باشد :

۱- مبلغ برات اصلی

۲- هزینه و اخواست برات اصلی ۳- هزینه برات رجوعی ۴- حق کمیسیون و دلالی که بانک می‌خواهد
بگیرد یا ثالث

در ضمن این نکته را هم درباره برات رجوعی باید حتماً توجه داشت که برات رجوعی زمانی صادر
می‌شود که اعتراض نامه انجام شده باشد از اعتراض عدم تادیه ما نمی‌توانیم برات رجوعی صادر
کنیم حتماً برات رجوعی زمانی صادر می‌شود که اعتراض انجام شده باشد اینها همه نکات کنکوری است.
دومین نکته آن این است که برات رجوعی همیشه به روئیت است برات رجوعی حال است یعنی حتماً
هماهنگی وجود دارد یعنی ثالث بدون هماهنگی با این مسئولین به این اتفاق نمی‌گوید برات صادر گن فعلاً
یک جوری فور جه دادن به اینهاست می‌گوید اینها ندارن پرداخت بکنند یک مذاکره با آنها بکنیم که اتفاق من
وجه پرداخت این را پرداخت می‌کنم برو اما به جای ۱ میلیون یورو شما ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار یورو را باید
پرداخت بکنید عیب ندارد ۶ ماه دیگر بیا قبول کن اما خود آن باید به روئیت باشد.

حق بگراند

بنام انکه عادل است و عدالتگر یگانه نگین عدل خداوند است و بس

عنوان درس: بررسی قوانین خارجی و درباره سفته

مبحث ۱۲ قوانین تجاری ماده ۳۰۵ ق.ت این ماده قانونی بسیار ساده است به عنوان قوانین خارجی که می‌تواند در تعهدات برواتی و یا سایر اسناد تجاری قابل کاربرد باشد صدر ماده ۳۰۵ ق.ت اشاره به این می‌کند می‌گوید برواتی که توسط تجار صادر شده و اینکه در خارج از مملکت ایران به وقوع پیوسته است حتماً شرایط اساسی برات تابع قانون مملکت محل تنظیم یعنی کشوری غیر از ایران است این موضوع در صدر ماده ۳۰۵ ق.ت ایران باید اشاره کرد که سایر تعهدات برواتی الزاماً و تکلیفاً تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا بوجود آمده است یعنی ممکن است برآتی در یک مملکتی صادر شود و تعهدات آن در یک مملکت دیگری باشد این موضوع هیچ منافاتی با یک سند تجاری که نام آن برات است ندارد با صدور یک سند تجاری ندارد در چارچوب مقررات حقوق بین الملل خصوصی این نکته قابل بحث است.

در انجائی که قبلاً اشاره کردم در مقرراتی عنوان کردیم دربحث تعارض قوانین انجا اشاره کردم که می‌تواند مقررات دو کشور با همدیگر تعارض داشته باشد اما بر اساس چارچوب مقررات تعارض قوانین را می‌شود انها را حل کرد اینجا به نظر من خوب قانون گذار پیش بینی کرده که یک سند می‌تواند در یک کشوری صادر شود مطابق آن مملکت تعهدات آن

می‌تواند در یک کشور دیگری اجرا شود مطابق آن مملکت پس عملای

می‌شود بیش از هر ۲ کشور وجود داشته باشد در یک رابطه برواتی یا یک سند تجاری تفاوتی نمی‌کند و ماده ۳۰۶ ق.ت این ۲ ماده چند تا نکته کنکوری دارد که برایتان می‌گوییم این ماده ۳۰۶ ق.ت خیلی

قشنگ می اید ماده بالا را تکمیل می کند یعنی وقتی صحبت از تعهدات و روابط برواتی می کند چه کار می شود کرد تا حقوق را حفظ کرد ؟ ۱- توقيف اموال یا اگر بخواهیم بحث کفری آن را در نظر بگیریم ۲- ممنوع الخروج کردن آن شخصی که یک همچین دهی را دارد .

سفته : فقط در ۳ ماده قانونی درباره سfte است . اولین چیزی که به ذهن شما می اید چیست ؟ اصل وحدت اشتراک برات و سfte که اگر اشتباه نکنم ماده ۳۰۹ ق ت درباره این موضوع صحبت می کند .

ماده ۳۰۷ ق ت نکات بسیار کنکوری دارد اولین چیزی که ازاین ماده استخراج می شود این است که در سfte ۲ طرف وجود دارد دیگر مثل برات که حداقل ۳ طرف وجود دارد نیست ظهر نویسان بحث شان جداست اینجا هم می تواند ظهر نویس وجود داشته باشد . در برات ۳ نفر وجود دارند صادرکننده - دارنده - برانگیرحال می تواند ۱۰۰ هزار ظهرنویس داشته باشد اینجا هم {سفته} می تواند ۱۰۰ هزار ظهرنویس وجود داشته باشد . در سfte یک صادرکننده و یک دارنده وجوددارد دیگر آن شخص ثالثی که باید درابتدا وجود داشته باشد دیگر محملي ندارد . صادرکننده شخصی است که متعهد است از ابتدای پذیرد که مبلغ سند را درسررسید کارسازی کند و شخص دارنده هم متعهدله است که خود آن این شخص می تواند این سند را ظهرنویسی کند و به هر کس بدهد

نکات ماده ۳۰۷ ق ت : ۱- سندی است عادی ۲- منظور از امضاینده صادرکننده است وظاهر ماده می گوید سfte باید حتماً امضا داشته باشد و این اشتباه است در صورتیکه باید مهر هم داشته باشد شما نگاه کنید ماده ۳۰۸ ق ت را متوجه می شوید قانون گذار یادش رفته بنویسد مهرو امضا نکته آن فوق العاده کنکوری است دوره چهارم ق ت فرانسه در مورد سfte فقط امضارا ملاک قرارداده بود قانون ما هم از ان ترجمه شده در این ترجمه این صورت گرفت اما در ماده ۳۰۸ قانون گذار ما خودش اصالتاً درنظر گرفته که سfte را براش مهر هم در نظر بگیرد به این شکل این دو ماده باهمدیگر تفاوت تستی پیدا می کند و دست را باز می گذارد برای طراح سوال بنابراین سfte می تواند امضا یا مهر داشته باشد که این صدر ماده ۳۰۸ ق ت

تاكيد مي کند و هر کدام از اينها مکفی است و می تواند هر دو باهم باشد . ۳- مبلغ آن هم باید مشخص باشد ۱۰۰ تومان / ۱۰۰ ميليارد / ۱۰۰ هزار يورو

۴- در موعد معین یعنی نشان می دهد که عملا سفته یا فته طلب هم

می تواند مدتدار باشد می گوید در مدت معین یعنی مدت آن کاملا مشخص است یا عندالمطالبه باشد یعنی حال باشد به روئيت باشد اينها همه يك معنی را می رساند . اما عبارت عندالمطالبه/حال و به روئيت در ۳ سند تجاری در مورد برات ديديم اگر زماندار یانبود می گفتيم به روئيت است می خواهيم ببینيم در قانون به چه شکل است در مورد سفته وقتی قانون گذار می گوید زمانی وجود ندارد می گوید عندالمطالبه است و در مورد چک وقتی که مدتدار نباشد می گوید حال است هر سه يك معنا را دارد حال / به روئيت / عندالمطالبه اما عندالمطالبه در سفته به روئيت در برات و حال در چک بكار رفته .

اما ماده ۳۰۷ يك نكته اساسی دیگری هم در مورد آن وجود دارد در ماده ۳۰۷ شما می توانيد ببینيد که
انتهای ماده اشاره

می کند که می تواند اين سند در وجه حامل خاطرتون است در بحث برات نمی تواند در وجه حامل باشد اما در مورد سفته یا فته طلب می بینيم که سفته هم می تواند حامل باشد هم می تواند در وجه شخص معين باشد هم می تواند به حواله کرد باشد مثل چک که اين مورد ۵ بود . در نهايىت سندی که تاريخ نداشته باشد می تواند براین اساس هم باشد که شخص صادر کننده وکالتی به شخص دارنده داده که خودش تاريخ آن را تكميل کند اين وکالت می تواند يك وکالتname عادي باشد می تواند يك وکالتname رسمي باشد و در ضمن در سفته فراموش نمی کنيد که خود صادر کننده تعهد می کند که اين سند را در تاريخ آن کارسازی کند و به عنوان متعهد اصلی اين سند به حساب می ايد . با ذكر اين مطالب خيلي مهمی که در ماده ۳۰۷ گفتم اما ببینيم تفاوت عمدی سفته با برات چيست؟ سفته می تواند در وجه حامل صادر شود اين در مادتین ۳۰۷ و ۳۰۸ ق ت است اما مطابق بند ۷ ماده ۲۲۳ ق ت برات به هیچ وجه نمی تواند در وجه حامل باشد . ماده ۳۰۸ ق ت در اين ماده می بینيم که سفته باید علاوه بر امضا مهرهم داشته باشد در ضمن

باید این نکات ماده ۳۰۸ ق ت درمورد آن لحاظ شود پس متوجه می شویم که یک شرایط اساسی در مورد سفته یا فته طلب وجود دارد که باید بررسی شود و یک نکته ای که قانون گذار به ظاهر قصور کرده در ماده ۳۰۸ که در مورد آن صحبت می کنیم وان هم نام گیرنده وجه است . می گوید گیرنده وجه باید روش باشد اما از طرفی قانون گذار خودش پذیرفته که این سند می تواند در وجه حامل باشد پس چطوری این ۲ ماده با هم جمع بشوند ؟ این ۲ ماده با هم تعارض دارد یعنی عبارت ماده ۳۰۸ ق ت انجائی که می گوید گیرنده وجه اصلاً نوشتن آن اشتباه بوده وبا ماده ۳۰۷ که می گوید این سند می تواند در وجه حامل باشد عملاً با هم قابل جمع باشد .

شرایط الزامی سفته : ۱- امضا یا مهر مثلا در برات این موضوع را بررسی کردیم گفتیم این امضا یا مهر نشان دهنده چه می تواند باشد ؟ قصد واراده صادر کننده یعنی ماده ۱۹۰ ق م همینطور در سیستم حقوقی انگلوساکسون می شود ازرا کاملاً مورد توجه قرارداد که امضا یا مهر می تواند دلالت بر قصد ایجاد یک رابطه حقوقی وقانوی باشد که در ماده ۱۹۰ ق م و همینطور در ماده ۱۹۱ این قانون امده ماده ۱۹۰ ق م مورد اول آن کفايت می کند در اینجا همان قصد و رضا است .

ماده ۱۹۱ ق م نشانگر این است که قصد ایجاد یک رابطه حقوقی ویک سند تجاری می تواند با امضا یا مهر نمود پیدا کند که این موضوع در ماده ۳۰۸ ق ت هم به وضوح اشاره شده .

۲- تاریخ صدور این سند باید مشخص باشد که این سند در چه تاریخی صادر شده است این موضوع در صدر ماده ۳۰۸ ق ت اشاره شده

۳- قید مبلغ به حروف است اگر خاطرتان باشد زمانیکه بحث برات را بررسی می کردیم اشاره کردم علارقم اینکه قانون گذار می گوید مبلغ با حروف نوشته شود و این موضوع در بحث برات در ماده ۲۲۵ مشخص کردیم که امره نیست یعنی بایدی در مورد آن بکار نرفته به همین خاطر از ملاک همان جا استفاده می کنیم می گوییم در مورد سفته هم هیچ اجباری وجود ندارد که حتماً به حروف نوشته شود و اگر با عدد هم نوشته شد دلیل براین نیست که این سند فاقد اعتبار و موضوعیت است .

۴- نام گیرنده وجه ما در مورد سند در وجه حامل که گیرند وجه ای نداریم یعنی اگر پهلوان سندی را صادر کرد و از اختراب بلوری قرار داد و از این می خواست به شکل حامل انجام دهد دلیل ندارد که اسم بلوری را بنویسد فقط درستان مربوط به گیرنده آن نوشته می شود حامل نوشتن اینکه نام گیرنده وجه با ماده ۳۰۷ ق ت تعارض دارد چون وقتیکه حامل است ما نمی توانیم این عبارت را بکار ببریم .

۵- تاریخ سرسید سند است که در ماده ۳۰۸ ق ت مورد قبول قرار گرفته در ماده ۳۰۸ ق ت باید عنوان می شد که نام گیرنده یا سند در وجه حامل این جوری اگر نوشته می شد قابل قبول بود اینجا الان با نوشتن نام گیرنده عملا حامل را از موضوعیت خارج کرده .

اما فرمهایی که در مورد سفته وجود دارد نسل برات یک فرمهای مخصوصی توسط وزارت اقتصاد و دارائی به چاپ رسیده که می شود از انها استفاده کرد و در بانکها هم وجود دارد که می توانند اشخاصی از ان استفاده کنند و بابت هر ۱۰۰۰ تومان مالیات پرداخت می شود . اما ماده ۳۰۹ ق ت این ماده قانونی اصل وحدت اشتراک بین سفته بابرات است اما یک تفاوت های بین سفته و برات وجود دارد که با همین ۳ تا ماده قانونی می توانیم به این شکل تقسیم بندی کنیم که :

برات و سفته از نظر شرایط شکلی با همیگر فرق می کند .

از نظر قبول و نکول است قبول و نکول برات که در سفته وجود ندارد

قبولی شخص ثالث است که در سفته وجود ندارد

وقتیکه بحث برات را نگاه می کنیم فصل اول باب چهارم شامل ۱۲ مبحث است که درباره برات صحبت می کنیم در قانون تجارت مبحث اول و دوم و سوم این فصل در مورد سفته یا فته طلب یا موضوعات مورد اجرا نیست و قابل کاربرد نیست . مبحث اول آن راجع به شکل برات / مبحث دوم آن راجع به قبول و نکول

برات است / مبحث سوم آن راجع به شخص ثالث است اما بقیه مباحث آن در قالب موارد در مورد سفته یا فته طلب قابل کاربرد است ولی نمی توانیم از آن استفاده کنیم .

وقتی صحبت از چک و سفته و برات می کنیم بحث تجاری بودن آن یا نبودن آن چقدر قابل اهمیت است که شما در تجارت ۱ درمورد اشخاص یعنی تجار و غیر تجار و حال می خواهیم ببینیم که در اسناد تجاری به چه شکلی است شما با ماهیت تاجر در ماده ۱ ق ت / ماده ۵ ق ت / ماده ۲ ق ت اشنا هستید صدر تجارت ۱ شما با تاجر شروع می شد وقتی صحبت از تجاری بودن یا نبودن اسناد تجاری می کنیم که ایا ماهیتا خود این اسناد که از آن صحبت می کنیم و اسم آن را می گذاریم اسناد تجاری ایا ماهیتا و ذاتا تجاری محسوب می شود یا نمی شود ؟ در مورد برات بحث خیلی روشن است در ماده ۲ ق ت مسئله را کاملا برایمان روشن کرده ماده ۲ بند ۸ مشخص می شود که به طور مستقیم و بدون هیچ واسطه ای معاملات مربوط به اسناد برواتی چه بین تجار باشد مثل کمپانی ایران خودرو و سایپا در ایران یا بین دو فرد معمولی باشد مثل من و همتی هیچ تفاوتی نمی کند ذاتا و ماهیتا و جوهرا سند برات تجاری محسوب می شود اما در مورد سفته یا فته طلب که تجاری محسوب می شد در قانون تجارت ذکر نمی کند یعنی ذاتا و ماهیتا سفته در هیچ کجای ق ت و یا هیچ قانون دیگری ذکر نشده که ایا تجاری محسوب می شود یا نمی شود اما به واسطه اینکه بین تجار در عملیات تجاری خودشان با بت خرید و فروش با بت ابیاع انجام می شود درست است که ذاتا تجاری محسوب نمی شود اما می تواند تبعا انرا تجاری محسوب بکنیم چون بین تجار رد و بدل می شود. در مورد چک چطور ؟ ماده ۳۱۴ ق ت را نگاه بکنید انجا می گوید که ظاهرا تجاری نیست قبل از اینکه ماده ۳۱۴ ق ت را بخوانیم در مورد سفته یا فته طلب یک رأی اصراری هم دیدیم که وجود دارد در مورد رأی اصراری از دیوان کشور وجود دارد که می گوید اگر سفته بین تجار برای عمل تجاری باشد تجاری محسوب می شود .

ماده ۳۱۴ ق ت قانون گذار اشاره می کند صدور چک ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتا عمل تجاری نیست ان چیزی که در مورد سفته میتوان از آن استفاده کرد می دانید که یک مفهوم مخالف می شود از

این استخراج کرد پس می توانیم نتیجه بگیریم که تبعاً که می تواند عملیات تجاری محسوب شود یعنی به واسطه ای که بین تجاربرای عملیات تجاری باشد تجاری محسوب می شود ماده ۵ ق ت.

حقوق
دانش

بنام حضرت دوست خالق زیبائی اوست بازگشت همه خوبان به اوست یگانه دادگر روز فرجام هم اوست

عنوان درس: چک

ساده ترین مطالب درباره چک و چند ماده قانونی که مورد توجه قانون گذار است.

ما ده ۳۱۰ ق ت همانجوری که می بینید درق چک وجود دارد در چک یک صادر کننده است و یک دارنده ای است روئی برد یک محال عليه هم است ولئ در صدور این سند تجاری نقشی ندارد یعنی ابتدایک شخصی صادر کننده یک چکی است و انرا امضا و توشیح می کند و در اختیار او می گذارد به عنوان دارنده که متعهد له هم است و یک محال عليه ای که آن وجه را باید پرداخت کند مطابق ق ت این محال عليه

می تواند بانک یا غیر بانک باشد دقیق می فرمائید پس بر اساس ق ج که موخربرق ت است و تخصیص دهنده ق ت است و الویت با ق ج است محال عليه حتما بانک است اما در ق ت اشاره به این نکرده که این محال عليه حتما بانک باشد ماده ۳۱۰ به این موضوع اشاره دارد و به عنوان یک تعریف خیلی خلاصه و مفید می شود عنوان کرد که چک یک سند عادی قابل قبولی است که شخص تمام یا قسمتی از حساب خود را به دیگری و اگذار می کند و بر حسب دستوری که به محال عليه می دهد اورا مکلف می کند که در وجه مندرج در چک را به نفع متعهد له کارسازی نماید در سرسید معین به این میگویند چک خیلی شباهتهای زیادی دارد به سفته و برات و تفاوتنهای هم دارد . اما چک از جمله حسابهای که حتی اگر همه موجودی هم برداشت شود همه موجودی هم کسر شود این حساب مسدود نخواهد شد به عنوان مثال می گوییم اگر مادر بزرگ افای امینی یک دفتر چه حسابی دارد مثل دفتر چه حسابهای پس انداز اگر همه موجودی اش را از بانک بردارد این حساب مسدود می شود می گویند مادر جان این حسابت دیگر باید مسدود شود اگر همه را برداشت بکنی اما حسابهای جاری مربوط به چک از جمله حسابهای است یعنی می شود گفت تنها

حسابی است که اگر همه موجودی هم برداشت شود این حساب مسدود نخواهد شد این فقط مخصوص چک است یعنی شما ممکن است ۱۰۰ میلیون در حساب باشد ۱۰۰ میلیون مطابق یک فقره چک از حساب خارج کنی ولی حساب مسدود نمی شود.

ماده ۳۱۱ ق ت قانون گذار در ماده ۳۱۱ ق ت چک وعده دار را تائید نکرده اما در اصلاحیه سال ۸۲ ما چک وعده دار داریم وقابل قبول قانون گذار هم است این باز یکی ازتفاوتهاست ق ت با ق ج است که ق ج ازرا تخصیص زده که گفتیم الوبت با ق ج است که با هم می خوانیم در ضمن متوجه می شوید که چک باید امضا داشته باشد.

ماده ۳۱۲ ق ت پس چک هر سه حالت اسناد تجاری را مثل سفته دارد هم می تواند حامل باشد هم می تونه حواله کرد باشد وهم می تواند در وجه شخص معین باشد.

ماده ۳۱۳ هم همینطور برعکس ق ج برعکس ماده ۳ مکرر ق ج است . ماده ۳۱۳ می گوید وجه چک به محض ارائه باید کارسازی شود منظور آن این است که اگر چک مدتدار هم باشد بانک نباید به مدت توجه کند به محض ارائه باید وصول شود که این عکس ق ت است . می دانید منظور آن چیست منظور آن این است که می گوید اگر امینی یک چک را امروز صادر کرده ۸۹/۲/۱ سرسید آن را گذاشته در چک نوشته در این حالت می گوید بانک نباید به این نگاه کند که سرسیدش ۶ ماه دیگر است به محض ارائه باید کارسازی شود یعنی می خواهد بگوید چک مدتدار قابل قبول نیست انجائی که می گوید به محض ارائه باید کارسازی شود منظور آن این است که بانک نباید به مدت توجه کند البته اینطور نیست این ق ت برعکس ق ج است که الوبت دارد یعنی چک مدت دار قابل قبول است ولی قانون گذار در ق ت ان موقع قانونگذار توجه به این موضوع کرده که نه چک مدتدار قابل قبول نیست در ضمن زمانی هم که حتی این ماده ۳۱۳ اجرا شود شاید ۲۰ درصد بانکها فقط چک مدت دار را گفتند عیبی ندارد باید آن را وصول بکنیم و اگر پول در حسابش نیست برگشت بزنیم و ۸۰ درصد بانکها قبول نمی کردند می گفتند نه اقا برو سروعده یعنی امر خلاف قانون انجام می دادند می گفتند نه اقا مد نظر صادر کننده تاریخ در این سرسید باشد خوب

غالبا هم در آن تاریخ پول به حساب آن نبود بخاطر همین گواهی عدم پرداخت صادر نمی کردند ولئے قانونگذار در ماده ۳۱۳ می گوید چک نباید وعده دار باشد چک باید حال باشد عکس قانون فعلی چک که با هم نگاه می کنیم یعنی در حال حاضر چک وعده دار در سیستم حقوقی ایران قابل قبول است.

ماده ۳۱۴ خوب اینرا هم بارها باهم خواندیم بحث وحدت اشتراک است. ماده ۳۱۵ ق ت ۱۵ روز مهم است درمورد مهلت ها و مواعده بسیار مهم است. پس اگر از یک نقطه به نقطه دیگر باشد مدت زمان مواعده و مهلت ها ۴۵ روز است به عنوان ضمانت اجرائی عدم رعایت مهلت زمان ۱۵ روزه و ۴۵ روزه عدم مراجعته به ظهرنویسها که قانونگذار پیش بینی کرده یعنی اگر شما مهلت ۱۵ روزه و ۴۵ روزه ماده ۳۱۵ را توجه نکنید و همینطور ۴ ماهه ماده ۳۱۷ که با هم می خوانیم دیگر حق مراجعته به ظهرنویسها را ندارید.

ماده ۳۱۶ - ماده ۳۱۷ این ۴ ماه هم همینطور انجا ۱۵ روز را داشتیم برای داخل شهر ۴۵ روز را برای یک شهر به شهر دیگر و ۴ ماه را برای خارج از کشور که اگر این مواعده و مهلتها و زمانها رعایت نشود دیگر حق مراجعته به ظهرنویسها وجود ندارد همه ق ت در مورد چک همین است.

حال می خواهیم برویم سراغ قانون چک ما ق ج سال ۷۲ را داریم اصلاحیه ۷۶ داریم و اخیر اصلاحیه سال ۸۲ هم ملاک عمل است که به عنوان قانون لحاظ خواهد شد.

ماده ۱ اصلاحیه سال ۸۲ چک عادو اعتبارش فقط توسط صادر کننده است اما بقیه را ببینید فرق می کند و همین جا یک نقطه ظریفی است چک تائید شده و تضمین شده یک تفاوتی با همدیگر دارد چک تضمین شده را بانک صادر می کند و پرداخت می کند چک تائید شده را شخص صادر می کند و بانک تائید می کند

ماده ۲ ق ج می گوید که در حکم اسناد لازم الاجرا است جلسه دوم یا سوم اگر خاطرتان باشد گفتم که یکی از امتیازات و ویژگی های خاص چک همین در حکم سند لازم لاجربودن است. سند لازم الاجرا چیه و چه امتیازی دارد؟ سند لازم الاجرا یک سندی است که حکم قطعی دارد اما یک شکل دیگر آن این است که

آن بیشتر قابل توجه است اصلاً دیگر نیاز به مراجعه دادگاه ندارد و آن سندی که حکم قطعی صادر می‌شود لازم الاجراست اما سند لازم الاجرا سندی است که دیگر نیاز به حکم دادگاه ندارد مثل چک می‌توانید مراجعه بکنید به اجرای ثبت سازمان ثبت و املاک کشور و بدون حکم دادگاه در کمترین پروسه زمانی شما آن سند را بخواهید یعنی می‌توانید مالی معرفی کنید از شخصی که چک او برگشت خورده بگویید اقا این خونه مال مهمان نوازان است چکش برگشت خورده توقيف کنید حسب اینکه گواهی عدم پرداخت تشکیلات آن رعایت شده در کمترین پروسه زمانی بدون مراجعه به دادگاه بدون حکم به این می‌گویند سند لازم الاجرا ماده ۲ ق ج هم این را تأیید می‌کند علارقم اینکه سند عادی است فراموش نکردید که این گواهی نامه کدام گواهی نامه است عدم پرداخت است همان گواهی عدم پرداخت رای وحدت رویه رای دیوان کشور مصوب ۱۳۶۹ که گفتیم دیگر نیاز به واخواست ندارد اجرای ثبت باید چه کار کند حتماً باید مطابقت کند امضا

امضا بسیار مهم است چون همه در بانک محل علیه یک نمونه امضا دارند چکی که من صادر می‌کنم وقتی می‌روید در بانک مسئول آن نگاه می‌کند ببیند این امضا با امضائی که مهمان نوازان دارد نمونه اش را توئی بانک تطبیق دارد همین قائم مقام قانونی انجا هم بحث وکالت را دارد مطرح می‌کند دقت می‌کنید می‌گفتیم ظهر نویسی به عنوان وکالت یادتان است حال امروز می‌خواهم یک نکته خیلی کلیدی را درمورد آن بگوییم تبصره ماده ۲ ق ج - ماده ۳ ق ج کم کم دارد ایرادها و تفاوت‌های بین ق ج و ق اصلاحیه درمی‌اید می‌گوید صادر کننده در تاریخ مندرج در چک دیگر نمی‌گوید آن لحظه‌ای که چک را صادر کرد چون یادتان است که در ماده ۳۱۳ می‌گوید وجه چک به محض ارائه باید کارسازی شود ولی فلحال ماده ۳ ق ج را نگاه کنید بچه‌ها یادتان است که این ماده را یکبار با هم خواندیم یکبار گفتیم که اگر در ضمن یک چک شرطی گنجانده شده باشد بانک برای پرداخت آن به آن شرط توجه نخواهد کرد یادتان است اینرا با هم خواندیم یعنی اگر بنده چکی را صادر کرده برای اقامه حقیقی بعد در آن نوشتیم اقامه حقیقی خونه اش را به من بفروشد دقت می‌فرمایید بانک نگاه می‌کند می‌بیند خوب در حساب بنده پول است پرداخت می‌کند به

شرط توجه نمی کند این را ماده ۳ دارد می گوید اما در ادامه باید چیزهای دیگری اضافه خواهد شد چونکه بندج ماده ۱۳ ق ج یک موضوع دیگری را هم می گوید در تکمیل ان .

ماده ۳ مکرر ق ج می بینید این هم باز یک تفاوت دیگر با ماده ۳۱۳ می گوید فقط چک را در تاریخ آن و بعد از آن می توانید مطالبه بکنید نه غیر از آن . ماده ۴ ق ج باز هم همش تاکید دارد که باید امضا خیلی دقیق باشد مطابقت داده باشد با نمونه امضائی که در بانک است این همه دلایلی دارد که بیشتر باآن اشنا خواهیم شد خیلی دقت بفرمائید ماده ۵ ق ج صحبت از محل کرد باز دوباره این همان محل یعنی اعتبار وقتی می گوییم محل ندارد یعنی اعتبار ندارد . ماده ۶- ماده ۷ اما این ماده که بحث مسائل کیفری را مطرح می کند بچه ها بدانید قانون چکی که ما داریم می خوانیم اصلاً مربوط به درس حقوق تجارت نیست چرا باید یک خلاصه ای را از آن من می گفتم چرا که در طول ترم کل آن را گفتم بحث ق ج مربوط به جزای اختصاصی ۳ است چون بحث کیفری چک را مطرع می کند اما نکات آن و ظرایف آن و ان چیزهایی که لازم و ضروری است را بدانید دقت می فرمائید که تلفیقی از حقوق تجارت و حقوق مدنی و قانون چک و قانون ثبت است که اینها چمع کردنش با هم دیگر یک شاهکار می تواند باشد که دانستن آن برای شما به نظرم بسیار مفید هستش . حال در این ماده قانونی می خواهد بحث کیفری چک را بگوید ان چیزی که شما خیلی موقع می شنوید به صورت عامیانه درنظر بازاریان که چک دیگر وجه کیفری ندارد در صورتی که اول ترم هم گفتم چک همچنان دارای وصف کیفری است اما شرایطی دارد که باید به ان توجه شود نگاه کنید .

بزه که می دانید یعنی اینکه یک عمل خلافی انجام بدهد یک جرمی انجام بدهد در قانون ۷ سابق دیگر نیامده بود تقسیم بندی کند بر اساس اینکه مبلغ چک چقدر است مجازات در نظر گرفته شود دست را باز گذاشته بود برای قاضی که از ۶ ماه تا ۲ سال حبس برای یک چکی که برگشت خورده است و گواهی عدم پرداخت صادر شده و جلب شخص صادر شده و شاکی آن شکایت کیفری کرده صادر می شود اما فلحال می بینید در ق ج تقسیم بندی کرده که بر اساس مبالغ کیفری مجازات متفاوت خواهد بود در تبصره ۷ یک

جایی گفته روئ که منظور آن همان نزول دادن یک مدتی هم قوه قضائیه در زمان اقای شاهروند خیلی تاکید کرد در سالهای ۷۴ و ۷۵ که نزول خورها و کسانیکه در کار معاملات ربوی بودن را دستگیر می شدند یعنی اگر ثابت شود چک بابت معاملات ربوی و نزول خورئ و چیزی شبیه این است آن دیگر وجه کیفری خودش را از دست خواهد داد همه اینها باید اثبات شود .

ماده ۸ ق ج بانکهای خارجی را هم مورد تائید قرار داده خیلی ساده است .

ماده ۹ - ماده ۱۰ ق ج باز هم بحث کیفری دارد شخصی که به حالت کلاهبرداری می خواهد این کار را انجام دهد چیزی که در ماده ۱۱ ق م کلاهبرداران انجا هم پیش بینی شده در ماده ۱۰ که گفته به حداکثر مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد بود منظور آن همان ۲ سال است وتعليق هم که می دانید یعنی چیزی مجازات تعليقی مجازاتی است که اجرا نمی شود اگر بزه دیگری انجام داد این هم ان وقت به آن اضافه خواهد شد اگر شما یک موقع ای دیدید می گویند طرف ۱۰ سال مجازات تعليقی دارد نباید بگویید در این ۱۰ سال تو زندان چه کار بکند مجازات تعليقی هیچ وقت اجرا نمی شود مگر اینکه بزه جدیدی انجام شود که با هم جمع می شود این هم می گوید در ضمن این مجازات قابل تعليق نیست .

ماده ۱۱ ق ج را نگاه می کنید چک از جمله مجازاتهایی است که شخص تازمانیکه شاکی خصوصی نداشته باشد قابل تعقیب کیفری نیست یعنی جزء جرایم عمومی نیست علا رقم اینکه تمامی مسائل کیفری برهم زننده نظم عمومی است اما بعضی ها مشدده است و بعضی ها مخففه چک جزء ان مواردی است که اگر شاکی خصوصی نداشته باشد قابل تعقیب کیفری نیست یعنی دولت یا دادستان سرخورد نمی تواند این کار را انجام بدهند در ماده ۱۱ سه نکته وجود دارد که باید به آن توجه کرد درباره این مدت زمانهای ۶ ماه که در نظر گرفته ۱/ نیاز به شاکی خصوصی دارد جزء جرایم عمومی نیست در ماده می گوید تا ۶ ماه بعد از تاریخ صدور چک منظور آن تاریخ مندرج در چک است می گوید این ۶ ماه اگر رعایت نشود طرح شکایت کیفری منتفی است نه اینکه دیگر نشود چک را مبلغ آن را مطابق دادخواست نخواست یعنی مبلغ مندرج در چک را شما می توانید مطابق دادخواست بخواهید این ۶ ماه برای آن نیست اما وجه کیفری آن اگر این ۶

ماه را رعایت نکنید از بین میرود به چه شکلی به این عنوان که جناب اقای گودرزی در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۱ چکی را صادر می کند به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان به عهده بانک ملی شعبه دانشگاه دارنده این چک جناب اقای مشهدی است ظهرنویسی هم نمی خواهد انتقال به غیر هم نمی دهد پیش خودش نگه می دارد تاریخ این چک چه زمانی است ۱۳۹۶/۸/۱ است دقت می فرمائید از تاریخ ۱۳۹۶/۸/۱ اقای مشهدی می تواند مراجعت کند به بانک همان روز هم مراجعت می کند حساب گودرزی کارسازی نشده و ۱۰۰ میلیون در آن موجودی نیست از این لحظه تا ۶ ماه زمان دارد که گواهی عدم پرداخت از بانک بگیرد اگر این ۶ ماه را رعایت نکرد دیگر نمی تواند طرح شکایت کند این بسیار مهم است دقت می فرمائید ایشان ۶ ماه مهلت دارد ما بدترین حالت آن را در نظر می گیریم می گزارد روز اخر ۶ ماه اینکار را انجام می دهد یعنی ۱۳۹۶/۲/۱ اشکال ندارد قانون گذار ۶ ماه برای آن مهلت قائل شده که می تواند در ۶ ماه گواهی عدم پرداخت بگیرد حال از آن لحظه ای که گواهی عدم پرداخت را گرفت هم باز یک ۶ ماه دیگر وقت دارد یعنی در مجموع می شود گفت حداقل مدت آن ۱ سال وقت دارد عماه از تاریخ صدور ۶ ماه از تاریخ مندرج در چک و ۶ ماه از تاریخ گواهی عدم پرداخت یعنی باز زمانی که گواهی عدم پرداخت را گرفت ۶ ماه دیگر استارت می خورد که وقت دارد که برود طرح شکایت کیفری کند یعنی چگور می شود اگر ۱۳۹۶/۲/۱ گواهی عدم پرداخت گرفت از اینجا عماهه دیگر وقت دارد که برود طرح شکایت کیفری کند اما اگر همان روز اول رفت و گواهی عدم پرداخت را گرفت دیگر ۶ ماه وقت دارد دقت می کنید یعنی اگر همان روز اول ۱۳۹۶/۸/۱ رفت و گواهی عدم پرداخت را گرفت از این لحظه عماه وقت دارد که برود شکایت کیفری مطرح کند متوجه شدید چه جوری است وقتی که چکی صادر می شود و تاریخ مندرج در چک شخص وقت دارد که برود گواهی عدم پرداخت بگیرد از لحظه ای هم که رفت گواهی عدم پرداخت را گرفت ظرف این مدت ۶ ماه چه روز اول آن چه روز آخران باز از لحظه اخذ گواهی عدم پرداخت از بانک ۶ ماه دیگر وقت دارد که برود طرح شکایت کیفری بکند اگر روز با تعطیلی مواجه شد اشکالی ندارد روز اخر ملاک عمل خواهد بود این هم از موضوع مندرج در ماده ۱۱۱ ج چ حالت ببینیم منظور از دارنده کیست؟ می دانید منظور آن از انتقال قهری چیست؟ یعنی اینکه فوت بکند ورثه آن بصورت قهری صاحب آن سند بشوند می گویند در این صورت اشکالی ندارد پس اگر شخصی برای اولین

بار مراجعه کرد به بانک و گواهی عدم پرداخت گرفت فقط حق شکایت کیفری دارد دیگران حق شکایت کیفری نخواهند داشت در این مورد بینیم چه چیز می‌گوید تبصره ماده ۱۱ بله می‌تواند حق خودش را از بابت مبلغ چک به دیگری واگذار کند اما شکایت کیفری قابل واگذاری به غیر نیست می‌تواند بگوید اقا این چک ۱۰۰ میلیون ارزش دارد شما ببر این چک را وصول کن شما بروید طرح دعوا و طرح دادخواست کنید اما شکایت کیفری را نمی‌تواند به دیگری واگذار کند.

ماده ۱۲ ق ج یعنی اگر این کار را انجام بدهد دیگر قابل تعقیب کیفری نیست تا انجایی که در ماده می‌گوید قرار موقوفی صادر خواهد شد تبصره این ماده مهم نیست هر گونه دعوا می‌تواند از طرف وکیل دادگستری باشد

ماده ۱۳ ق ج قانون گذار در این ماده می‌گوید اگر این موارد اجرا شود دیگر تعقیب کیفری وجود دارد یکیش سفید امضا است یادتان است ظهرنویسی به عنوان وکالت را در مورد آن توضیح دادیم و در مورد سفید امضا صحبت کردیم آن قابل پذیرش و قابل قبول است اما وقتی که ثابت شود این کار انجام شده یعنی سند سفید امضا در اختیار شخص قرار گرفته دیگر تعقیب کیفری ندارد بند الف مثل همان موضوع سفید امضا است که توضیح دادیم گفتیم هیچ اشکالی ندارد و قابل قبول است اما قابل تعقیب کیفری نیست . بند ب دقت فرمودید در اینجا هم یادتان است قسمت انتهایی ماده ۳ را یادتان است گفتیم اگر در متن یک چک شرطی گنجانده باشد بانک به آن توجه ای نمی‌کند اگر تو حساب آن پول باشد می‌گوید بگیر و برو دنبال کارت اما اگر تو حساب آن پول نبود و چک برگشت خورد و گواهی عدم پرداخت صادر شد چون شرط در آن وجود دارد قانون گذار در ماده ۱۳ می‌گوید این چک قابل تعقیب کیفری نیست می‌شود دادخواست داد می‌شود مطالبه وجه چک خواست اما قابل تعقیب کیفری نیست این را قانون گذار در ماده ۱۳ می‌گوید در بند ب می‌گوید بند ج هم می‌گوید اگر ثابت شود که بابت تضمین هستش در این شرایط هم باز چک قابل تعقیب کیفری نیست بند د بند ه شاید مهمترین قسمت این ماده قانونی است و یکی از مهمترین قسمتهای اصلاحیه سال ۸۲ است اینجا است که خیلی‌ها را به اشتباه می‌اندازد و فکر ق ج وجه کیفری ندارد

بند ه می گوید در این حالت هم دیگر چک قابل تعقیب کیفری نیست منظور چیست از این قسمتی که در انتهای ماده ۱۳ اشاره می کند می خواهد عنوان کند اگر یک چکی امروز صادر شد اما تاریخ مندرج در آن ۱ماه بعد ۲ماه بعد ۶ماه بعد ۱سال بعد قید شد این چک قابل تعقیب کیفری نیست می خواهد چه چیزی را بگوید چک حتما باید به روز باشد فقط و فقط حال باشد تا قابل تعقیب کیفری باشد نه اینکه اگر حال نباشد صحیح نیست اشکالی ندارد اگر حال نباشد چک مطابق دادخواست قابل وصول است اما اگر بخواهیم وجه کیفری اش را رسیدگی کنیم چک فقط و فقط باید حال باشد غیر از این اگر باشد چک (باید ثابت بشد) البته اصل براینکه همه چکها به روز است دقت می کنید می شود ۹۹ درصد چکها عملاً مدت دار است پس اگر ثابت شود چکی مدت دار است وجه کیفری ساقط خواهد شد چک باید به روز باشد دقت کنید بعضی مواقع پیش می اید شخصی زرنگی می کند یعنی چی؟ یعنی شما چکی را صادر می کنید امروز تاریخ آن را می زنید برای ۶ماه دیگر خوب اشکالی ندارد از نظر قانون اشکالی ندارد قانون گذار این را پذیر فته اما اگر ثابت شود این کار را کردید و در حساباتان پول نباشه ان دارنده بیچاره وجه کیفری دیگه نمی تواند انجام بده باید ثابت بشد باید مدارک داشته باشد ممکن است هیچ مدرکی هم دستش نباشد نتواند ثابت کند شما فردی هستید که تجارت ۳ را خوب یاد گرفتیدومی گویید نه من این چک را امروز صادر کردم اگر ثابت شود که این چک مدت دار است دارنده دیگر نمی تواند وصف کیفری چک را داشته باشد یعنی صادر کننده بگوید نه اقا این چک مدت دار بود من ۶ماه پیش صادر کردم مدارکی هم دارم و شواهدی دارم دیگر بحث کیفری چک از دارنده از بین خواهد رفت اما اگر دارنده هیچ مدرکی نداشته باشد می گوید این چک را امروز برایم صادر کرده ومن امروز رفتم بانک اینجا دیگر بحث کیفری چک وجود دارد یعنی اگر ثابت شود چک مدت دار است بحث کیفری ندارد علارقم اینکه چک مدت دار است و می شود نسبت به آن دادخواست وصول داد باید بگویید ۱۰۰ میلیون چک شماره فلان به عهده فلان که توسط این جانب مطابق گواهی عدم پرداخت برگشت خورده است می شود یک دادخواست مطرح کرد اما بحث کیفری ندارد اگر ثابت شود دقت می فرمائید قانو نگذار دارد خیلی روش تاکید می کند ممکن است شما چکی را صادر کرده باشید در اختیار اقای همتی چکی را صادر کرده باشد به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان برای ۶ماه اینده و در

اختیار اقای گودرزی قرار داده یعنی صادر کننده آن خیلی زرنگ بوده تجارت ۳ را خوب یاد گرفته می‌گوید قرارداد بنویسیم و قراردادی می‌نویسد امروز ۸۹/۲/۱ بند همتی چکی را به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان باست خرید ۱۰۰ تخته فرش دستبافت در اختیار اقای گودرزی قراردادم سر ۶ ماه که می‌رسد اقای همتی این وجه را نمی‌تواند کارسازی کند اقای گودرزی اولین فکری که به ذهنش می‌اید تعقیب کیفری است برگشت می‌زند می‌رود دادگستری حکم جلبش را می‌گیرد و می‌خواهد زندانیش بکند به محض اینکه ثابت شود این قرارداد وجود دارد و این چک مدت دار است وجه کیفری آن از بین خواهد رفت دقت می‌فرمایند چک چکی که اگر بخواهیم طرح شکایتی کیفری بکنیم نسبت به آن حتماً باید بدون مدت باشد یعنی حال باشد اگر خلاف آن ثابت شود وصف کیفری اش از بین خواهد رفت مطابق اخرين اصلاحیه مصوب ۱۲۸۲ بند ۵ ماده ۱۳ این قانون دقت فرمودید پس در ضمن حال وقتی که صحبت این موضوع را داریم می‌کنیم حال می‌خواهیم بدانیم اگر شخصی مطابق این ماده قانونی وماده ۷ این قانون اگر به زندان افتاد یعنی جلب آن را گرفتیم چکش را برگشت زدیم ایا پول به شخص دارنده می‌دهند؟ نه برای دریافت وجه چک باید در هر صورت دادخواست صادر شود یعنی دارنده چک چه بخواهد تعقیب کیفری بکند چه نخواهد بکند چه شخص را به زندان بیاندازد چه به زندان نیاندازد چه برای شخص صادر کننده عمده تا ۲ سال حبس صادر شود چه نشود در هر صورت برای رسیدن به وعده چک دارنده باید دادخواست وصول مبلغ چک را بدهد این نکته را فراموش نکنید اگر این کار را نکرد به پولش نمی‌رسد بطور مثال برگشت زد همه چی ثابت شود به روز است وهر چه دادگاه هم به آن ۲ سال حبس به آن بدهد ۲ سال حبس را بکشد می‌یاد بیرون به پولی نمی‌رسه باید حتماً در ضمن این شکایت باید دادخواست بدهد برای رسیدن به پول خودش .

ماده ۱۴ ق ج - ماده ۱۵ ق ج همین بحثی بود که فلحال مطرح کردیم در صورت شخص باید نسبت به دادخواست وصول وجه چک و خسارت و هزینه هایی که کرده حتماً باید مجدداً یک دادخواست مطرح کند یعنی حتماً گرفتن تعقیب کیفری دال رسیدن به پول نخواهد بود .

ماده ۱۶ و ماده ۱۷ ق ج خارج از نوبت است چیز خاصی ندارد ماده ۱۷ می گوید شخص می تواند وثیقه بگذارد و به زندان نرود می تواند وثیقه ملکی باشد می تواند مال منقول باشد تا موقع ای که حکم نهایی صادر بشود در غیر این صورت باید به زندان برود شخص صادرکننده ای که نتوانسته وجهی چک را کارسازی بکند

ماده ۱۸ - ماده ۱۹ که فوق العاده مهم است دقت بفرمائید بچه ها صحبت از این می کند که چک را می شود وکالت دهد نمایندگی هم صادر کرد سوالی که شاید در ذهنتان امده باشد و تلفیقی است از حقوق ثبت و مدنی و تجارت که به شکلی می شود چک را به صورت نمایندگی یا وکالت صادر کرد با لحاظ ماده ۶۵۴ ق م با لحاظ ماده ۶۵۶ عق م با لحاظ ماده ۶۶۲ ق م اما در مورد مسئولیت کیفری اش می گوید اگر ثابت بکند واقعا کارش وکالتی است دیگر مسئولیت کیفری ندارد . یادتان است بچه ها بحث ظهرنویسی به عنوان وکالت را مطرح کردیم بحث سفید امضا را مطرح کردیم بارها و بارها قانون مدنی را خواندیم در این خصوص در اینجا و در خیلی جاهای دیگر هم اگر دقت کردید گفتیم امضا به عنوان بالاترین ملاک عمل است چک که حتما باید امضا داشته باشد یعنی مهر به تنها کیفیت نمی کند قصد انشا که یادتان نرفته امضا ملاک اولیه سند چک است در مورد برات و سفته هم همینطور است اما می تواند انجا مهر هم داشته باشد قصد انشا بسیار مهم است امضا بسیار مهم است ایا می شود با وکالت یک کسی چک را از طرف دیگری صادر کنیم ؟ هیچ اشکالی ندارد اولین ملاک آن این است که یک وکالت نامه رسمی باید باشد شما دیدید مطابق اینکه پشت چک می توانستید ظهرنویسی کنید به بانک وکالت می دادید چک را برایتان وصول کند نیاز نبود بربید دفتر اسناد رسمی یک سند رسمی تنظیم بکنید اما برای اینکه بخواهید یک چک را دیگری برایتان صادر بکند باید وکالت نامه رسمی باشد وکالت نامه ثبتی باشد که تنها مرجع اش هم دفاتر اسناد رسمی است مطابق ق ث یعنی به چه شکل ؟ دقت میفرمائید فقط با مثال می توان عنوان کرد یعنی جناب اقای همتی که صاحب یک حسابی است در بانک شعبه دانشگاه حساب دارد یک چک را سفید می دهد دست جناب اقای مشهدی می گوید این را امضا کن و تاریخ بزن و مبلغ بزن و ببر بانک اما چه امضائی این خیلی مهم است ایا همتی می تواند به مشهدی بگوید نگاه کن امضا من این جوری است و این است این امضا

را فشنگ تمرین کن پای آن چک بزن نه این جورئ نه این می شه جهل نه راه دیگه ای دارد قانونی اینکه می روند دفتر اسناد رسمی یک وکالت در مورد صدور این چک می دید . یعنی وکیل می شود افاقی مشهدی و موکل می شود افای همتی که صاحب حساب است مراجعه به بانک ملی شعبه دانشگاه و تنظیم سند چک به این شماره یا می تواند کلی بنویسند همه چکهای ایشان وامضا ذیل چک یا این چک یا همه چکهاش در هر بانکی واین وکیل دارای وجود و اختیارات کامل می باشد در نوشتن مبلغ در هر تاریخ در هر زمان و در هر مکان با این وکالت نامه افای مشهدی با امضا خود آن این چک را امضا می کند علارقم این که برای حساب افای همتی است امضا افای همتی در بانک است اما امضا خودش را می زند اما به بانک می گوید خوب این را واصل کنید کارمند بانک نگاه میکند تطبیق می دهد می گوید این کلاهبردار است این کلاهبردار امضا دیگری را زده می رود پیش رئیس بانک می گوید این چک را اورده امضا با امضا صاحب حساب نمی خواند بعد وکالت نامه اش را افای مشهدی نشان می دهد می گوید بنده از طرف مالک وکالت نامه دارم حال این امضای که تو وکالت نامه است را با امضا موجود در بانک تطبیق می دهنده بینید بحث چقدر می تواند پیچیده و ساده باشد چیزی که بسیاری از حقوقدانان نمی دانند اینجا دیگر امضای که در وکالت نامه است با امضا که در بانک موجود است تطبیق داده می شود امضا وکالت نامه را صاحب حساب زده دیگر درست است یعنی همتی رفته در دفترخانه وکالت داده به مشهدی بابت این چک یا هر چک دیگر یا همه چکها ئ که دارد آن هم وکالت رسمی فقط وکالت رسمی پس می شود چک را وکالتا صادر کرد .

چک مربوط به صاحب حساب است به اسم همتی ودر اختیار شخصی بنام مشهدی امضا مشهدی روی آن چک وجود دارد اما یک وکالت نامه دارد که ضمیمه ودر بانک نمونه امضای که در بانک است را با نمونه امضا که در وکالت نامه است تطبیق می دهنده می دانید وکالت نامه را موکل امضا می کند متوجه شدید چقدر در عین پیچیدگی و ظرافت ساده هم است این مد نظر ماده ۱۹ ق ج است که خیلی ها به آن اگاهی ندارند بارها سر این موضوع من با ادارات حقوقی بانکها بحث کردم تا اخر یک فرد با سودادتری پیداشد تا فهمید این منظورش چیست در ماده ۱۹ یکجاهايی امضا است البته بیچاره یک وکالت نامه باید این مسئولیتها را بپذیرد تازه تا مسائل کیفری هم می رود اخوش می گوید اما اگر ثابت کرد اشکالی ندارد آن وکالت نامه ثابت

می کند . این مقررات قانون چیز دیگری ندارد به جز همین چند نکته کلیدی که گفتیم که امیدوارم باد گرفته باشید در کیفری هم حتما به شما بیشتر خواهند گفت .

وکیل اختیار دارد چک ها را در وجه حامل وحواله کرد و شخص معین صادر کند اگر این جورئ باشد اشکالی ندارد اگر رفت تو بانک میبینند این امضا تطبیق ندارد تکلیف چیست ؟ حتما بایدیک کپی برابر با اصل ببیند اگر وکالت وکالتی است که فقط مربوط به این چک نیست اصل خود وکالت باید ضمیمه این چک هر دفعه دست هر کسی که می چرخد باشد اگر وجود اختیار این وکالت قطعی است فقط در مورد چک نیست حداقل آن مراجعه به آن دفترخانه یک کپی برابر اصل ضمیمه این چک شود از نظر اجرائی سوال خوبی بود که تکلیف چیست این امضا نمی خورد اقا برای چی این وکالت نامه داشته اگر وکالت نامه فقط در مورد این چک است این چک دست هر کسی است این وکالت نامه هم باید باشد که مشخص کند که بابا جان صادر کننده وکالت داشته از طرف صاحب حساب اگر حدود این وکالت وسیع تر از فقط این چک است یک کپی برابر با اصل از دفترخانه تنظیم کننده این سند ضمیمه این چک می کند .

اما چند نکته که می شود استخراج کرد درباره ق ج مصوب ۱۳۸۲ چند نکته طریف می شود از آن استخراج کرد و من خیلی مختصر و مفید از این تقریبا ۲۴-۲۳ تا ماده قانونی که اینجا وجود دارد خیلی نکات کلیدی را درباره چک بدانید :

۱/ مطابق سال ۸۲ ملاک عمل است اینکه چک اگر زمان دار باشد یعنی حال نباشد و این موضوع هم ثابت شود یعنی اصل بر اینکه چک حال است چک وصف کیفری خود را از دست خواهد داد قطع به یقین وصف کیفری چک از بین خواهد رفت و فقط چک حال دارای وصف کیفری است .

۲/ در ضمن در مورد اینکه بخواهیم به پول خودمان برسیم دادخواست باید در محل اقامت بانک محل علیه مطرح شود یعنی شخص نمی تواند در محل اقامت خود دادخواست وجه چک را مطالبه کند و دارنده نمی تواند در محل اقامت خود چک دعوائی را مطرح کند مثلا بگوید خوب من تو بندرعباس زندگی می کنم

دوست دارم در بندرعباس طرح دعوا کنم در صورتی که بانک در ورامین است بند در ورامین و در دادگاه ورامین اقامه دعوا می کنم . این ۲ نکته که از نظر ادم ورعایت دادگاه به آن توجه کردیم .

۳/ حتما باید برای طرح دادخواست و شکایت کیفری حتما باید گواهی عدم پرداخت صادر شده باشد .

۴/ چک اگر مدت دار هم باشد فاقد قصد کیفری هم باشد در هر صورت می شود نسبت به آن دادخواست مطالبه وجه چک را مطرح کرد .

دقت فرمودید گفتیم چک اگر مدت دار هم باشد وصف کیفری هم نداشته باشد در هر صورت مطالبه وجه چک را می توان مطابق دادخواست مطرح کرد اینها هیچ کدام با هم منافاتی ندارد البته توجه به آن مهلت ها و مواعده ۱۵ روز ۴۵ روز ۴ ماهه در مورد ظهernoیسها آن ۶ ماه این ها به کنار آن برای بحث کیفری بود قابل توجه است چرا که اگر این مدت‌ها رعایت نشود دیگر دادخواست علیه ظهernoیسها قابل طرح نیست و یک نکته دیگری که گفتیم ولی توئی نکات ظریفمان اضافه نکردیم اینکه بچه ها در مورد ظهernoیسها به هیچ وجه تعقیب کیفری وجود ندارد فقط در مورد صادرکننده است که تعقیب کیفری وجود دارد ظهernoیسها مسئولیت دارند از نظر پرداخت وجه و مسئولیت تضامنی دارند .

(به پایان امد این دفتر حکایت همچنان باقی است



(رجوع به م ۱۲۸۴ ق.م)

آیا قانون تجارت تعریفی از اسناد تجاری کرده است

رجوع به م ۱۲۸۷ ق.م

تعريف سند تجاری ← خناصر تشکیل دهنده‌ی آن → توجه به اصل و استثناء به م ۴۰۳ ق.ت

*مزایای اسناد تجاری : ۱- مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان ۲- صدور تا مین خواسته م ۲۹۲ ق.ت ۱۳ اجرای موقت احکام

م ۲۴۹,۳۰۹,۳۱۴ ق.ت

۱- در حکم سند لازم الاجراست: از طریق اجرای ثبت می توان تقاضای صدور اجرائیه صادر کند
} مزایای ویژه‌ی چک

۲- وجود حق تعقیب کیفری بر خلاف دو سند دیگر حق تعقیب کیفری از طریق دادگاه

در مورد صادر کننده است

۱- اسناد تجاری وسیله پرداخت هستند

۲- وسیله‌ی انتقال طلب و انتقال وجه هستند فوائد استفاده از اسناد تجاری

۱- اسکمپت *escompte*

۳- وسیله‌ی کسب اعتبار هستند

۲- خروج کردن

کنوانسیون سوم راجع به تمبر م ۱۲۹۴ ق.م *conflict of law*

مقررات IN در زمینه‌ی اسناد تجاری
کنوانسیون اول: قانون یکنواخت و زُنو راجع به برات، سفته توجه به امضاء اساسی و مهر نیز اجازه شد

سفته و چک
۳۰۹
۳۱۴

۸۹/۱/۱۷

فوائد استفاده از اسناد تجاری **escompte** → سلسله‌ی کسب اعتبار

کنوانسیون اول، قانون یکنواخت و ژنو راجع به برات سفته توجه به
امضاء اساسی و مهر نیز اجازه شد
conflict of law
کنوانسیون دوم، تعريف برات: تعارض قوانین را به حداقل برسانید
نظریه‌ی سوم: راجع به تمیر م ۱۲۹۶ق.م فرم برات

مقررات IN در زمینه‌ی اسناد تجاری

سند برات: لزوم اعمال مقررات برات در مورد سفته و چک
سفته ۳۰۹ ق.ت
چک ۳۱۴ ق.ت

شرایط برات: برات ۹ شرط دارد بهترین آن امضا یا مهر برات دهنده است م ۲۲۳ ق.ت

1-۱
1-۲
1-۳
1-۴
in tent ion to create legal calation 1 -۴

1- امضاء یا مهر برات

2- قيد کلمه برات در روی سند
Lopsofti mez statutelarred (A) (B)
3- ذکر تاریخ تحریر برات ← فوائد تاریخ صدور برات ←

(C)

اگر صادر کننده یا برات گیر برات بیش از یک نفر باشد در مقابل دارنده ی برات چه مسئولیتی دارند

م ۲۴۹ در مورد برات دهنده واحد

مسئولیت تضامنی م ۴۰۳

نکته: توجه به تفسیر موسع وضیق قانون واکتفا به قدر متقین

۸۹/۱/۲۴

توجه به م ۲۲۵ ذکر تاریخ تحریر به حروف Q ←

در صورت تخلف چه ضمانت اجرایی دارد

۴- ذکر نام شخص که وجه برات را تادیه میکند.

منظور مجبور نیست باید برات کامل شود

برات دهنده آن را صادر و به عهده ی برانگیر می اندازد و قبول برانگیر الزامی است

} برانگیر

در ایران (به هیچ وجه وجود ندارد)

} نکته جمع ۲ عنوان برات دهنده و برانگیر در شخص واحد

در مقررات یکنواخت زنو(وجود دارد)

نکته: در چک وجود دارد

۵- تعیین مبلغ برات: لزومی ندارد پول رایج کشور معین‌تر برات باشد میتواند خارجی باشد

◀ مقررات IN کشور محل پرداخت را ملاک دانسته

کنوانسیون ژنو

Q در صورت بروز مشکل چه باید کرد هنگام پرداخت

بخارط نوسان نرخ آزاد برای برائت ذمه ملاک است

توجه به قائد تکلیف به ما لا یطاق

يعنى انجام فعل را از شخص بخواهیم که توانایی آن کار را نداشته باشد

6- تاریخ تادیه‌ی وجه برأت طبق قانون

در عمل

- 1- تاریخ به رویت یا برأت به حال
- 2- براتی که به وعده از تاریخ رویت باشد
- 3- به وعده از تاریخ صدور برأت یا به وعده از تاریخ برأت
- 4- به صورت روز، ماه، سال معین

طريق تعیین تاریخ تادیه‌ی وجه برأت

مواد ۲۴۱ و ۲۴۲

7- تعیین محل پرداخت برأت:

1- از نظر دارنده اهمیت دارد

2- از نظر گیرنده یا برأت گیر

3- از طریق پول قابل پرداخت هم قابل اهمیت دارد

} اهمیت محل پرداخت

4- تشخیص دادگاه صلاحیتدار

در حقوق ایران برأت ابتدائاً در وجه حامل نیست . م ۲۴۵ ق.ت

} تعیین نام دارنده برأت

بار حقوقی عبارت حواله کرد در حقوق ایران

۹- تصریح به نسخه‌ی اول و دوم و ...

نکته: صدور برات در نسخه‌ای متعدد این خطر را دارد که هر کدام عنوان برات مستقل محسوب گردد

در ایران معمولاً تک نسخه‌ایی و در فرمول‌های مخصوص دارایی

ضمانت اجرای فقدان شرایط م ۲۲۳ ← ۲۲۴ ←

۸۹/۱/۳۱

سفید امضا یا سفید مهر —► آیا لازم است تمام مندرجات برات یا حتی چک در هنگام صدور کامل باشد یا بعداً هم می‌شود؟

◀ محل برات یعنی محل و محمول داشتن م ۲۷۴ و ۲۹۰

◀ انتقال مالکیت برات دهنده به دارنده برات توجه به ورشکستگی

*برات سازشی : براتگیر نه بدھی دارد نه برات محل دارد
کسی که نه بدھی دارد نه قرار پرداختی دارد
جهت مساعدت برات را قبول کرده و در هنگام سر
رسید مراجعته ایی به براتگیر نخواهد شد
آیا در مقابل ثالث با حسن نیت قابل اعمال است؟
* جمع بین برات دهنده و دارنده برات

* قبول و نکول برات : براتگیر هیچ الزامی به قبول ندارد حتی در صورت بدھی
اما اگر قبول کرد حق نکول ندارد ◀

(۱) آیا براتگیر حق قبولی داشته
(۲) در جایی است که برات به وعده
از تاریخ رویت باشد
(۳) دانستن تاریخ قبولی

◀ تاریخ قبولی برات اهمیت دارد
۲۲۱ - ۲۲۲ م ۲۲۲ - ۲۲۳ (توجه به م ۲۲۹ و ۲۳۰)

◀ شرایط شکلی قبولی برات
۱) کتبی
در خود سند منعکس شود
۲) ق.ت ۲۲۸

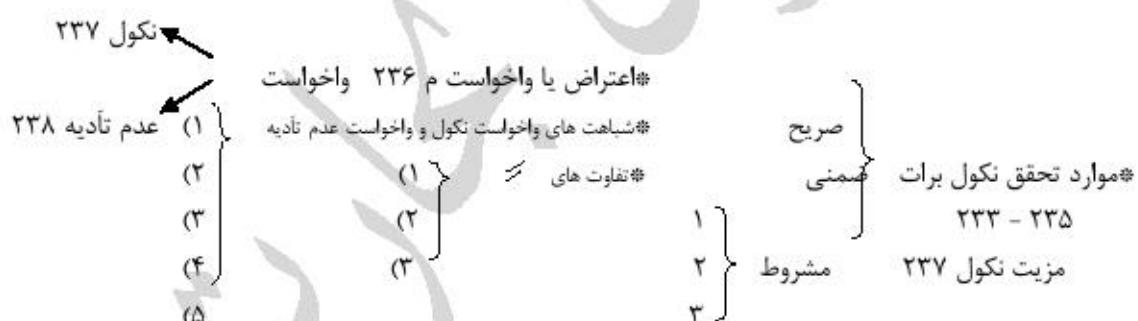
◀ موارد تحقق نکول برات
۲۲۳ - ۲۲۵ م
الف) صریح
ب) ضمنی
ج) مشروط
◀ مزیت نکول م ۲۲۷

۸۹/۲/۷

۲۲۸ ق.ت

* شرایط شکلی قبول برات
۱
۲

تاریخ قبولی برات اهمیت دارد
۱
۲
۳



* لزوم یا عدم لزوم واحواست عدم تأییده در مورد چک : توجه به رای وحدت رویه ۱۳۶۹ و صدور گواهی عدم پرداخت

۱) از ابتدا پیش بینی شده مادتین ۲۴۰ و ۲۴۱ - قبول به دو صورت محقق می شود
۲) از ابتدا پیش بینی نشده قبول شخص ثالث
بررسی مادتین ۲۸۴ و ۲۸۵

نکته: قبول کننده برات باید بگوید که برات را به نفع چه کسی قبول می کند

توجه به ایادی ما قبل

در صورت عدم تعیین

ایران

زنو

۲۷۳-۲۷۲-۲۷۱-۲۷۰

ملک

۸۹/۲/۲۱

توجه به ماده ۲۳۷

قسمت انتهایی م ۲۴۹

م

۲۳۷ م

۲۳۸ م

ضمان در برات

توافق طرفین دردادن ضمان در سند

توجه به مضمون عنہ

نیاز به تصریح ندارد

الف) به منظور انتقال

ب) به منظور وکالت

ج) به منظور وثیقه

ظهور نویسی

ایران

عدم بار حقوقی به کلمه‌ی حواله کرد

الف) به منظور انتقال: مکانیسم

زنو

(۱) الزامي

(۲) اختياري

(۳) دليل انتقال

شرایط ظهر نویسی م

۲۴۶

ق.ت ساكت است

ظهر نویسی مشروط:

توجه به م ۳ ق.چک مصوب ۷۲

نکته) ظهر نویسی باید به کل مبلغ باشد

ب) ظهر نویسی به منظور وکالت: م ۲۴۷ ق.ت
حق پایاپایی: تحت کنترل بانک مرکزی

توجه به ق. وکالت دادگستری / ۹۵۴ ق.م ۶۸۲

يعنى فقط وکلای دادگستری حق طرح دعوا دارند در محاکم دادگستری

در ق. مدنی ۶۷۲، ۶۷۳

وکالت در توکيل

در عمل بانک ها طبق مدل جهانی

۸۹/۲/۲۱

م ۶۷۸ ق.م

تاشير فوت و حجر دارنده سند

وحدت ملاک م ۴۰۰ ق.ت توجه به م ۴۰۱ ق.ت

در ق.م ۶۷۲ - ۶۷۳

وکالت در توکيل

در عمل بانکها طبق مدل جهانی

(۱)

توجه به م ۷۷۴ ق.م

(۲)

عده اي نظر دارند جايز نیست

(۱)

عده اي نظر دارند جايز است

(۲)

ج) ظهر نويسى به عنوان وثيقه

رهن و وثيقه عين

(۱)

←→ رهن و وثيقه عين

در حقوق تجارت در مورد آن نیامده توجه به ماده ۲۴۵ الی ۲۴۸ ق.ت

ترجیه به ماده ۲۶۷ ق.م

پرداخت برات توسط شخص ثالث مواد ۲۷۰ تا ۲۷۳ ق.ت

تفاوت پرداخت برات توسط شخص ثالث یا ایفای دین از جانب غیر مدييون در حقوق مدنی (م ۲۷۱ ق.ت)

نکات ملحوظ در مادتین ۲۷۱ و ۲۷۲ ق.ت

حقوق و وظایف ، دارنده برات م ۲۷۴ الی ۲۹۲ ق.ت

نکول م ۲۳۷

مسئولیت برات دهنده: در برابر دارنده برات ۲ نوع مسئولیت دارد

۲۳۸ (۲)

(۱) م ۲۷۴ ق.ت توجه به سر رسید و مدت ۱ سال مندرج در قانون

(۲) م ۲۸۰ ق.ت توجه به مدت ۱۰ روز

وظایف دارنده برات

الف) م ۲۸۶ ایران

(۳) اقامه ی دعوى

ب) م ۲۰۸ خارج از ایران

مسئولیت ظهر نویس: در قبال دارنده ۲ نوع مسئولیت دارد

الف) مسئولیت ناشی از نکول: م ۲۳۷ توجه به ضمان

ب) مسئولیت ناشی از عدم تادیه

در صورت عدم قبول و نکول هیچ مسئولیتی ندارد

مسئولیت برانگیر

در صورت قبول مسئولیت دارد تقدیر به مدیون بودن کرده

پس در نتیجه به طور کامل مسئولیت دارد

در جایی که برانگیر قبولی داده برانگیر مسئولیت دارد اگر هم دارنده م ۲۸۰ هم رعایت نکرده باز هم مسئولیت دارد

برات رجوعی م ۲۹۸ تا ۳۰۴ ق.ت. عناصر مربوط به برات رجوعی

۳۰۹ م الی ۳۰۷ سفته

دو طرف در آن دخالت دارند(۱) دارنده ای سند سفته(۲) صادر کننده سفته

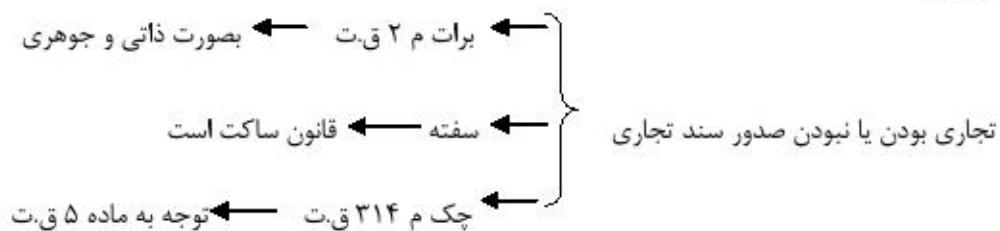
تفاوت سفته با برات سفته می تواند در وجه حامل صادر گردد م ۳۰۸ ولی برات نمی تواند م ۲۲۳ بند ۷

شرط الزامی سفته (۱) امضاء یا مهر

intention to create legal relation

۲- تاریخ صدور ۳- قید مبلغ با حروف ۴- نام گیرنده وجه ابراد: اگر میتواند حامل باشد نام گیرنده چیست

۵- تاریخ سر رسید سفته

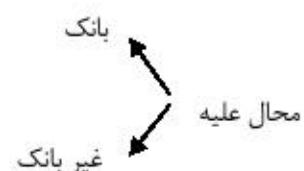


تصویب قانون چک در ۱۳۵۵ و اصلاحیه سال ۱۳۷۲-۱۳۸۲

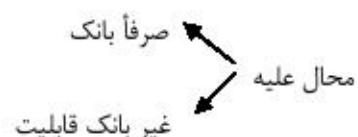
ماده ۳۱۰ قانون تجارت - ۳ شخص در آن دخالت دارند - ۲ صادر کننده - ۱ محال عليه

صادر کننده و دارنده می‌توانند یک شخص واحد باشند

نکته) در ق.ت الزاماً ندارد محال عليه بانک باشد



در ق.ت چک الزاماً محال عليه چک می‌باشد



م ۳۱۳ و ۳۱۱

م ۳۱۵

توجه به مادتین ۳۱۸ و ۳۱۹ ق.ت در باب مرور زمان